

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



صاحب امتیاز: مرکز بسیج اساتید، نخبگان و مدیران حوزة علمیه قم

مدیر مسئول: محمدحسن نبوی

قائم مقام مدیر مسئول: داود رجبی نیا

سر دبیر: محسن محمدی

هیئت تحریریه این شماره: مصطفی اسکندری، علی ملکوتی نیا، داود رجبی نیا، رضا لکزایی،

محمد حقی، محسن محمدی

طرح جلد و صفحه آرایی: محمد عسگری

کارشناس اجرایی: مجتبی قرا باغی

ویراستار: احسان صباح

دفتر نشریه: قم - میدان جانبازان، خیابان شهیدان فاطمی، کوچه چهار، مرکز بسیج اساتید، نخبگان و مدیران حوزة علمیه قم

کد پستی: ۳۷۱۵۶-۴۶۴۸۸

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۲۰۹۱۵

نمبر: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۷۴۰۶

پست الکترونیک: howzehghelabi110@gmail.com

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

## یادآوری

مطالب چاپ شده در ماهنامه «حوزه انقلابی» فقط دیدگاه نویسندگان محترم مقالات می‌باشد و مسئولیت مقالات بر عهده ماهنامه نمی‌باشد. انتشار مطالب این ماهنامه در سایر نشریات با ذکر منبع و رعایت امانت مجاز می‌باشد. ماهنامه حوزه انقلابی به منظور ارتقای کیفی و غنی‌سازی محتوای مطالب از پیشنهادها و انتقادهای خوانندگان محترم خود استقبال می‌کند.

## دعوت به همکاری و شیوه تنظیم مقاله

ماهنامه حوزه انقلابی که توسط مرکز بسیج اساتید، نخبگان و مدیران حوزه علمیه قم در راستای طرح دیدگاه‌های اندیشمندان و نخبگان جامعه در موضوع حوزه انقلابی تهیه و منتشر می‌شود؛ از اساتید، صاحب‌نظران و نخبگان حوزه علمیه قم جهت ارائه مقاله در حوزه فرهنگی سیاسی دعوت به عمل می‌آورد. مقالات پس از داوری و پذیرش در ماهنامه چاپ و منتشر خواهد شد. حق‌التألیف نویسندگان در صورت پذیرش و چاپ مقالات، مطابق با ضوابط تعیین شده پرداخت می‌شود.

لطفاً مقالات خود را به صورت مکتوب به معاونت پژوهش یا به پیام‌رسان ایتا به آدرس [eitaa.com/pajooresh\\_basij\\_asatid](mailto:eitaa.com/pajooresh_basij_asatid) ارسال کنید.



## تاریخ و سیاست

۱۱ حوزه انقلابی و هویت تمدنی انقلاب اسلامی

محسن محمدی

۲۳ آسیب‌شناسی جریان‌های سیاسی روحانیت پس از انقلاب اسلامی (۳): جریان ضدانقلاب

محمد حقی

## فرهنگ و اجتماع

۳۷ تبارشناسی و مبانی فکری - اعتقادی احمدالحسن یمانی (بخش اول)

محمدجواد مه‌ری

۴۹ بررسی وضعیت اسلام و مسلمانان در پژوهش‌های غربی

محمد رضا حضوربخش

## تحلیل و بررسی

۶۷ مروری بر دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد سند ۲۰۳۰

حسین ایزدی

۸۱ چرا #عدم\_نکنید؟! بررسی مبانی مشروعیت مجازات اعدام از منظر حقوق اسلامی

محسن هنرجو

گزارش علمی

بررسی آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران

۹۷

محسن مدنی‌نژاد

گفت‌وگو

پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

۱۰۹

گفت‌وگو با آیت‌الله محمود رجبی دام‌عزه



## رهنمود ولایت

تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنایی و بی‌سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آنگاه که اداره زندگی فرد و جامعه - با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را - مطمح نظر می‌سازد مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می‌یابد و این همان‌طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت‌گیری‌های مورد نیازش، غنی می‌سازد، حوزه فقاقت را نیز جامعیت و غنا می‌بخشد. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد. **(پیام به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت**

**تشکیل شورای سیاست‌گذاری حوزه، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴)**







# تاریخ و سیاست





## حوزه انقلابی و هویت تمدنی انقلاب اسلامی

محسن محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

هویت تمدنی یکی از مهم‌ترین ابعاد انقلاب اسلامی است که نمودهای مختلفی در عرصه بین‌المللی و داخلی داشته است. برداشت‌ها و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی از دین در عرصه فردی و بین‌المللی از مهم‌ترین مبانی هویت تمدنی انقلاب اسلامی است. رویکرد تمدنی به انقلاب اسلامی، مورد نظر رهبران انقلاب و قابل تحلیل در بستر تمدن اسلامی است.

نوع مواجهه انقلاب اسلامی با غرب که متفاوت با سایر کشورهای اسلامی است، برگرفته از این ویژگی انقلاب اسلامی است. اقدامات انقلاب اسلامی در عرصه بین‌الملل مانند حضور منطقه‌ای از این جهت قابل تحلیل است.

حوزه انقلابی جهت حفظ جایگاه خود و تقویت انقلاب باید مبانی انقلاب را به خوبی فهم و تبیین کند. بر این اساس حوزه انقلابی، حوزه‌ای است که رویکرد تمدنی دارد. واژگان کلیدی: حوزه انقلابی، غیریت هویتی، هویت تمدنی، بین‌الملل، استعمار، امت اسلامی.

---

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، دکتری مطالعات انقلاب اسلامی.

### مقدمه

مقام معظم رهبری در مقام تبیین حوزه علمیه مطلوب و ایده‌آل در دوران کنونی، وصف «انقلابی بودن» را مطرح کردند. در واقع انقلابی بودن، انتظاری است که معظم له به عنوان رهبر انقلاب از حوزه‌های علمیه دارند. در تحلیل این نکته باید توجه داشت که ایشان بیشترین اطلاع و اشراف را نسبت به فضای عمومی جامعه دارند و به عنوان فرزند برومند حوزه‌های علمیه با دلسوزی زیاد نسبت به پیشرفت و تعالی حوزه‌های علمیه مسائل آن را پیگیری می‌کنند.

حوزه‌های علمیه به‌عنوان منبع اصلی طراحی، مدیریت و حمایت انقلاب اسلامی همواره به عنوان یکی از پایگاه‌های انقلاب مد نظر بوده است. حوزه‌های علمیه همان طور که قبل از انقلاب در طراحی و اجرای آن سهمیم بوده است در دوران پس از پیروزی انقلاب نیز در دوران بازتولید و حفظ انقلاب باید حضور داشته باشند.

به عبارت دیگر حوزه‌های علمیه در انقلاب فقط نقش تاسیسی و حمایتی ندارند بلکه نقش بازتولیدی نیز دارند. چراکه بهترین منبع بازتولید انقلاب همان منبع تولید آن است. بنابراین فاصله گرفتن حوزه‌های علمیه از وصف انقلابی بودن به معنای ضعف پشتوانه فکری و ایدئولوژیک انقلاب است که بازتعریف و بازتولید آن در نسل‌های بعد را دچار مشکل می‌کند.

البته باید به این مسئله بسیار مهم توجه داشت که انقلابی بودن حوزه‌های علمیه در بستر زمان متفاوت خواهد بود؛ زیرا اساساً الگوی نقش تاسیسی با الگوی نقش بازتولیدی متفاوت است.

حوزویان امروز برای متصف شدن به وصف انقلابی بودن باید به این سوال پاسخ دهند که اگر نسل انقلاب کننده حوزه در دوران مبارزات قبل از انقلاب، امروز در صحنه انقلاب بودند چه می‌کردند؟ در واقع آنها باید کاری را انجام دهند که انقلابیون برای تثبیت و تکثیر انقلاب انجام می‌دادند.

انقلاب اسلامی یک فرایند چندمرحله‌ای است که توقف در هر مرحله می‌تواند

دستاوردهای انقلاب را تنزل دهد. مقام معظم رهبری برای انقلاب اسلامی پنج مرحله را بیان کردند: تحقق انقلاب اسلامی، تاسیس نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، تحقق جامعه اسلامی و تشکیل تمدن بزرگ اسلامی.<sup>۱</sup> بر این اساس یکی از ابعاد انقلاب اسلامی ابعاد تمدنی است.

حوزه انقلابی باید متناظر ابعاد انقلاب باشد. وقتی یکی از ابعاد انقلاب تمدنی است،

حوزه انقلابی نیز باید رویکرد تمدنی داشته باشد. به عبارت دیگر حوزه‌های علمیه برای انقلابی بودن باید این ویژگی‌ها و مبانی انقلاب را بدانند، از آن حمایت کنند و ابتدا آنها را در خود و سپس در جامعه بازتولید کنند. از این

جهت انقلابی بودن حوزه‌های علمیه، متصف شدن به مبانی انقلاب اسلامی است که یکی از مهم‌ترین آنها ابعاد تمدنی است.

در این نوشتار مروری بر ابعاد تمدنی انقلاب اسلامی خواهیم داشت تا ارتباط حوزه با هویت تمدنی انقلاب اسلامی بیشتر مشخص شود.

### تبیین ابعاد هویت تمدنی انقلاب اسلامی

از تمدن تعریف‌های متعددی ارائه شده است. به طور کلی تمدن مرحله تکامل و ارتقا یافته فرهنگ تلقی می‌شود. زمانی که فرهنگ یک جامعه متراکم شود و تجربه‌های مادی و معنوی آن به سطحی خاص و قابل قبول برسد، می‌توان نمودار و تجلی عینی این

۱. بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتیم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. (۱۳۸۳/۰۸/۰۶)

یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است. (۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

تجربیات را تمدن نامید.<sup>۱</sup> بر این اساس تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی اشاره دارد که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در برمی‌گیرد و برخوردار از فرهنگ گسترده و پرورده نوشتاری است.<sup>۲</sup>

تمدن دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالت پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه است که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است.<sup>۳</sup>

بنابراین تمدن یک امر تک‌بعدی نیست، بلکه مجموعه‌ای متأثر از دارایی‌ها و ذخایر مادی و معنوی یک ملت است. از همین جهت می‌توان به تعامل و ارتباط هر تمدن، با مؤلفه‌های غیرمادی در کنار مؤلفه‌های مادی و تأثیر این مؤلفه‌ها در شکل‌گیری یک تمدن پی برد. پدیده‌های درهم تنیده تمدن، هم مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هم گسترش و کمال هنر، ادبیات، تفریحات، علم، اختراعات، فلسفه و دین را دربرمی‌گیرد.<sup>۴</sup>

به این ترتیب یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمدن عام و کلان‌نگری آن است. تمدن در این معنای گسترده، عبارت است از مجموعه عناصر اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، مذهبی و فرهنگی که در جامعه‌ای خاص تحقق می‌یابد.<sup>۵</sup>

انقلاب اسلامی به مثابه یک امر سلبی در نفی نظام شاهنشاهی، یک پدیده تمدنی نیست، ولی اراده و تفکری معطوف به یک تمدن اسلامی در آن نهفته است که زمینه‌های شکل‌گیری یک تمدن را در آن ایجاد می‌کند. به بیان دیگر انقلاب اسلامی آغازی با هویت سلبی و منفی (به شکل مقاومت) در برابر دیگربودهای سکولار در درون و بیرون از ایران

۱. درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، ج ۱، ص ۱۷۶؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، علیرضا شایانمهر، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. فرهنگ و تمدن اسلامی، علی‌اکبر ولایتی، ص ۲۰ و ۲۱.

۳. فرهنگ روز سخن، مرتضی محمدی، ص ۳۳۷.

۴. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ص ۷.

۵. فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، ص ۴۷.

بود که به این مقدار از هویت سلبی نمی‌توان تمدن اطلاق کرد؛ هرچند چنین آغازی برای شکل‌گیری یک تمدن امری ضروری و شرطی لازم به‌شمار می‌رود.

به عبارت دیگر اولین قدم تمدنی انقلاب اسلامی زمانی رقم خورد که با شعار «نه شرقی نه غربی»، ابعاد غیریتی هویتی خود را ترسیم کرد. برای ایجاد یک تمدن، ابتدا باید مرزهای تشخیص هویتی با تمدن‌های موجود و رقیب مشخص شود و سپس در مرحله ایجابی به سراغ ایجاد تمدن رفت.

**اولین قدم تمدنی انقلاب اسلامی زمانی رقم خورد که با شعار «نه شرقی نه غربی»، ابعاد غیریتی هویتی خود را ترسیم کرد.**

خاستگاه اصلی این مقاومت (نرم و سخت) و غیریت‌سازی هویتی در ایران که موجب شکل‌گیری برخی از تحولات اجتماعی و زمینه‌های تمدنی در نظام جمهوری اسلامی شده است، دو بخش مهم دارد:

۱. معرفتی که بر «اسلام به مثابه راه حل معضلات دنیوی انسان مسلمان معاصر» و «نفیِ اجمالی غرب بر پایه نوعی از غرب‌شناسی بدبینانه» تاکید دارد.

۲. معنوی که عشق و محبت به نمادهای عزت، غیرت، و مقاومت اسلامی در گذشته اسلام (بالاخص امام حسین علیه السلام) را پوشش می‌دهد.

افزون بر این ابعاد سلبی، در بعد ایجابی، انقلاب اسلامی بر اساس قرائتی ویژه از اسلام شکل گرفت که اسلام را در ابعاد فردی و مناسکی خلاصه نمی‌کرد و مولفه امت اسلامی را در سطوح مختلف مد نظر داشت. بر این اساس با توجه به ابعاد سیاسی و اجتماعی اسلام با تاکید بر مقولاتی مانند حکومت اسلامی، در عرصه بین‌الملل نیز بر مفاهیمی مانند احیای امت اسلامی و مبارزه با نظام استعمار و استکبار تاکید داشت. چنین قرائت و رویکردی در نظام فکری و معرفتی انقلاب اسلامی، ابعاد هویتی انقلاب اسلامی را به سوی ابعاد تمدنی گسترش داد.

برخی از مبانی نظری انقلاب اسلامی که هویت تمدنی آن را توجیه می‌کند، عبارتند از:

۱. اسلام دین جامعی است و تحقق آن نیز باید به شکل جامع رخ دهد.

۲. اسلام دینی توسعه‌دهنده، تغییردهنده، و گاه برخوردکننده است. به بیان دیگر اسلام نسبت به فرهنگ و تمدن پیرامونی‌اش موضع دارد که گاه این موضع ایجابی است و گاه سلبی و منفی است.

۳. در موضع ایجابی، اسلام در مواجهه با دیگر فرهنگ و تمدن‌ها رویی گشاده دارد و برای کسب دانش از حاصل تلاش دیگر تمدن‌ها تشویق می‌کند.

۴. در موضع سلبی و در برخورد با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، اسلام با جنبه‌ها و جلوه‌های سکولار و دنیوی و غیر معنوی و قدسی موضعی به شدت منفی اتخاذ کرده و بر نفی موانع معنوی و تعالی انسانی در عرصه‌های تمدنی اصرار می‌ورزد. هویت مقاومتی اسلام، نه تنها در آموزه‌های اسلامی، بلکه در وقایع تاریخ اسلام نیز برجسته بوده است و اسلام تمدنی چه در عصر نبوی و چه در اعصار بعد (به‌ویژه در دوره‌های حکومت‌های شیعی) همواره با دیگربودهای سکولار برخورد داشته است.

۵. برخورد میان نظام سکولار غربی و نظام اسلامی ممکن است نه در یک ساحت از ساحت‌های زندگی، بلکه در ساحت متعدد زندگی رخ می‌دهد (برخورد تمدنی).

۶. حفظ هویت اسلامی در همه ساحت‌های زندگی، منوط به تأسیس تمدنی جامع با هویتی اسلامی است که بتواند در همه ساحت‌های فردی و اجتماعی با نظام سکولار غربی درافتاده و برنامه‌های متفاوت برای تدبیر جامع زندگی ارائه نموده و آن را تجربه کند. به بیان دیگر، بدون زیست تمدنی (زیستی دنیوی که همه ابعاد زندگی انسانی را تحت پوشش قرار بدهد) و مبتنی بر اسلام، راه برای زیست و هویت اسلامی نیز، به‌ویژه در وضعیت پیچیده و سکولار امروز، امری دشوار و گاه ناامیدکننده خواهد بود.

### جایگاه رویکرد تمدنی در حوزه علمیه

در حوزه‌های علمیه چند رویکرد وجود دارد که رویکرد تمدنی در این بین خود را به خوبی نشان می‌دهد:

۱. برخی با تمرکز بر رویکردی فردگرایانه، بیشترین تمرکز خود را بر کسب دانش و



تحصیل علم قرار می‌دهند و ملاک حوزه علمیه ایده‌آل و طلبه موفق را در این امر می‌بینند.  
۲. برخی دیگر نیز با ارائه قرائتی فردگرایانه از عرفان اسلامی همه چیز حوزه علمیه و طلبه را در اخلاق و عرفان می‌بینند.

۳. برخی افراد نیز با رویکردی اخباری‌گرایانه، بر ظاهر دین تاکید دارند و شریعت (فقه) را مهم‌ترین بخش حوزه علمیه می‌دانند و همه موارد دیگر را به حاشیه می‌رانند.

۴. برخی افراد با اصالت دادن به فعالیت سیاسی اجتماعی، از تقید به دروس حوزوی (ابعاد علمی) و اخلاق می‌کاهند و به بازتاب اجتماعی حوزه‌های علمیه خیلی اهمیت می‌دهند.  
سه گروه اول در یک رویکرد کلی به جریان‌های سنتی توصیف می‌شوند و گروه چهارم به روشنفکران یا متجددین نام‌گذاری می‌شوند.

انقلابی‌گری در حوزه را می‌توان با رویکرد تمدنی توصیف کرد که در هیچ یک از

موارد فوق منحصر نمی‌شود بلکه با دیدی جامع‌گرایانه و شمول‌گرا در همه عرصه‌های فوق ورود می‌کند.

**امام خمینی علیه السلام با توجه به اصل غیریت در هویت، بسیار هوشمندانه غرب را به عنوان غیریت هویتی انقلاب مطرح کردند.**

دقت در زندگی و شخصیت امام خمینی علیه السلام و

مقام معظم رهبری حاکی از چندبعدی بودن شخصیت ایشان است که افزون بر برپایی درس خارج فقه و اصول، بر اخلاق و عرفان جامعه‌گرا تاکید دارند و در عرصه سیاسی اجتماعی نیز فعال هستند.

### تحلیل ابعاد تمدنی انقلاب اسلامی در بستر تاریخ تمدن اسلامی

برای بررسی ویژگی‌های رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی باید انقلاب را در یک بستر تاریخی تمدنی در نظر بگیریم.<sup>۱</sup>

تمدن اسلامی در قرون چهارم، پنجم و ششم هجری به اوج خود رسید و توانست جلوه‌های از جلوه‌های مذهبی و فرهنگی و همراهی علم و دین و دنیا و آخرت و عقلانیت

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی‌اکبر ولایتی، ج ۱.

و معنویت باشد. در این مجموعه بود که علوم طبیعی، فلسفه، فقه، حدیث، عرفان و شاخه‌های دیگر علوم توانستند به حدی از پیشرفت خود برسند و آفرینش‌های هنری همراه با توسعه تجارت و صنعت و معماری و طب، تمدنی زیبا، انسانی، دینی و ایمانی را ایجاد کند.

موج اول تمدن اسلامی بر اساس عوامل درونی و بیرونی از جمله حمله نظامی از غرب توسط مسیحیت قرون وسطا و از شرق توسط اقوام وحشی مغول دچار رکود، ایستایی و در بعضی حوزه‌ها دچار فروپاشی شد. موج دوم تمدنی اسلامی بعد از دو قرن رکود، با تشکیل سه دولت عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۳م)، صفوی (۱۷۳۶-۱۵۰۱ م) و گورکانیان هند (۱۵۲۶-۱۸۵۸م) ایجاد شد.

در این مقطع نیز استبداد داخلی و استعمار خارجی، عصر جدیدی از رکود و ایستایی را در تمدن مسلمانان ایجاد کرد. خودباختگی و غرب‌زدگی در اندیشه و اراده مسلمانان، راه را بر هر نوآوری و پویایی فرهنگی و تمدنی در جهان اسلام بست و فرهنگ غربی به عنوان نماد تمدن و مدنیت در باور مسلمانان، آنان را به دنباله‌روی از غرب کشاند.

در این دوران در ایران قاجار بر روی کار آمد که سبب افت ناگهانی و شدید اقتدار ایران شد. این موضوع از جهات مختلف قابل بررسی است. افزون بر بی‌کفایتی شاهان قاجار، باید به حضور قدرت‌های استعماری بین‌المللی در منطقه نیز توجه کرد. به عبارت دیگر فقدان نگرش و هوشمندی بین‌المللی در قاجار سبب شد آنها از تحولات اطراف خود غافل شوند و نتوانند اقدام متناسب با آن را انجام دهند.

در این شرایط نخبگان جهان اسلام وقتی عزت و اقتدار تمدن اسلامی را بر باد رفته دیدند، در مقابل تمدن غرب به هویت‌طلبی برخاستند که به ایجاد نهضت بازگشت به اسلام و احیاء تفکر دینی منجر شد. این نگاه نو به مختصات جامعه اسلامی، در انقلاب اسلامی ایران و در اندیشه امام راحل علیه السلام با تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی روند عینی خود را آغاز کرد.

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین رویدادهای سیاسی-اجتماعی

نیمه دوم قرن بیستم به شمار می آید. این انقلاب، نه تنها اثری پایدار بر تاریخ معاصر ایران بر جای گذاشت، بلکه دامنه‌های آن جوامع دیگر را نیز در معرض دگرگونی قرار داد. این اثرات آن قدر مهم بود که طی نزدیک به سه دهه، بررسی‌ها و پژوهش‌های گسترده‌ای درخصوص این تحول شگرف در ایران و بسیاری از کشورهای جهان پیرامون شناخت آن صورت گرفت. هرچند عمده این بررسی‌ها معطوف به شناخت این پدیده بوده است، ولی هنوز همه ابعاد آن، به ویژه اثرات پایدارتر این انقلاب بزرگ مورد بررسی قرار نگرفته است.

انقلاب اسلامی بر اساس قرائتی ویژه از اسلام شکل گرفت که اسلام را در ابعاد فردی و مناسکی خلاصه نمی‌کرد و مولفه امت اسلامی را در سطوح مختلف مد نظر داشت.

در این میان، یکی از ابعاد مهم انقلاب اسلامی، ابعاد تمدنی آن است که بی‌تردید برخاسته از هویت این انقلاب و در عین حال پاسخی به کشش‌های تاریخی ایران اسلامی برای ایفای نقش در تمدن جهانی است.

### رویکردها و موضع‌گیری تمدنی رهبران انقلاب اسلامی

در مورد اینکه انقلاب اسلامی هویت تمدنی دارد، می‌توان شواهدی را اقامه کرد که یکی از مهم‌ترین آنها موضع‌گیری و رویکردهای رهبران انقلاب است. رهبران انقلاب اسلامی به عنوان طراحان انقلاب که ماهیت آن را ترسیم و راهبری می‌کنند، رویکرد تمدنی داشته‌اند.

آنها انقلاب را در یک بستر تمدنی و در تداوم یک خط تاریخی تمدنی تحلیل کرده‌اند. دغدغه و مباحث رهبران انقلاب موضوعات و مسائل کوتاه‌مدت و جزئی نبود بلکه آنها با دیدی فراگیر و کلان‌مسائلی فراتر از نظام سیاسی و مسائل داخلی را مدنظر داشتند؛ مثلاً امام خمینی از همان ابتدای نهضت موضوع فلسطین را مطرح کرد. در همین راستا ایشان بحث مبارزه با استعمار، استبداد و شیطان بزرگ بودن آمریکا را بیان می‌کنند. ادبیات امام علیه السلام نه تنها تمام ایرانیان، شیعیان و مسلمانان، بلکه بشریت را مورد خطاب

قرار می‌دهد. این موضوع را می‌توان در شخصیت عرفانی امام خمینی<sup>ع</sup> جستجو کرد که با فطرت انسان ارتباط برقرار می‌کند. در این شرایط فطرت همه انسان‌ها از هر دین و ملیتی مخاطب امام خمینی<sup>ع</sup> قرار گرفت و گذرگاهی برای تعامل عرفان و سیاست در عرصه بین‌الملل ایجاد می‌شود.

یکی از مباحث مهم تمدنی، رقیب و دشمن تمدنی است. امام خمینی<sup>ع</sup> با توجه به اصل غیریت در هویت، بسیار هوشمندانه غرب را به عنوان غیریت هویتی انقلاب مطرح کردند. به این ترتیب سطح رویارویی و کنشگری انقلاب اسلامی در سطح تمدنی و در تقابل امت اسلامی و تمدن غرب ترسیم شد.

افزون بر این چشم‌انداز بلند، امام خمینی<sup>ع</sup> انقلاب اسلامی را متناظر به تحولات تاریخی معاصر ایران (انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن نفت) و بهره‌گیری از تجربه آنها پیش برد.

### نمود نگاه تمدنی در عرصه بین‌الملل

تحلیل انقلاب اسلامی در سطح تمدنی برخی از مسائل را به دنبال دارد. طبیعی است انقلابی که خود را در سطح تمدنی تعریف می‌کند، به دنبال گسترش و تعمیم خود باشد. هویت تمدنی انقلاب اسلامی به نحو ملموسی در مواجهه انقلاب اسلامی با غرب به‌ویژه آمریکا نمود پیدا می‌کند. این موضوع در مقایسه مواجهه جمهوری اسلامی و سایر کشورهای اسلامی با غرب بهتر درک می‌شود.

تقابل خصومت‌آمیز آمریکا با انقلاب اسلامی صرفاً به دلیل انرژی هسته‌ای و حتی هویت اسلامی جمهوری اسلامی نیست؛ زیرا آمریکا با سایر کشورهای اسلامی مانند عربستان چنین برخوردی ندارد و حتی کشورهایی مانند امارات اقداماتی را در راستای انرژی هسته‌ای انجام داده‌اند چنانکه انرژی هسته‌ای در ایران به دوران قبل از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. برخی از کشورهای اسلامی مانند پاکستان بمب هسته‌ای دارند و نه تنها تحریم نمی‌شوند بلکه از حمایت مالی آمریکا نیز بهره‌مند می‌شوند. علت این تفاوت را می‌توان در نگاه تمدنی انقلاب اسلامی جستجو کرد.

به عبارت دیگر مواجهه و نزاع سایر کشورها با آمریکا خاستگاه و پایگاه تمدنی ندارد. آنها حاضرند در زمین غرب بازی کنند و نزاع آنها در مورد سهم‌خواهی بیشتر است ولی رویکردهای تمدنی انقلاب اسلامی آن را در تقابل با اساس و مبنای تمدن غرب قرار داده است. از این جهت آمریکا به انقلاب اسلامی به عنوان یک رقیب تمدنی نگاه می‌کند و نزاع ایران و آمریکا، بنیادی و مبنایی است.

مبنای معرفتی و هستی‌شناختی شیعه مانند اعتقاد به انتظار و آخرالزمان، ظرفیت‌های تمدنی انقلاب اسلامی را تقویت می‌کند. اگر فوکویاما با نوشتن کتاب پایان تاریخ، آمریکا و لیبرالیسم را مدل الگو و ایده‌آل بشر معرفی می‌کند، انقلاب اسلامی با اعتقاد به ظهور امام عصر، پایانی دینی و الهی برای تاریخ بشر ترسیم می‌کند نه مادی و انسان‌گرایانه. در این

برای بررسی ویژگی‌های رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی باید انقلاب را در یک بستر تاریخی تمدنی در نظر بگیریم.

چشم‌انداز، اسلام و ایمان تعیین‌کننده و بازیگر اصلی است نه نظام سلطه به سرکردگی آمریکا و کفر و الحاد.

### جمع‌بندی

یکی از مهم‌ترین ابعاد انقلاب که آن را از سایر انقلاب‌ها جدا کرده و نوع متفاوتی از مواجهه با غرب را برای آن ایجاد کرده است، ابعاد تمدنی انقلاب اسلامی است. حوزه‌های علمیه هم اگر بخواهند در مسیر انقلاب اسلامی باقی بمانند و به وصف انقلابی متصف شوند در مرحله اول باید انقلاب را این گونه و با این رویکرد فهم کنند و در ادامه زمینه‌ها و لوازم تحقق چنین نگاهی از انقلاب اسلامی را در خود ایجاد نمایند تا بتوانند این بعد از انقلاب را محقق کنند.

نمود عینی این بعد از انقلاب اسلامی در حوزه، ورود حوزه به نظام‌سازی اجتماعی است. این رویکرد می‌تواند نگاه‌های سنتی به فقه را در حوزه تغییر دهد و فقه نظام را به مبنای درس‌های خارج فقه تبدیل کند. افزون بر این تحقق ابعاد تمدنی انقلاب اسلامی به

مبانی نظری و تولید نرم‌افزاری علمی نیاز دارد که حوزه علمیه باید در آن نقشی فعال داشته باشد. (تولید علم دینی)

در واقع انقلاب به حوزه علمیه‌ای نیاز دارد که بتواند مبانی و قرائت آن را عملیاتی کند؛ چنانکه نسل قبل از انقلاب حوزه علمیه، به نیازها و اقتضات انقلاب در آن مرحله توجه کرد و با تامین آن مهم‌ترین رکن و منبع انقلاب شد. به این ترتیب روحانیون، رهبر و پیش‌برنده انقلاب شدند نه روشنفکران ملی‌گرا یا مبارزان مارکسیست. امروز نیز حوزه‌های علمیه برای اینکه در قطار انقلاب باقی بمانند باید انقلاب را به درستی فهم و تحلیل کنند و به نیازها و اقتضات آن پاسخ دهند.

در این بین یک نکته کلیدی وجود دارد: همان طور که روحانیت قبل از انقلاب با رهبری ولایت فقیه نقش سازنده و اصلی در انقلاب یافت، برای تداوم حضور موفق خود نیز هیچ راهی مطمئن‌تر از ولایت فقیه و گوش سپردن به فرامین آن پیدا نخواهد کرد.

### منابع

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (پیدایش و شکوفایی)، علی‌اکبر ولایتی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، توس، بی‌تا.
۳. دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، علی‌رضا شایانمهر، تهران، کیهان، ۱۳۷۷.
۴. درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۵. فرهنگ روز سخن، مرتضی محمدی، تهران، نشر آفتاب مهر، ۱۳۷۳.
۶. فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۷. فرهنگ و تمدن اسلامی، علی‌اکبر ولایتی، قم، نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۴.



### چکیده

بررسی آسیب‌شناسانه جریان‌های سیاسی، به‌ویژه جریان‌های سیاسی منسوب به روحانیت پس از انقلاب اسلامی، جهت رشد، پویایی و نیل به بلوغ سیاسی، ضروری است. یکی از جریان‌های مطرح در تاریخ انقلاب اسلامی، جریان ضدانقلاب روحانیت است. متن حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که جریان ضدانقلاب روحانیت چه ویژگی‌ها و شاخصه‌های فکری دارد و با چه آسیب‌هایی مواجه است. جریان ضدانقلابی روحانیت با توجه به داشتن ویژگی‌هایی مانند عقل‌گرایی افراطی و تفریطی در معرفت‌شناسی، اعتقاد حداقلی و یا بی‌اعتقادی به حکومت دینی، افراط و تفریط در توجه به نقش زمان و مکان در اجتهادات با آسیب‌های زیر مواجه است: مخالفت با انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، تاکید بر جدایی تشکلهای و اجتماعات مذهبی از سیاست، بی‌توجهی به مساله وحدت اسلامی و ارائه چهره خشن از شیعه. **واژگان کلیدی:** آسیب‌شناسی، جریان سیاسی، روحانیت ضدانقلاب و حکومت غیردینی.

---

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه، دکتری مطالعات انقلاب اسلامی.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روحانیت شیعه که آن را از روحانیت سایر ادیان و مذاهب متمایز می‌کند، تعهد و رسالت نسبت به مسائل سیاسی اجتماعی است. این ویژگی از یک سو در بنیادهای اعتقادی و احکام عملی ریشه دارد که مرتبط با مسائل و موضوعات سیاسی اجتماعی است و از سوی دیگر در الزاماتی ریشه دارد که در جهت اجرایی کردن احکام و آموزه‌های دین، یک فرد مسلمان متعهد را به ورود در عرصه‌های سیاسی اجتماعی در بالاترین سطح موظف می‌کند.

بر این اساس حتی اگر شواهد روشنی از جنبه‌های سیاسی اجتماعی دین اسلام و نقش بزرگان دین در عرصه سیاست هم وجود نداشت، این الزامات خود به خود هر عالم دینی را به ورود در این عرصه‌ها می‌کشاند. پیامبر

اوج فعالیت انقلابی روحانیت شیعه در تاریخ معاصر، شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که رهبری و هدایت قیام و نیز ایدئولوژی حاکم بر آن، با روحانیت اصیل شیعه بود.

اسلام ﷺ در همین راستا اقدام به تشکیل حکومت دینی نمود و تکلیف مسلمانان پس از خود را نیز مشخص ساخت. سایر امامان شیعه نیز مبارزات پیگیری در این راه داشتند و حتی در این مسیر به شهادت رسیدند.

یکی از الزاماتی که ائمه علیهم‌السلام و علمای شیعه را به سمت ورود در عرصه سیاسی می‌کشاند، گزاره‌های صریح اسلام در مورد انحصار حاکمیت به پروردگار<sup>۱</sup> و نیز لزوم اجتناب از طاغوت<sup>۲</sup> است. بر این اساس برای تحقق این فرمان الهی لازم است همواره در برابر حکومت‌هایی که فاقد مشروعیت الهی است (طاغوت) موضع سلبی اتخاذ نمود و در صورت فراهم آمدن شرایط، به تشکیل حکومت دینی مشروع کمک کرد. بنا به ادله متعدد عقلی و نقلی، تنها حکومتی که در رأس آن، امام معصوم یا فقیه جامع الشرایط مأذون از طرف امام معصوم علیه‌السلام، قرار دارد، یک حکومت مشروع تلقی می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. سوره انعام، آیه ۵۷.

۲. رک: سوره نساء، آیه ۶۰؛ نحل، آیه ۳۶.

۳. رک: ولایت فقیه، عبدالله جوادی آملی.



از این رو یکی از ویژگی‌های برجسته عالمان شیعه، خصلت انقلابی آنهاست که پشتوانه قوی در حمایت از محرومین و مستضعفین و مبارزه با ظلم و ستم را ایجاد می‌کند. در موارد متعددی با اتکاء به این ویژگی، حرکت‌های سیاسی اجتماعی قوی شکل گرفته است؛ مانند تحولات مشروطه که آغازگر آن روحانیت اصیل بودند، ولی بعدها به دلیل نفوذ غرب‌زدگان به انحراف کشیده شد و نیز نهضت ملی شدن صنعت نفت که روحانیت در آن نقش مهم و اساسی ایفا کرد.

اوج فعالیت انقلابی روحانیت شیعه در تاریخ معاصر، شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران است که رهبری و هدایت قیام و نیز ایدئولوژی حاکم بر آن، با روحانیت اصیل شیعه بود.

**جریان ضدانقلاب در روحانیت هرچند از جهت تعداد قابل توجه نیست ولی با توجه به اهمیت و جایگاه، نقش و تاثیر مهمی دارد.**

پیروزی انقلاب و استقرار نظام اسلامی مرحله جدیدی از انقلابی‌گری روحانیت شیعه است. حوزه انقلابی پشتوانه نظری و عملی انقلاب در مرحله تاسیس و بقاء است. افزون بر

این قیام بر علیه مظاهر فقر، فساد و تبعیض در داخل و نیز ریشه کن کردن ظلم جهانی و کمک به استقرار عدالت در جهان و به ویژه مبارزه با نظام سلطه، جملگی بر لزوم انقلابی ماندن حوزه‌های علمیه، دلالت می‌کند.

با تمام این احوال و ویژگی‌ها و به ویژه الزاماتی که می‌طلبد روحانیت شیعه همواره انقلابی باشد و انقلابی بماند، اما بررسی مواضع، دیدگاه‌ها و نیز عملکرد افراد و جریان‌های مرتبط با روحانیت شیعه، نشان می‌دهد بر خلاف این انتظار، در میان روحانیت شیعه، افراد و جریان‌هایی وجود دارند که نه تنها فاقد روحیه انقلابی هستند، بلکه بخشی از این جریان‌ها در قالب جریان‌های ضدانقلاب و یا جریان‌هایی که با انقلاب زاویه‌هایی دارند، قرار می‌گیرند. در این مقاله، اصول و مبانی فکری و آسیب‌شناسی این جریان‌ها بررسی می‌شود.

### مبانی و اصول فکری جریان روحانیت ضدانقلاب

مهم‌ترین شناسنامه هر جریان، اصول و مبانی فکری آن جریان است. با این حال

تشخیص این مساله در مورد جریان روحانیت ضدانقلاب بسیار مشکل است؛ زیرا جریان ضدانقلاب برخلاف جریان‌های دیگر، یک جریان یک‌دست و با افکار و عقاید یکسان نیست. تنها وجه اشتراکی که طیف‌های مختلف این جریان را به هم پیوند می‌زند، مخالفت آنها با نظام جمهوری اسلامی ایران و رهبران نظام است. از این رو برای دریافت این اصول و مبانی لازم است نسبت آنها بر اساس موضوعات مختلف مورد مقایسه قرار گیرد.

### الف: معرفت‌شناسی

در بررسی معرفت‌شناسی روحانیت ضدانقلاب، دو معرفت و حیانی و معرفت عقلانی قابل بررسی و تامل است. به عبارتی برای بررسی اصول و مبانی فکری جریان روحانیت ضدانقلاب، ابتدا معرفت‌شناسی را به دو دسته معرفت و حیانی و معرفت عقلانی تقسیم می‌کنیم:

مهم‌ترین وجه تمایز جریان روحانیت ضدانقلاب در مورد اصول و مبانی فکری، مربوط به معرفت‌شناسی عقلانی است.

بیشتر جریان‌های ضدانقلاب، به لحاظ معرفت عقلانی در دو دسته عقل‌گرایی افراطی و تفریطی جای می‌گیرند. جریان‌هایی که می‌کوشند خود را روشنفکر معرفی کنند و نسبت نزدیک‌تری با جریان‌های غرب‌گرا و سکولار دارند، روی به عقل‌گرایی افراطی آورده و در کسوت روحانیت، بیش از آنکه به کتاب و سنت، ارج نهند، عقل را ملاک بسیاری از یافته‌های خود از احکام شریعت قرار داده‌اند.<sup>۱</sup>

بخش دیگری از جریان روحانیت ضدانقلاب اساساً با عقلانیت، تفکر عقلانی و معرفت عقلانی مشکل دارند و بیشتر نقل‌گرا هستند؛ به‌ویژه جریان‌های اخباری و شبه‌اخباری.<sup>۲</sup>

### ب: اعتقاد به حکومت دینی

از این منظر جریان روحانیت ضدانقلاب به سه دسته تقسیم می‌شوند:  
۱. بخشی از این جریان، با انکار ارتباط میان دین و مسائل سیاسی و اجتماعی، حتی

۱. ر.ک: کلید فهم قرآن، شریعت سنگلجی.

۲. مفاتیح الصحه فی الطب النبوی و الائمه، سید محمود موسوی دهرسخی، ص ۳.

اصل لزوم حکومت برای پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین ﷺ را نیز زیر سوال می‌برد و آن را به جهت اضطرار می‌داند. از منظر این جریان، دین کارکردهای خاص فردی و ارتباط خلق با خالق را بر عهده دارد و فراتر از آن نقشی ندارد. بر این اساس سیاست و مسائل اجتماعی نیز اموری دنیوی تلقی می‌شوند که بر عهده مردم و عرف گذارده شده و دین نباید نقشی در آن ایفا کند. مهدی حائری از زمره معتقدین این دیدگاه است.<sup>۱</sup>

۲. بخش دیگری از این جریان که عمدتاً سنت‌گرا هستند با اصل وجود حکومت در اسلام موافقت و حکومت اسلامی معصومین را می‌پذیرند، اما با حکومت اسلامی در عصر

کارکرد و هویت سیاسی شیعه در بنیادهای اعتقادی و احکام عملی و الزاماتی ریشه دارد که در جهت اجرایی کردن احکام و آموزه‌های دین، یک فرد مسلمان را به ورود در عرصه‌های سیاسی اجتماعی موظف می‌کند.

غیبت و به زعامت غیرمعصوم مخالفند. به همین دلیل معتقدند تا زمان ظهور امام زمان ﷺ هیچ حکومتی نباید به نام اسلام تشکیل شود و هر حکومتی که اینگونه تشکیل شود طاغوت

است. در این زمینه می‌توان به انجمن حجّتیّه اشاره کرد.

رهبران انجمن حجّتیّه قبل از انقلاب اسلامی از مبارزه با رژیم شاه نهی می‌کردند. با توجه به تبصره ۲ از ماده دوم (اساسنامه انجمن حجّتیّه) که در سال ۱۳۵۵ تدوین و تصویب شد به هیچ وجه انجمن در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت؛ چون دخالت در سیاست زبینه پیشوایان دینی نیست.<sup>۲</sup>

بر این اساس انجمن حجّتیّه به عدم وجود دلیل بر نظم سیاسی و تشکیل حکومت در عصر غیبت معتقد بود. بر این اساس انجمن با قیام و هر حکومت دینی قبل از ظهور امام زمان ﷺ مخالفت می‌کرد؛ چون منجر به شکست می‌شود و تشکیل حکومت، سد باب مهدویت و حکومت جهانی است. از دیدگاه انجمن، قبل از قیام امام زمان ﷺ هر پرچمی که بلند شود در ضلالت است و شکست می‌خورد، پس باید منتظر بود تا خود حضرت بیایند.<sup>۳</sup>

۱. حکمت و حکومت، مهدی حائری یزدی.

۲. ر.ک: اساسنامه انجمن حجّتیّه.

۳. جریان‌شناسی تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی، علیرضا دانشیار، ص ۴۱-۳۸. همچنین ر.ک: در شناخت حزب قاعدین زمان، عمادالدین باقی، ص ۳۲.

انجمن در زمان غیبت معتقد به جواز تشکیل حکومت اسلامی نیست و از این رو از آن دفاع نمی‌کند. در این راستا تلاش زیادی انجام داده است تا مرجعیت را در مقابل رهبری برجسته نماید. در واقع اینان نظریه ولایت عامه را در برابر ولایت فقیه مطرح کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۳. دسته سوم از جریان‌های روحانیت ضدانقلاب، هم وجود حکومت دینی و هم لزوم تشکیل حکومت در عصر غیبت را می‌پذیرند، ولی به لحاظ مصداقی با نظام جمهوری اسلامی و یا شخص ولی فقیه مخالفت می‌کنند؛ چنانکه گاه با شرایط حکومت ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران همچون رهبری فردی مخالفت می‌کنند و به لحاظ تئوریک معتقد به رهبری شورایی هستند.

به عنوان نمونه در این زمینه می‌توان به دیدگاه آیت‌الله شریعتمداری پیرامون اصل ۱۱۰ قانون اساسی اشاره کرد. وی در آذر ماه ۱۳۵۸ طی اطلاعیه‌ای دیدگاه خود نسبت به قانون اساسی را قبل از انجام انتخابات در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذر چنین اعلام داشت: «... حفظ ارکان حاکمیت ملی در چارچوب تعالیم عالیه اسلام ضروری و واجب است؛ زیرا که اصالت و ماهیت همین حاکمیت ملی، حکومت جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد، ... با نگاهی به اصل ششم قانون که می‌گوید کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود و اصل ۵۶ که می‌گوید خداوند انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاصی قرار دهد؛ دو اصل ۶ و ۵۶ حاکمیت ملی را تثبیت کرده اما اصل ۱۱۰ اختیارات مردم را از ملت سلب کرده و در نتیجه اصل ۱۱۰ با دو اصل ۶ و ۵۶ مخالف و متضاد است.»<sup>۲</sup>

همین مسائل و دیدگاه‌های وی باعث تحولات و اتفاقات مربوط به حزب خلق مسلمان و مواضع بعدی وی و در نهایت برخورد نظام اسلامی با وی شد.

### ج: قلمرو دین

دیدگاه‌های مختلف در مورد قلمرو دین را می‌توان به دو دیدگاه عمده تقسیم کرد: ۱. دیدگاه حداقلی؛ ۲. دیدگاه حداکثری.

۱. جریان‌شناسی انجمن حجتیه، ابوالفضل صدقی، ص ۱۵۸.

۲. نشریه خلق مسلمان، ۳ آذر ۱۳۵۸، ص ۲-۱.

بر اساس دیدگاه حداقلی قلمرو دین در امور آخرتی محدود و منحصر است و در امور دنیایی هم به حداقل لازم بسنده می‌کند، ولی دیدگاه حداکثری جامع‌نگر است و امور دنیایی و آخرتی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر، رسالت و جهت‌گیری دعوت انبیا محدود به تأمین سعادت آخرتی انسان نیست و نیازمندی‌های بشر در عرصه اجتماع و سیاست، تعلیم و تربیت و ... را نیز در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup>

**اصلی‌ترین هدفی که جریان‌های سکولار دنبال می‌کند، جدایی دین از سیاست است.**

در زمینه قلمرو دین جریان‌های روحانیت ضدانقلاب به سه دسته تقسیم می‌شوند: جریان‌های غرب‌زده و نیز سنت‌گرایان، نگاه حداقلی به محدوده فقه و شریعت، حداقل در

عصر غیبت دارند. جریان‌هایی که صرفاً با نظام جمهوری اسلامی و شخص ولی فقیه مخالفند، ولی اصل لزوم تشکیل حکومت دینی را در عصر غیبت می‌پذیرند، نگاهی حداکثری به قلمرو دین دارند.

#### **د: نقش عنصر زمان و مکان در اجتهادات**

جریان‌های روحانیت ضدانقلاب غرب‌گرا به دلیل استحاله در نظام فکری مدرنیته غربی، تلاش می‌کنند دین را بر اساس زمان و مکان تحلیل و تفسیر نمایند که البته مقصودشان از زمان و مکان یافته‌هایی است که غربی‌ها به آن دست پیدا کرده‌اند. چنین نگاهی یک نگاه افراط‌گرایانه است که به تحمیل نگاه غرب‌گرا بر دین و آموزه‌های دینی منجر می‌شود.

در مقابل، دیدگاه سنت‌گرای اخباری اساساً نقش عنصر زمان و مکان را در اجتهادات به طور کلی نادیده می‌گیرد و به همین دلیل این جریان به دنبال بازسازی گذشته تاریخی با همان عناصر موجود در آن تاریخ بدون در نظر گرفتن تغییرات در شرایط زمانی و

۱. «تحلیل دین حداکثری در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی»، رضا حبیبی، محمد داودی، محمد نوزری، ص ۷-۱۸؛ «نظریه دین حداکثری: درآمدی بر قلمرو گستره دین از نظر استاد مطهری»، ولی‌الله عباسی، ص ۱۳۳-۱۶۲.

مکانی می‌باشد و در نتیجه با بسیاری از استنتاجات نظام سیاسی دینی که بر اساس عنصر زمان و مکان صورت می‌گیرد مخالفت می‌کند؛ مانند: احکام حکومتی، مسائل مرتبط با زنان و روابط با کشورهای غیر اسلامی.<sup>۱</sup>

### آسیب‌شناسی جریان ضدانقلاب

مخالفت و تقابل، وصف جریان ضدانقلاب روحانیت است که از ابتدای شکل‌گیری نهضت اسلامی فعال شده و در مقاطع مختلف انقلاب به بهانه‌ها و شکل‌های مختلف، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، در روند انقلاب، خلل‌ها و مشکلاتی را ایجاد کرده است. از نظر این جریان، انقلاب اسلامی بدعتی است که به هر شکل ممکن باید برچیده شود. اینان چنان با نظام اسلامی معارضه می‌کنند که گویا هیچ نقطه اشتراکی با آن ندارند. در سایه امنیت و عزت نظام اسلامی زندگی می‌کنند و از ظرفیت‌هایی که انقلاب اسلامی برای مبارزه با طاغوت ایجاد کرده است، در جهت دشمنی با همین انقلاب و حکومت استفاده می‌کنند. چنان که گویا وظیفه‌ای مهم‌تر از تضعیف تنها حاکمیت شیعه در دنیا ندارند. تحجر و قشری‌گری و تاکید افراطی بر ظواهر و شعائر، از جمله ویژگی‌های این جریان است.

امام خمینی علیه السلام در منشور روحانیت این جریان‌ها را با اوصافی چون «افعی»، «مار خوش خط و خال»، «احمق» و «دشمن رسول‌الله صلی الله علیه و آله»، توصیف کرده‌اند.<sup>۲</sup>

در ادامه برخی از آسیب‌ها و چالش‌های این جریان مورد اشاره قرار می‌گیرد:

#### ۱. مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران

اختلاف بین نظام اسلامی ایران و برخی جریان‌های ضدانقلاب روحانیت ناشی از موضع مخالف آنها در مورد ایجاد حکومت در زمان غیبت است. نتیجه این اختلاف مبنایی مخالفت با برخی آرمان‌ها و برنامه‌های جمهوری اسلامی است؛ مانند ایده وحدت شیعه و سنی.

۱. دین و زن، محمدتقی صدیقین اصفهانی، ص ۲۵؛ رساله توضیح المسائل، یعسوب‌الدین رستگار جویباری، ج ۱، مسئله ۳۲۱۰.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

این مسائل زمینه مناسبی را قدرت‌های استعماری و دشمنان انقلاب ایجاد کرده است تا بتوانند سیاست‌های ضداسلامی خود را اجرا کنند.

قدرت‌های استعماری و استکباری همیشه از سیاست تفرقه میان شیعه و سنی حمایت کرده‌اند و برای این منظور بهترین گزینه را حمایت از افراطیون شیعه و سنی می‌دانند. لذا آمریکا القاعده و داعش را به وجود آورد و حمایت کرد و انگلیس فرقه بابیه و بهائیه و شیعه انگلیسی را به وجود آورد و حمایت می‌کند.

۲. تاکید بر جدایی تشکله‌ها و اجتماعات مذهبی به ویژه هیأت‌های مذهبی از سیاست اصلی‌ترین هدفی که این جریان‌ها دنبال می‌کند، جدایی دین از سیاست است. یکی از مهم‌ترین نمودهای بروز این رویه در هیأت‌های عزاداری قابل مشاهده است. راهکار این

**مخالفت و تقابل با جمهوری اسلامی،  
مهم‌ترین ویژگی جریان ضدانقلاب  
روحانیت است.**

جریان‌ها در جذب هیأت‌های مذهبی و حمایت مالی از آنها، تاکید بر هیأت غیرسیاسی است. دلیل آنها بر این رویکرد، فرار مردم عادی از هیأت با بیان مسائل سیاسی است، ولی در اصل

این جریان‌ها، به دنبال ایجاد شکاف بین هیأت‌ها و نظام اسلامی هستند.

۳. ایجاد تفرقه در میان مسلمانان از طریق لعن و سب صحابه سرگرم شدن و جنگ خانگی میان مسلمانان یکی از آرزوهای دیرینه و از شیوه‌های قدیمی دشمنان اسلام است؛ زیرا بدون اینکه آنها هزینه‌ای بدهند، مسلمانان به جان هم می‌افتند و اهداف آنها تامین می‌شود. شبکه‌های افراطی از مهم‌ترین ابزار دامن زدن به این اختلاف هستند که مورد حمایت جریان‌های استعماری هستند.

در هفدهم ماه مبارک رمضان ۱۴۳۱ ق شیخ مقیم در انگلیس، یاسر الحبيب در سالروز وفات عایشه همسر پیامبر اکرم ﷺ مجلسی در حسینیه خود در لندن تشکیل داد و از فراز منبر جملات رکیک و نسبت‌های وقیحانه‌ای متوجه او کرد.

یکی دیگر از اقدامات چنین جریان‌ها نام‌گذاری هفته براثت! (۹ تا ۱۵ ربیع‌الاول) در مقابل هفته وحدت (۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول) است.

#### ۴. ارائه چهره خشن از شیعه

برخی گروه‌های روحانیت ضدانقلاب با معرفی چهره خشن از شیعه به جای جذب حداکثری که شیوه همه معصومین علیه السلام است و به جای رأفت و مهربانی بالای علوی به دفع حداکثری می‌پردازند. این جریان نه تنها نمی‌تواند مسلمانان تشنه معارف ناب علوی را جلب کند بلکه خود را تافته جدا بافته می‌داند که فقط خود می‌فهمند و درک می‌کنند و فقط سعادت را از آن خود می‌دانند.

برخی از این جریان‌ها و رسانه‌های زنجیره‌ای منسوب به آنان در ایام محرم اقدام به ترویج شنیع‌ترین مسائل با عنوان شعائر حسینی می‌کنند به طوری که باعث وحشت بسیاری از مردم دنیا از شیعیان شده‌اند؛ مانند قمه زدن، با زنجیر تیغ‌دار به بدن زدن و راه رفتن بر روی خار. این جریان‌ها از جمهوری اسلامی که جلوی برخی از مراسمات مانند قمه‌زنی را گرفته است، انتقاد می‌کنند.

در مقابل این آسیب‌ها جریان انقلابی همواره بر همگرایی بین شیعه و سنی و تقویت نظام اسلامی تاکید دارد. رهبر معظم انقلاب، در این موارد می‌گوید:

ما با رفتارهایی که بعضی از گروه‌های شیعه انجام می‌دهند که موجب اختلاف می‌شود، مخالفیم. ما صریحاً گفته‌ایم که با اهانت به مقدسات اهل سنت مخالفیم. یک عده‌ای از این طرف، یک عده‌ای از آن طرف، بر آتش دشمنی‌ها می‌افزایند و آنها را تشدید می‌کنند؛ نقشه دشمن در درجه اول ایجاد اختلاف است. ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتی‌اش لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمه علیهم السلام آن را ترویج کردند و آن را خواستند. تشیعی که بر پایه ایجاد اختلاف، بر پایه تمهید و صاف کردن جاده برای حضور دشمن‌های اسلام است، این تشیع، تشیع نیست؛ این انحراف است. ما از کسانی که کمک به وحدت می‌کنند حمایت می‌کنیم، با کسانی که ضد وحدت عمل می‌کنند مخالفت می‌کنیم.<sup>۱</sup>

امروز، هم در بین اهل سنت، هم در بین شیعه، دست‌هایی در کار است برای اینکه اینها را از هم جدا کند؛ همه این دست‌ها هم اگر جستجو کردید، می‌رسد به مراکز

۱. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶.



جاسوسی و اطلاعاتی دشمنان اسلام؛ نه دشمنان ایران، نه دشمنان شیعه فقط؛ دشمنان اسلام. آن تشیعی که ارتباط به ام‌آی‌سیکس انگلیس داشته باشد، آن تسننی که مزدور سی‌آی‌ای آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنی است؛ هر دو ضد اسلامند.<sup>۱</sup> (دشمنان) از یک طرف گروه‌های تکفیری را به راه می‌اندازند که نه فقط شیعه را تکفیر کنند، بلکه بسیاری از فرق اهل سنت را هم تکفیر کنند؛ از آن طرف هم یک عده مزدور را به راه بیندازند که برای این آتش همیشه فراهم کنند، بنزین روی آتش بریزند؛ که می‌بینید، می‌شنوید، یا خبر دارید. وسائل ارتباط جمعی و رسانه در اختیار اینها می‌گذارند؛ در کجا؟ در آمریکا! در کجا؟ در لندن! آن تشیعی که از لندن و از آمریکا بخواهد برای دنیا پخش بشود، آن تشیع به درد شیعه نمی‌خورد.<sup>۲</sup>

هرچند بروز اختلاف جریان ضدانقلاب روحانیت، سیاست و امور مربوط به حکومت است، ولی مبنای این اختلاف در تفاوت مواجهه با متون دینی و مبانی معرفت‌شناختی آنهاست.

این را همه توجه کنند؛ هم شیعه توجه کند، هم سنی توجه کند؛ بازی دشمن را نخورند. آن تسننی که آمریکا از آن حمایت کند و آن تشیعی که از مرکز لندن به دنیا صادر بشود، اینها مثل هم هستند؛ هر دوی آنها برادران شیطانند، هر دوی آنها عوامل آمریکا و غرب و استکبارند.<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

جریان ضدانقلاب در روحانیت هرچند از جهت تعداد قابل توجه نیست ولی با توجه به اهمیت و جایگاه، نقش و تاثیر مهمی دارد؛ زیرا حوزه علمیه مبنای تاسیس، استقرار و تداوم انقلاب اسلامی است و هرگونه خلل در انقلاب از پایگاه حوزوی، نقص بزرگی در جریان انقلاب است. دشمنان انقلاب نیز به دنبال ضربه زدن به انقلاب از پایگاه اصلی آن هستند. هرگونه خلل در این پایگاه، بازتاب‌های به مراتب بزرگ‌تر و عمیق‌تری در عرصه اجتماع خواهد داشت.

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۲/۰۶/۲۰.

۳. بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

هرچند بروز اختلاف جریان ضدانقلاب روحانیت، سیاست و امور مربوط به حکومت است، ولی مبنای این اختلاف در تفاوت مواجهه با متون دینی و مبانی معرفت‌شناختی آنهاست. جریان انقلابی تفسیری سیاسی اجتماعی از دین دارند برخلاف جریان ضدانقلاب که دین را در عرصه فردی و مناسکی محدود می‌کند.

نکته جالب جریان ضدانقلاب روحانیت این است که جریان سنت‌گرا و روشنفکر متجدد حوزه را دربرمی‌گیرد تا نشان دهد افراط و تفریط در عقل‌گرایی چه آسیب‌هایی دارد. غرب‌گرایی نیز به عنوان رقیب و غیریت هویتی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین بروزات اندیشه‌ای و حتی رفتاری جریان ضدانقلاب روحانیت است.

### منابع

۱. «تحلیل دین حداکثری در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی»، رضا حبیبی، محمد داودی، محمد نوذری، اندیشه نوین دینی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۹۴.
۲. «نظریه دین حداکثری: درآمدی بر قلمرو گستره دین از نظر استاد مطهری»، ولی‌الله عباسی، قیسات، شماره ۳۰ و ۳۱، زمستان ۱۳۸۲ و بهار ۱۳۸۳.
۳. امام خمینی علیه السلام، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۴. در شناخت حزب قاعدین زمان، عمادالدین باقی، انتشارات نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۳.
۵. ولایت فقیه، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء.
۶. حکمت و حکومت، مهدی حائری یزدی، لندن، ۱۹۹۵ م.
۷. جریان‌شناسی تفاسیر و برداشت‌های سیاسی از قرآن کریم در انقلاب اسلامی، علیرضا دانشیار، پایان‌نامه دکتری دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۶.
۸. رساله توضیح المسائل، یعسوب الدین رستگار جویباری.
۹. کلید فهم قرآن، شریعت سنگلجی، انتشارات دانش، ۱۳۴۵.
۱۰. صدقی، ابوالفضل، جریان‌شناسی انجمن حجّتیّه، مجله پانزده خرداد، شماره ۲۰، ۱۳۸۸.
۱۱. دین و زن، محمدتقی صدیقین اصفهانی، قم، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲. مفاتیح الصحه فی الطب النبوی و الائمة، سید محمود موسوی دهرسخی، بی‌تا.
۱۳. نشریه خلق مسلمان، ۳ آذر ۱۳۵۸.



فرہنگ و اجتماع





### چکیده

یکی از جریان‌های انحرافی مربوط به مهدویت که در سال‌های اخیر در عراق شکل گرفته و طرفداران محدودی نیز پیدا کرده، جریان احمدالحسن است. این جریان با سوء استفاده از کم‌اطلاعی برخی جوانان و مردم از آموزه‌های تاریخی، دینی و حدیثی، خرافه‌های بی‌اساس خود را ترویج می‌دهد.

موسس این جریان، شخصی به نام احمدبن اسماعیل از قبیله «صیامر» عراق است. وی مدعی است ابتدا در خواب و سپس در بیداری با امام مهدی علیه السلام ملاقات کرده و آن حضرت او را به هدایت انسان‌ها مامور کرده است.

او ادعاهای خود را از حدود سال ۱۳۷۸ش آغاز کرد و پس از انجام اقدامات نظامی طرفدارانش در عراق و اقدام پلیس بغداد برای دستگیری او، از عراق گریخت و پس از آن تنها از طریق اینترنت با طرفدارانش در ارتباط است.

هدف اصلی این پژوهش تبیین باورها و مبانی اعتقادی این جریان است. از این رو در بخش نخست این نوشتار زندگی‌نامه، نسب، القاب و ساختار تشکیلاتی جریان احمدالحسن را مرور می‌کنیم. این مباحث در تبیین مبانی اعتقادی و رفتارهای این جریان تاثیر دارد. **واژگان کلیدی:** احمدالحسن، حیدر مشنت، یمانی، ظهور، امام زمان.

---

۱. پژوهشگر تاریخ اسلام و مدرس سطوح عالی حوزه.

### مقدمه

ظهور منجی موعود، یک اعتقاد عمومی در تمامی ادیان است. کتاب‌های مقدس آسمانی، بشارت داده‌اند که جهان در سیطره ظلم و فساد نمی‌ماند، بلکه جماعت صالحان به امامت رهبر موعود عدل و داد را در گیتی حاکم خواهند کرد.

این مساله سبب سوءاستفاده فریبکاران و شیادان در طول تاریخ شده است که با ادعاهای دروغین، خود را مهدی یا از یاران او معرفی کنند تا از رهگذر عقیده پاک مردم، به نیات آلوده خویش دست یابند.

دشمنان اسلام و انسانیت که همواره در ترس از حاکمیت عدل و انسان کامل به سر می‌برند، از یک سو با ساخته و پرداخته کردن سؤالات و شبهات، تلاش می‌کنند اعتقاد به ظهور منجی را سست کنند و از سوی دیگر با تحمیق رسانه‌ای و ساختن فیلم‌های سینمایی، چهره‌ای هولناک از آن مرد الهی ایجاد کنند.

به این ترتیب اندیشه تابناک مهدویت، در طول تاریخ به شکل‌های مختلف مورد سوءاستفاده قرار گرفته و عده‌ای آن را دستاویزی برای رسیدن به مطامع خود قرار داده‌اند. بر این اساس عده‌ای خود را جزو کسانی می‌دانند که در روایات از آنها به‌عنوان یاران امام زمان علیه السلام یاد شده و در حوادث هنگام ظهور، نقش‌آفرین هستند.

یکی از این افراد احمدالحسن یمانی است. او مدعی است ابتدا در خواب و سپس در بیداری با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملاقات کرده و آن حضرت، او را به هدایت انسان‌ها مأمور کرده است. وی ادعاهای خود را از حدود سال ۱۳۷۸ش آغاز کرد و با سوءاستفاده از کم‌اطلاعی برخی جوانان و مردم از آموزه‌های تاریخی، دینی و حدیثی، به ترویج خرافه‌های بی‌اساس خود پرداخت و توانست در کشور عراق، برخی از شیعیان ساده‌دل را بفریبد.

هدف او ایجاد اختلاف و فتنه و انحراف در کشورهای اسلامی (شیعی)، تخریب جایگاه علما و ناکارآمد جلوه دادن علوم دینی و حوزه‌های علمیه است. او می‌خواهد با تبدیل نیابت عامه فقیه به نیابت خاصه خود، مردم را از فقها جدا کند.

پس از انجام اقدامات نظامی که طرفدارانش در عراق انجام دادند و اقدام پلیس بغداد برای دستگیری‌اش، از عراق گریخت و پس از آن تنها از طریق اینترنت با طرفدارانش در ارتباط است. طرفدارانش معتقدند او از سال ۲۰۱۲م، از غیبت خارج و مخفی شده است.<sup>۱</sup> این نوشتار برآن است تا با استناد به کتب و نوشته‌های متعلق به جریان احمدالحسن یمانی و تحقیقات میدانی، زندگی‌نامه، نسب، القاب و ساختار تشکیلاتی جریان احمدالحسن را بررسی کند.

### بررسی نسب احمدالحسن

احمدالحسن، متولد سال ۱۹۷۰م (۱۳۴۹ش) در روستای همبوشی منطقه هویر از توابع

۲۴ عنوان کتاب منسوب به احمدالحسن و ۱۸۰ عنوان کتاب از سوی انصار احمدالحسن به رشته تحریر در آمده است.

شهرستان زبیر استان بصره در جنوب عراق و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی معماری از دانشگاه بصره (۱۹۹۸م) است.<sup>۲</sup>

پیروان احمدالحسن، نسب وی را با پنج

واسطه به امام زمان علیه السلام می‌رسانند<sup>۳</sup> ولی این نسب صحیح نیست.<sup>۴</sup> شیروان الوائل، وزیر امنیت دولت عراق و همچنین گروهی از طوایف شهر بصره، این نسب را ساختگی می‌دانند و معتقدند: احمدالحسن از طایفه «همبوش»، یکی از طوایف «البوسویلم» است که از سادات محسوب نمی‌شوند.<sup>۵</sup> افزون بر این احمدالحسن ابتدا خود را شیخ معرفی کرد و بعدها نام «سید احمدالحسن» را برای خویش برگزید.<sup>۶</sup>

احمدالحسن ادعا می‌کند از انتسابش به امام عصر علیه السلام بی‌اطلاع بوده تا اینکه در ملاقاتی

۱. «نقد و بررسی آراء مدعیان مهدویت: با تکیه بر آراء احمدالحسن»، نصرت‌الله آیتی، ص ۶.

۲. از تبار دجال، نصرت‌الله آیتی، ص ۱۲.

۳. ادعیاء المهدویه، ص ۱۲۱.

۴. ره افسانه، محمد شهبازیان، ص ۱۵.

۵. گزارش خبرنگار روزنامه «الشرق الأوسط» جاسم داخل، «التیار المهدوی یقسم العراقیین بین رافض لظروحاته و متفهم لها».

[www.aawsat.com/details.asp?Issueno](http://www.aawsat.com/details.asp?Issueno)

۶. دجال بصره، علی کورانی، ص ۲۳.

که با امام داشته، این موضوع برایش آشکار شده است. وی در توضیح و اثبات این انتساب می‌گوید: نسب فرد از سه طریق ثابت می‌شود: اسناد قطعی، علمای انساب و یا افرادی که راستگویند. چون دو طریق اول درباره صحت نسب وی کارگشا نیست، طبعا باید به قول افرادی که راستگویند، استناد کرد. بعد از این ادعا، اشخاصی شجره نسبی احمدالحسن را تایید کردند. این افراد عبارتند از: عیدان خزاوی آل ماضی، شیاع إسماعیل آل فیصل، السید صالح عزیز الصافیو السید حسن الحمامی.<sup>۱</sup>

در مورد اینکه، امام زمان علیه السلام دارای همسر و فرزندان هستند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر وجود<sup>۲</sup> و برخی بر عدم آن<sup>۳</sup> دلیل آورده‌اند.

گواهی دهندگان استدلال می‌کنند چون نسب احمدالحسن به قبیله بنی‌سالم بر نمی‌گردد و نسبش به قبیله‌اش منقطع است، پس او متسبب به امام است. بطلان این استدلال خیلی روشن است؛ زیرا هرکس که نسبش را نمی‌داند یا فاقد نسب باشد، می‌تواند بدون آوردن دلیل، ادعا کند فرزند امام است. افزون بر این برخی از افراد قبیله احمدالحسن، ادعای نامعلوم بودن نسب وی را رد کرده‌اند.<sup>۴</sup>

## بررسی القاب احمدالحسن

### الحسن

احمد در توجیه لقب الحسن که پسوند نام او شده است می‌گوید: با توجه به اینکه من در منطقه خود به حُسن رفتار مشهور بودم، مردم منطقه، مرا با لقب الحسن می‌شناختند، اما پیروان احمدالحسن، علت به کار بردن نام «الحسن» را به این روایت مستند می‌کنند: و

۱. الشهب الاحمدیه فی الرد علی مدعی المهدویه؛ دعوه احمدالحسن فی المیزان، الشیخ أحمد سلمان، ص ۱۳.

۲. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، ص ۲۲۴؛ العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام، علامه علی‌اکبر نهانندی، ج ۲، ص ۱۳۴؛ بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۴۵ و ج ۱۰۲، ص ۲۲۸ و ج ۹۵، ص ۳۳۲؛ سیمای آفتاب، حبیب‌الله طاهری، ص ۴۹۴.

۳. جزیره الخضراء، جعفر مرتضی عاملی، ص ۲۱۷؛ کتاب الغیبه للحجه، طوسی، ص ۱۳۴؛ نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، ص ۲۲۶.

۴. الشهب الاحمدیه فی الرد علی مدعی المهدویه؛ دعوه احمدالحسن فی المیزان، الشیخ أحمد سلمان، ص ۱۴.



یسمیه باسم جده رسول الله ﷺ و یکنیه بکنیته، و ینسبه إلی أبیه الحسن الحادى عشر إلی الحسین بن علی صلوات الله علیهم أجمعین.<sup>۱</sup> در استدلال به این روایت می‌گویند او منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است و از طریق ایشان به امام حسین علیه السلام متصل می‌شود.<sup>۲</sup> احمدالحسن از قبیله البوسویلم ناصریه است که در سه منطقه ناصریه، بصره و کربلا مستقر هستند. ساکنین این عشیره در ناصریه و بصره را با عنوان آل حسن، و ساکنین کربلا را بنی حسن نامیده‌اند. از این رو احمد نیز که از عشیره مستقر در بصره است با عنوان «الحسن» شناخته می‌شود. افزون بر این هیچکدام از عشیره البوسویلم دارای سیادت نیستند.<sup>۳</sup>

### یمانی

در احادیث در مورد «یمانی» چند مطلب ذکر شده است: ۱. تقارن قیام او با قیام سفیانی،<sup>۴</sup>

در مورد اینکه، امام زمان علیه السلام دارای همسر و فرزندان هستند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر وجود و برخی بر عدم آن دلیل آورده‌اند.

قیام خراسانی<sup>۵</sup> و قیام سید حسنی<sup>۶</sup>؛ ۲. خروج یمانی از صنعاء (پایتخت یمن).<sup>۷</sup> احمدالحسن، با هیچ کدام از این نشانه‌ها سنخیت ندارد.

اهمیت انتساب یمانی به احمدالحسن این

است که در روایات از یمانی تجلیل و از پرچم او به عنوان پرچم هدایت یاد شده است.<sup>۸</sup> که پیکار سختی با سفیانی خواهد داشت.<sup>۹</sup>

در مورد نام، لقب، کنیه و نسب یمانی هیچ مستند معتبری در دست نیست تا

۱. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، ص ۳۹۷.

۲. الوصیه المقدسه، کتاب العاصم من الضلال، أحمد الحسن، ص ۶۰.

۳. الطامه الکبری، ص ۱۸.

۴. کفایه المهتدی، میرلوحی، ص ۲۶۲؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۷، ب ۱۴، ح ۶۰.

۵. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۷۴؛ ح ۱۶۷؛ کشف الحق، محمدصادق خاتون‌آبادی، ص ۱۶۹؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۵، ب ۱۴، ح ۱۳.

۶. الکافی، کلینی، ج ۸، ص ۱۸۹، ح ۱؛ الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۳، ب ۱۸، ح ۱۱.

۷. کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۵۰، ب ۵۷، ج ۷. همچنین ر.ک: الکافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۵۸، ح ۴۸۳؛ کفایه المهتدی، میرلوحی، ص ۲۸۰، ح ۳۹؛ الفتن، نعیم بن حماد، ص ۲۳۱، ح ۸۵۵.

۸. الغیبه، نعمانی، ص ۲۵۶، ب ۱۴، ح ۱۳؛ کفایه المهتدی، میرلوحی، ص ۲۶۲.

۹. الفتن، نعیم بن حماد، ص ۳۰۰ و ۱۱۵۱؛ الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۵، ب ۱۸، ح ۱۵؛ مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۸، ص ۶۲۲، ذیل آیه ۵۱، سوره سبأ.

مدعیان دروغین به آن تمسک کنند. البته در برخی روایات نسب یمانی از زید بن علی ذکر شده است.<sup>۱</sup>

### هجرت به نجف اشرف و آغاز انحراف

احمدالحسن، در اواخر سال ۱۹۹۹م (۱۳۷۸ش) در سن ۲۹ سالگی به حوزه علمیه نجف رفت. او مدعی است امام مهدی علیه السلام در خواب به او دستور داده به نجف برود. او با انتقاد شدید از برنامه درسی و علمی حوزه نجف، در حوزه حضور نداشته به صورت فردی مطالعه کرده است.<sup>۲</sup>

پس از این احمدالحسن با زیر سؤال بردن نیابت عامه فقهاء و ادعای فساد مالی در حوزه‌های علمیه و ناکارآمدی دروس، با دوستش (شیخ حیدر مُشتت) از ادامه تحصیل در حوزه علمیه انصراف دادند.<sup>۳</sup>

احمدالحسن در جولای سال ۲۰۰۲م (۱۳۸۱ش، جمادی الاول ۱۴۲۳ق) پس از مدتی دعوت مخفیانه و ایمان آوردن برخی افراد به او، با ادعای اینکه در خواب امام زمان به او دستور داده با ظلم مبارزه کند، در نجف اشرف به مردم اعلام کرد، فرستاده حضرت مهدی علیه السلام است.<sup>۴</sup>

احمدالحسن در سال (۲۰۰۳م) طی بیانیه‌ای یمانی را از خود سلب کرد و حیدر مُشتت را یمانی معرفی کرد.<sup>۵</sup> او نیز سفرهای تبلیغی‌اش را در عراق و ایران<sup>۶</sup> آغاز کرد.

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خُرُوج رَجُلٍ مِنْ وَدِدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ وَ اِتِّهَابُ سِتَارَةِ الْبَيْتِ؛ از نشانه‌های ظهور خروج مردی از تبار عمویم زید در یمن و به یغما رفتن پرده کعبه می‌باشد. (فلاح السائل، سید ابن طاووس، ص ۱۷۱)

2. <http://almahdyoon.org>

۳. الحركات المهدوية، تاريخها عقائدها خطرهما، ذوالفقار علی ذوالفقار، ص ۱۵۲.

۴. الجواب المنير، احمد اسماعيل، ج ۱-۳، ص ۱۷۳.

۵. با توجه به اینکه نسب حیدر مُشتت به قحطان می‌رسد و نام (القحطانی) را به دنبال داشت، احمدالحسن او را یمانی نامید، تا بتواند به اهداف خود دست یابد.

برخی از روایات، یمانی را با نسب قحطانی معرفی کرده‌اند. چنانچه آمده است: لا تقوم الساعة حتی یخرج رجل من قحطان یسئو الناس بعصاه زمان ظهور فرا نمی‌رسد مگر آنکه مردی از قحطان خروج کند و مردم را با عصا پیش براند. (النهاییه فی غریب الحدیث و الأثر، مبارک بن محمد ابن اثیر، ج ۲، ص ۴۲۳) یا اینکه آمده است: قحطانی اول کسی است که با سفیانی کارزار می‌کند و شکست می‌خورد و به یمن باز می‌گردد. (مختصر اثبات الرجعه، فضل بن شاذان النیشابوری، ص ۱۶)

۶. برای مطالعه بیشتر در مورد دیدار حیدر مُشتت با شیخ علی کورانی، رک: دجال بصره، ص ۳ به بعد.

در سال (۲۰۰۵م) با بروز اختلاف بین احمدالحسن و حیدر مشتت، احمدالحسن در تناقضی آشکار، با انتشار بیانیه‌ای، خود را به صورت توأمان وصی امام(ع) و یمانی موعود، معرفی کرد.<sup>۱</sup> از طرف دیگر حیدر مشتت نیز خود را یمانی و احمداسماعیل را دروغگو خواند و به نقد دلایل ادعاهای احمدالحسن پرداخت. بالاخره حیدر مشتت پس از کش و قوس‌های بسیار با احمدالحسن و تلاش برای ایجاد تشکیلات مستقل، در راه بغداد به ضرب گلوله از پا در آمد و طرفدارانش، احمدالحسن را به قتل او متهم کردند.<sup>۲</sup>

### ساختار تشکیلاتی جریان احمدالحسن

#### ۱. گروه علمی

مأموریت اصلی این گروه، تالیف کتب و تنظیم آثار احمدالحسن است که تا کنون ۲۴ عنوان کتاب منسوب به احمدالحسن و ۱۸۰ عنوان کتاب از سوی انصار احمدالحسن به رشته تحریر در آمده است. کتب منتسب به احمدالحسن عبارتند از:

۱. تفسیر آیه‌ای از سوره یونس ۲. وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی ۳.
- وصی و فرستاده مهدی در کتاب‌های تورات، انجیل و قرآن ۴. توقف‌گاه‌هایی برگزیده از چشم‌اندازهای سومر و اکد ۵. شرایع الإسلام (سه جلد) ۶. پاسخ به پرسش‌ها و استفتاهای فقهی ۷. سرگردانی یا طریق به سوی الله ۸. همگام با عبد صالح (دو جلد) ۹. سفر موسی علیه السلام به مجمع البحرین ۱۰. روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان (سه جلد) ۱۱. رجعت سومین روز از روزهای بزرگ خدا ۱۲. بیان حق و سداد از طریق علم اعداد (دو جلد) ۱۳. نصیحتی برای طلباب حوزه علمیه و هرکس که طالب حق است ۱۴. نبوت

هدف احمدالحسن ایجاد اختلاف و فتنه و انحراف در کشورهای اسلامی (شیعی)، تخریب جایگاه علما و ناکارآمد جلوه دادن علوم دینی و حوزه‌های علمیه است.

۱. أدعیاء المهدویه، ص ۱۲۱.

۲. دجال بصره، علی کورانی، ص ۲۹.

۳. همان، ص ۴۲.

خاتم ۱۵. متشابها (چهار جلد) ۱۶. پاسخ‌های روشن‌گر از راه امواج ۱۷. رساله‌ای در فقه خمس و ضمیمه آن ۱۸. جهاد درب بهشت ۱۹. نامه هدایت ۲۰. حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم ۲۱. گوساله (دو جلد) ۲۲. گزیده‌ای از تفسیر سوره فاتحه ۲۳. توهم بی‌خدایی، آیات ربوبیت در آفرینش ۲۴. عقائد الاسلام.

برخی از کتاب‌های نوشته شده توسط انصار احمدالحسن عبارتند از:

۱. المهدي ولي الله ۲. حجة الوصي و اوهام المدعي ۳. الافحام في رؤيا أم الامام ۴. انتصاراً للوصيه ۵. قانون معرفه الحججه ۶. المعترضون على خلفاء الله ۷. دابه الارض طالع الشمس ۸. الوصيه و الوصي احمد بصرى ۹. البلاغ المبين ۱۰. بحث في العصمه ۱۱. اليماني الموعود حجه الله.

## ۲. گروه دینی

وظایف این گروه عبارت است از:

۱. تعیین ائمه جمعه و جماعات در شهرها و استان‌ها؛ ۲. تدوین بانک اطلاعات مبلغین حوزوی احمدالحسن؛ ۳. اداره حوزه‌های علمیه احمدالحسن؛ ۴. تعیین قاضی برای حل مشکلات و دعاوی انصار احمدالحسن؛ ۵. تبلیغ و نشر دعوت انحرافی احمدالحسن؛ ۶. تعیین پاسخگویان و مناظره‌کنندگان رسمی دعوت احمدالحسن.

## ۳. گروه امنیتی

مأموریت این گروه، تأمین امنیت جانی و مالی انصار احمد الحسن در شهرها و همچنین تأمین امنیت مراسمات و موکب‌های مناسبتی این جریان می‌باشد.

## ۴. گروه اطلاع‌رسانی

مسئولیت این گروه، انتشار بیانیه‌ها و سخنرانی‌های احمدالحسن است. مدیریت سایت و فضای مجازی نیز به عهده این گروه است.

## ۵. گروه مالی

این گروه، علاوه بر دریافت وجوهات شرعی و نذورات و هدایا، مسئولیت هزینه این مبالغ را بر عهده دارند. این مبالغ در سه بخش مصرف می‌گردد: ۱. شهریه طلاب و مبلغین

احمدالحسن؛ ۲. چاپ و نشر کتب انصار و همچنین تجهیز کتابخانه‌های اتباع و حسینیه‌ها؛  
۳. خرید تسلیحات و مهمات جنگی و آموزش‌های نظامی اتباع.

## ۶. گروه نظامی

این گروه با هدف جذب و آموزش نظامی اتباع، خرید تسلیحات و فرماندهی عملیات‌های نظامی تشکیل شده است و با عنوان (سرایا القائم) فعالیت می‌کنند. احمدالحسن پس از مدتی اقامت در نزدیکی بصره توانست عده‌ای را به‌سوی خود جذب نموده و دو مرکز در استان بصره و ناصریه و چند مرکز کوچک‌تر در استان‌های دیگر عراق تأسیس کند. وی همچنین توانست حدود پانصد نفر از طرفداران خود را مسلح کند و روز عاشورای سال ۲۰۰۸م را روز قیام برای آزادکردن دو استان بصره و ناصریه مقرر کرد.

طرفداران وی نیز در حالی که بین هیئت‌های عزاداری فریاد می‌زدند: «مهدی آمد

بیشتر کسانی که جذب احمدالحسن شدند جزو فرهنگیان، دانشجویان، اساتید دانشگاه، فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه و مهندسين هستند.

مهدی آمد» به‌سوی پلیس بصره تیراندازی کردند و به شدت با آنها درگیر شدند. درگیری به ناصریه هم کشیده شد و به مدت یک‌هفته ادامه یافت. حدود صدنفر از آنها کشته و

چندصدنفر نیز دستگیر شدند و احمدالحسن نیز فراری و مخفی شد. به‌دنبال این امر، پرونده‌ای امنیتی برای وی نزد پلیس بصره تشکیل شد.<sup>۱</sup>

رئیس پلیس بصره پس از این واقعه درباره وی چنین گفته است: «ما با خانواده وی ملاقات کرده و اطلاعاتی درباره او جمع‌آوری کردیم و برای ما معلوم گشت که وی از خانواده‌ای علوی نبوده و نسب به پیامبر اسلام نمی‌برد و از سحر و شعبده و هیپنوتیزم برای جذب افراد استفاده می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. دجال بصره، علی کورانی، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۵۱.

نکته قابل تأمل و تأسفباری که در گزارش رئیس پلیس بصره آمده این است که بیشتر کسانی که جذب وی شدند جزو فرهنگیان، دانشجویان، اساتید دانشگاه، فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه و مهندسين هستند.<sup>۱</sup>

وی همچنین تأکید می‌کند که با تعدادی از دستگیرشدگان گفت‌وگو کرده و متوجه

شدند علت ایمان آنها به احمدالحسن رؤیا

بوده است؛ به گونه‌ای که بعضی از آنها گفته‌اند:

امام حسین و حضرت زهرا<sup>ؑ</sup> را در خواب

دیده‌اند که به احمدالحسن سفارش کرده‌اند.

بعضی دیگر، سفارش حضرت مسیح<sup>ؑ</sup> و رسول خدا<sup>ﷺ</sup> در خواب را علت ایمان خود به

وی ذکر کرده‌اند.<sup>۲</sup>

پیروان احمدالحسن، نسب وی را با پنج

واسطه به امام زمان<sup>ؑ</sup> می‌رسانند ولی

این نسب صحیح نیست.

۱. همان.

۲. همان.

## منابع

۱. «نقد و بررسی آراء مدعیان مهدویت: با تکیه بر آراء احمدالحسن»، نصرت الله آیتی، مشرق موعود سال هفتم بهار ۱۳۹۲ شماره ۲۵.
۲. «نقد و بررسی آراء مدعیان مهدویت: با تکیه بر آراء احمدالحسن»، نصرت الله آیتی، مشرق موعود سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۲.
۳. از تبار دجال، نصرت الله آیتی، قم، موسسه آینده روشن، ۱۳۹۳ ش.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵. پاسخ مختصر بر کتاب فتنه یمانی، احمد اسماعیل، انتشارات انصار امام مهدی، بی جا، بی تا.
۶. جزیره الخضراء، جعفر مرتضی عاملی، ترجمه محمد سپهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۷۴.
۷. الجواب المنیر عبر الأثیر، احمد اسماعیل، اصدارات انصار الامام المهدی، بی جا، ۱۴۳۱ ق.
۸. الحركات المهدویه، تاریخها عقائدها خطرهما، ذوالفقار علی ذوالفقار، مرکز بائقیا للأبحاث والدراسات، ۲۰۱۴.
۹. دجال بصره، در رد ادعاهای احمد اسماعیل معروف به احمد حسن یمانی، علی کورانی عاملی، ترجمه مسلم خاطری، تهیه معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
۱۰. ره افسانه (نقد و بررسی فرقه یمانی بصری)، محمد شهبازیان، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۳.
۱۱. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، قم، انتشارات مشهدی، اول، ۱۳۷۸.
۱۲. الشهب الاحمدیه فی الرد علی مدعی المهدویه؛ دعوه احمدالحسن فی المیزان، الشیخ أحمد سلمان، مؤسسه البلاغ، ۲۰۱۵.
۱۳. العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان علیه السلام، علامه علی اکبر نهاوندی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸.
۱۴. الفتن، نعیم بن حماد، بیروت، لبنان، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. کتاب الغیبه، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۱۶. کتاب الغیبه للحجه، محمد بن حسن طوسی، قم، المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۱۷. کشف الحق، محمدصادق خاتون آبادی، مرکز الدراسات التخصصیه فی الامام المهدی، نجف، ۱۴۲۶ ق.
۱۸. کفایه المهتدی فی معرفه المهدی، میرلوحی، قم، دارالتفسیر، ۱۴۲۶ ق.
۱۹. مختصر اثبات الرجعه، فضل بن شاذان النیشابوری، عتبه حسینیه، کربلا، ۲۰۱۶.
۲۰. نجم الثاقب، میرزا حسین نوری، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ج ۱۳، ۱۳۹۳.
۲۱. النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، مبارک بن محمد ابن اثیر، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷.
۲۲. الوصیه المقدسه الکتاب العاصم من الضلال، أحمد الحسن، ۲۰۱۲.
۲۳. الهدایه الکبری، خصیبی، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، البلاغ، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.







## بررسی وضعیت اسلام و مسلمانان در پژوهش‌های غربی<sup>۱</sup>

محمد رضا حضوربخش<sup>۲</sup>

### مقدمه

اسلام یک جهان‌بینی فراشمول است که در طول تاریخ توجهات جهانی را به خود جلب کرده است. اسلام همیشه با تمدن غربی دادوستد داشته است. این نوشتار درصدد تبیین و معرفی کتاب‌هایی است که در مراکز غربی در مورد اسلام و مسلمانان نوشته شده است. در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ - ۲۰۰۹، ۲۳۸۷۲ پژوهش در راستای بررسی «نگرش‌های علمی غرب نسبت به اسلام و مسلمانان» قابل توجه و شناسایی است. ۱۸۲۲۵ مورد مقاله، ۳۱۷۰ کتاب و ۲۴۷۷ پایان‌نامه و رساله کارشناسی ارشد و دکتری هستند که دانشگاه‌های غربی و مؤسسات علمی در این مدت چاپ کرده‌اند. توجه به شمار فزاینده آثار در سال ۲۰۰۰ نشان می‌دهد که ۵/۵٪ از کل آثار (اعم از مقالات، کتب و پایان‌نامه‌ها) در دوره زمانی شصت ساله، طی دهه اخیر منتشر شده است. درصد زیادی از این افزایش آثار به وقایع ۱۱ سپتامبر و پیامدهای باز می‌گردد؛ حادثه‌ای که توجه جوامع غربی را به مسلمانان سراسر جهان جلب کرد.

---

۱. این نوشتار گزارشی است علمی از کتاب «تحلیل گفتمان کتاب‌شناختی: چشم‌انداز دانشگاهی غرب در مورد اسلام، مسلمانان و کشورهای اسلامی»:

Bibliographical Discourse Analysis: The Western Academic Perspective on Islam, Muslims and Islamic Countries (1949-2009), Saied Reza Ameli, 4 volume of books, London, IHRC (Islamic Human Rights Commission), 2012.

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه، دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه قم.

بررسی این آثار و گونه‌شناسی آن به فهم موضوع تعامل اسلام و غرب و همچنین فهم مبنا و چگونگی رفتار غرب با اسلام و راهبردهای مواجهه با آن بسیار کمک می‌کند. غرب به عنوان غیریت هویتی انقلاب اسلامی از مهم‌ترین مقوله‌های معرفتی حوزه‌های علمیه است که هم در عرصه اجتماعی و هم در عرصه سیاسی باید مورد توجه حوزه انقلابی قرار بگیرد.

### الگوی بیناتمدنی اسلام و غرب

تصویر غربی فهم خود از اسلام را مبتنی بر تقسیم جغرافیایی و ایدئولوژیکی بین شرق و غرب قرار داده است. در دوگانه شرق - غرب، قضاوت‌های ارزشی، بنیان اصلی تاریخی است که بر اساس آنها تصاویر گفتمانی متنوع شکل گرفته است. بسیاری از متفکران تصاویری را که عموماً ارزش‌های غربی را بر نواحی شرقی تحمیل می‌کنند، مورد انتقاد قرار داده‌اند.

بررسی روابط اسلام و غرب مهمترین عامل در فهم ما از وضع موجود است. غرب لاتین به لحاظ تاریخی نگرش‌های خود درباره اسلام را از طریق قرن‌ها تعامل با مصر، موزاراب‌های اسپانیایی و مسیحیان عربی نشان می‌دادند که نگرش‌های متنوع و در عین حال منفی نسبت به اسلام را بر اساس رویارویی‌های اولیه با اسلام و مسلمانان شکل داده بودند. فهم امروزی غرب از اسلام، نتیجه رابطه مستقیم و غیرمستقیم آن با اسلام است که با پالایش گستره زمانی و مکانی از آسیای غربی تا آفریقای شمالی و همچنین اروپای شرقی طی قرون وسطی و رنسانس تحریف شده است.

روابط قدرت در یک الگوی بیناتمدنی به بهترین وجه توصیف می‌شود؛ الگویی که در آن تمدن‌ها با توجه به قابلیت‌های خود با هدف مشارکت (مشارکت فعال هر دو طرف) یا سلطه (حضور فعال یک طرف) حضور دارند. روابط قدرت بین تمدن‌ها هم پیدایش و هم استمرار هر تمدنی را تبیین می‌کند تا آنجا که تمدن‌ها بر اساس ساختارهای قدرتی که تعامل دارند، توسعه می‌یابند.

چهار رویکرد تاریخی ممکن نسبت به روابط بیناتمدنی عبارت‌اند از:

### ۱. اروپامحوری نسبی

بر اساس این رویکرد تمدنی، تمام تمدن‌های بشری در تمدن اروپایی ریشه دارند و از آن نشأت گرفته‌اند، اما در استمرار تاریخی شرایط جغرافیایی، دین، آداب و رسوم و ویژگی‌های قومی موجب به وجود آمدن تمدن‌های مستقل شده است. از این‌رو، تصور می‌شود که تمام تمدن‌های دنیا ریشه اروپایی مشترکی دارند، اما به تمدن‌های متنوع - نسبتاً فرودست - تغییر یافتند. در طبقه‌بندی‌های عرفی و متداول نوعاً از آن تمدن‌ها تحت عنوان تمدن‌های شرق یاد می‌شود. بنابراین اسلام در استمرار تاریخی خود هم‌سطح با اروپای برتر نیست.

### ۲. اروپامحوری مطلق

اروپامحوری مطلق هم در ریشه و هم در استمرار قائل به بازگشت همه تمدن‌ها از جمله اسلام به یک تمدن است. فارغ از تمدن اروپایی مسلط و برتر در طول تاریخ، هیچ کدام از تمدن‌های متنوع بشری که امروزه موجود است، اصلاً به عنوان تمدن تلقی نمی‌شود. این رویکرد مدعی است که پیشرفت بشر روند یک‌طرفه از یک ماهیت اروپایی دارد و دستاوردهای بشری، مصادیق ناچیزی از آشفتگی بشری هستند. این رویکرد به پشتوانه استدلال‌های شبه‌علمی متفکران بزرگی همچون وبر، هگل، مونتسکیو و مک‌نیل، از یک جهان‌بینی استعماری برگرفته شده که جهان را از منظر «غرب و دیگری» ارزش‌گذاری و ارزیابی می‌کند. اروپامحوری مطلق، منتقدان زیادی نیز دارد. سعید، شیلر، امین، لووی، استم، داسل و ساندربرگ از سرسخت‌ترین و مهمترین مخالفان اروپامحوری مطلق به عنوان استعمارگرایی پنهان هستند.

### ۳. آمریکامحوری

ریشه‌های رویکرد چندمحوری اروپایی و استمرار رویکرد تک‌محوری آمریکایی نسبت به تمدن‌های بشری، بنیان‌های آمریکامحوری را تشکیل می‌دهند. آمریکامحوری،

آثار غربیان با محور اسلام‌هراسی، اسلام را به عنوان یک دین/جهان‌بینی نظامی معرفی می‌کنند که با اعتقاد به جهاد و شهادت، صلح بین‌المللی را در معرض خطر قرار داده است.

ایالات متحده آمریکا را به مثابه تجسم بدیل تمدن معرفی می‌کند که تمام افراد برای دستیابی به موفقیت باید از آن طرح اولیه، الگوبرداری کنند.

آمریکامحوری ضمن رد اروپامحوری در شکل کنونی‌اش، سلسله‌مراتب تمدنی را مطرح می‌کند که آمریکا (ایالات متحده آمریکا) در رأس آن قرار دارد و سایر تمدن‌ها حتی تمدن‌های اروپایی در مراتب پایین‌تر قرار دارند.

در این رویکرد، تمدن آمریکایی همتای طبیعی اسلام به عنوان سنت مذهبی است که ردپای آموزه‌های آن به چهارده قرن پیش برمی‌گردد.

#### ۴. چندمحوری

برخلاف اروپامحوری و آمریکامحوری، این رویکرد «چندمحوری چندفرهنگی» را ارائه می‌کند. بر اساس این رویکرد، جهان از کانون‌های تمدنی فعال متنوع، متکثر، کهن (قدیمی) و جدید تشکیل شده است. چندمحوری به همه تمدن‌ها احترام می‌گذارد، از ارزش‌گذاری و قضاوت می‌پرهیزد و تمام سلسله‌مراتب‌های قدرت را رد می‌کند.

این رویکرد صلح و احترام را در میان تمدن‌ها ترویج می‌کند. تمدن‌های بشری را به مستندات تاریخی اولیه ارجاع می‌دهد، مخالف ادغام و تحمیل فرهنگی و دوستدار ارتباط و گفتگو است.

این رویکرد در میان تمدن‌های موجود، ایده‌آل و تحقق‌نیافته است.

### تاریخ روابط اسلام و غرب

#### ۱. اسلام و بیزانس (قرن‌های ششم و هفتم)

تاریخدانان معتقدند که واکنش مطلوب برخی از مسیحیان بیزانس و عرب در مقابل اسلام - از همزیستی مسالمت‌آمیز گرفته تا پذیرش دین جدید - در حد شگفت‌انگیزی بود به نحوی که به ترس روحانیون مسیحی از میزان تغییر مسیحیان به دین جدید منجر شد. در سال ۶۹۱ - ۶۹۲ م. کتاب «پیشگویی‌های آخرالزمانی متودیوس دروغین» به عنوان اولین منبع مسیحی غربی بعد از فتوحات اسلامی، به زبان عربی نوشته شد تا به وضوح ترس توده مسیحی را از تغییر دین به اسلام بیان کند.

از سوی دیگر، مباحث جدلی (کلامی) مسیحیت مسیر غیرمستقیم را برای مقابله با تغییر گسترده دین به اسلام در پیش گرفتند که نشانگر عمق وحشت مسیحیت از اسلام به مثابه رقیب بزرگ در قرون هفتم، هشتم و نهم است.

## ۲. اسلام و اندلس (۷۱۱-۱۴۹۲)

قرن هشتم باید به عنوان آغاز تعامل متقابل بلندمدت مسلمانان و غیرمسلمانان در سوریه، مصر، اسپانیا و حتی در نواحی شمالی فرانسه فهم شود. با توجه به گسترش جغرافیایی اسلام، تأثیرات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن نیز به نواحی جدید و مردمان جدید رسید. مظفر اقبال در کتاب «تاریخ حوادث» فعالیت‌های فرهنگی اسلامی متنوعی را در قرن هفتم و هشتم در اسپانیا گزارش می‌دهد. از نظر اقبال، فارغ از ساخت مساجد مختلف در کوردوبا و شبه‌جزیره ایبری، اولین دانشگاه در اندلس توسط مسلمانان در سال

بسیاری از آثار غربی در مورد اسلام، اسلام را در یک بسته جنسیتی رایج قرار می‌دهد؛ یک اسلام زنانه (تسلیم و جذاب) که همتای غربی مردانه (قاطع و در عین حال منطقی) را به چالش نمی‌کشد.

۷۹۶م. ساخته شد. ترجمه فلسفه و علوم یونانی و سریانی به عربی (در قرن هشتم و نهم) و ترکیب فلسفه هلنیستی با تفکر اسلامی، جنبش علمی جدیدی را موجب شد. ترجمه مجدد

(بازترجمه) ملقمه اسلامی - هلنیستی از عربی به لاتین (قرن دوازدهم) مرکزیت گفتگوی علمی را از بغداد به اندلس تغییر داد.

## ۳. اسلام، مسلمانان، استعمارگری و مدرنیسم (قرن پانزدهم - اواسط قرن بیستم)

با پایان فاز دوم (که با کشف آمریکا در سال ۱۴۹۲م. مشخص شد) و با فروکش کردن شعله‌های جنگ‌های صلیبی در طول سال‌های بعدی قرون وسطی (از ۱۵۲۳م. به بعد) گفتگوهای خشن مسلمانان و مسیحیان، موجب شد تصاویر کاملاً ساختگی از اسلام، مسلمانان، پیامبر اسلام و قهرمانان جنگی‌شان ایجاد شود. در سال ۱۴۹۲م. جنگ‌های صلیبی از شمال آفریقا خارج شد.

هرچند عصر اکتشافات، توجه اروپایی‌ها را از دوره پایان جنگ‌های صلیبی منحرف کرد،

اما روند استعمارگری رو به رشد در تجارت اروپا با جهان خارج را شکل داد. استعمارگری به عنوان یک اقدام سرمایه‌داری و شرق‌شناسی به مثابه شاخه معرفتی آن، گفتمان‌هایی بودند که در عصر ما بیش از هر گفتمان دیگر مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته‌اند.

#### ۴. اسلام، دوره پساستعمارگری و جهانی‌سازی (۱۹۴۰ - ۲۰۰۹)

استعمارگری پایان نیافت، ترس عمیق، در روابط بین‌المللی برای همیشه باقی ماند و «روابط قدرت موروثی» حتی در آخرین دهه‌های قرن بیستم، شتابش را از دست نداد. علاوه بر این در فضای پساستعماری، غرب استعمارگر و جوامع مسلمان استعمار شده، چندگانه و متنوع شدند. در این دوران بین اسلام و غرب بی‌اعتمادی فراوان بود. مسلمانان تلاش کردند تا هم در امور داخلی و هم در روابطشان با جهان خارج، از استعمار‌رهایی یابند. در این شرایط در دهه ۵۰ میلادی، جنبش‌های اسلامی در چندین جامعه اسلامی قوت گرفت. این جنبش‌ها که یا به سمت ملی‌گرایی و سکولاریسم بود و یا به سمت احیای دین، به مثابه ابزاری بود برای اتحاد در برابر افزایش تهدیدهایی چون غربی‌سازی و اسرائیل‌نوظهور.

همزمان با پایان جنگ سرد، با جذب شکل‌های تازه‌ای از تنش‌های جدلی بر مبنای معیارهای نوین ایدئولوژیکی، حرکت مهمی در راستای شعله‌ور نگه داشتن بیش از پیش آتش خصومت‌های بین‌المللی ایجاد شد. این مسأله باعث جنگ‌های جهانی سخت و جنگ سرد نرم شد. برخی مواقع دشمن اصلی در این جنگ، کل جهان اسلام است. بر اساس آمارها، جمعیت مسلمانان در غرب به سرعت در حال افزایش است و بسیاری از مسلمانان به کشورهای توسعه‌یافته غربی مهاجرت می‌کنند. این حضور جهانی شده و تاریخی، به طرح مسائلی در مورد مواجهات رو به جلوی اسلام - غرب در مناظرات ژئوپولیتیکی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در غرب منجر شده است. در اواخر عصر استعمارگری در دهه ۱۹۵۰، رویکرد استعمارگری پساستعماری به شرق، به تدریج از استعمارگری سخت به استعمار نرم تغییر کرد. ژئوپولیتیک جایگزین جغرافیا شد و جریان‌های سنتی سرمایه‌داری جای خود را به ارتباطات فرهنگی داد.

رویدادهای زیر در این تغییر موثر بودند: جنگ جهانی دوم، تأسیس سازمان ملل متحد، آغاز جنگ سرد، ظهور جهانی‌سازی، انقلاب اسلامی در ایران، پایان جهان دوقطبی در ۱۹۸۹، حوادث یازدهم سپتامبر در ایالات متحده و جنگ متعاقب آن بر ضد تروریسم. با فرض تعصبات آشکار در تولید علوم اجتماعی در طول ۶۰ سال گذشته، تنها یک دهم این آثار (۲۵۲۶ از مجموع ۲۳۸۷۲ اثر) تلاش کرده‌اند تا دور از تعصبات تاریخی و بردگی علمی، اسلام را همانگونه که واقعاً هست نشان دهند و تنوع موجود میان مسلمانان و هویت‌هایشان را درک کنند.

## هویت‌شناسی پژوهش‌های غربیان در مورد اسلام

### ۱. اسلام‌وفوبیا (اسلام‌هراسی)

اسلام در نقطه آغازینش در ۱۴ قرن گذشته، «هراس» را در میان غیرمسلمانان ایجاد نکرده است. به نظر می‌رسد که اولین ترس و تهدید ایجاد شده در دنیای غیرمسلمانان، به ویژه امپراطوری بیزانس، ترس از گرایش غیرمسلمانان به اسلام بود. ترس از گرایش به اسلام، موجب شد غیرمسلمانان به اسلام واکنش نشان دهند، از دینشان دفاع کنند و اسلام را به کفر و فریبکاری متهم کنند. بر همین اساس، مناظرات در مورد وجود اسلام‌هراسی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جوامع غربی از قرن هشتم به وفور یافت می‌شود. به عنوان مثال، گزارش ۲۰۰۴ رانی مد، با عنوان «اسلام‌هراسی: مسائل، چالش‌ها و اقدامات» نشان می‌دهد که تنفر نسبت به مسلمانان یکی از ویژگی‌های ثابت غرب، یعنی جوامع اروپایی بوده است؛ زمانی در سال‌های جنگ‌های صلیبی، زمانی در طول قرن پانزدهم در اسپانیا و زمانی دیگر در طول دوره استعمارگری. این گزارش بر این باور است که این تنوع احساسات زمانی - مکانی ضد اسلام/مسلمانان در طول تاریخ، اصل نهادینه‌شده‌ای را ایجاد نکرد و ترجیحاً باید عنوان «اسلام‌هراسی» را بر آن نهاد.

در اواخر عصر استعمارگری در دهه ۱۹۵۰، رویکرد استعمارگری پسااستعماری به شرق، به تدریج از استعمارگری سخت به استعمار نرم تغییر کرد.

قرن بیستم به عنوان یک زمینه مخالف برای نهادینه کردن احساسات ضداسلامی در میان غیرمسلمانان در سراسر جهان عمل کرد. قرنی که اقدامات ضد یهود را در جنگ و صلح به ثبت رسانده است، قرنی که علقه‌های دینی را در میان گروه‌هایی از مسیحیان از بین برد، قرنی که افراط‌گرایی و عصبیت در میان مسلمانان را شاهد بود.

حمله تروریستی در یازده سپتامبر، احساسات ضداسلامی به ویژه در اروپا و ایالات متحده را افزایش داد و مسلمانان را در این جوامع در شرایط سختی قرار داد. در نتیجه محدودیت‌های بسیاری را - به ویژه برای زنان محجبه - برای آنها در حفظ هویت اجتماعی اسلامی شان ایجاد کرد.

هرچند اسلام‌هراسی یک واژه ویژه و موردی بود که در زمان نیاز به آن، مورد استفاده قرار گرفت، اما در ادبیات ارتباط اسلام و غرب باقی ماند و در فرهنگ‌های لغت و دایره‌المعارف‌ها وارد شد. این واژه به عنوان برجسب و عنوانی برای نمونه‌هایی از نژادپرستی ضد مسلمانان/اسلام در کنفرانس جهانی سازمان ملل ضد نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌هراسی و تحمل‌ناپذیری، استفاده شد.

گزارش ۱۹۹۷ هشت مسأله را به عنوان مؤلفه‌های «رفتار متحجرانه» یعنی رویکردهای اسلام‌هراسانه، نسبت به مسلمانان مشخص کرده است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۱. اسلام به عنوان یک دین مانع، سخت و غیرمنعطف؛
۲. اسلام به عنوان یک «دیگری» دور؛
۳. اسلام به عنوان یک بربریت غیرعقلانی، بدوی و [مروج] تبعیض جنسی که نسبت به غرب در رتبه فروتری قرار دارد؛
۴. اسلام به عنوان یک دین خشن، تهدیدکننده و حمایت‌گر تروریسم؛
۵. اسلام به عنوان ایدئولوژی سیاسی که در اهداف سیاسی و جنگ‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛
۶. اسلام به عنوان تحمل‌ناپذیری انتقاد غرب؛
۷. نفرت ضدمسلمانی به عنوان ابزاری برای توجیه اقدامات نژادپرستانه علیه مسلمانان و محروم کردن مسلمانان از جریان اصلی جامعه؛
۸. خصومت و نفرت ضد مسلمانان به عنوان یک مسأله طبیعی و عادی.



## بررسی وضعیت اسلام و مسلمانان در پژوهش‌های غربی

از مجموع ۲۳۸۷۲ اثر حاضر در پژوهش ما، ۳۱۹۱ اثر (۱۳/۴٪) برچسب اسلام‌هراسی گرفته‌اند. دو نمونه معرف در این فهرست، آثار سال ۱۹۷۹ میلادی می‌باشند که با عنوان «اسلام جهادی» و «خنجر اسلام» به ترتیب توسط جی ایچ جانسون و جی لافین به رشته تحریر درآمدند.

همان‌طور که عنوان این آثار نشان می‌دهد، این آثار اسلام را به عنوان یک دین/جهان‌بینی نظامی معرفی می‌کنند که با اعتقاد به جهاد و شهادت، صلح بین‌المللی را در معرض خطر قرار داده است. این کتاب‌ها که در سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران نوشته شده‌اند، با به کارگیری واژه‌های شیطنی به موج خروشان بیداری اسلامی به طور شفاف اشاره کرده‌اند.

## ۲. اسلاموفیلیا (اسلام‌دوستی)

تغییر دین به اسلام، اجباری از طرف مسلمانان و رهبرانی که کشورها را فتح می‌کرده‌اند، نبوده است. در طول قرن گذشته تغییر دین به اسلام در جهان غرب به یک حقیقت تبدیل شده است. جدای از تعداد قابل توجهی از مسلمانان مهاجر که در غرب زندگی می‌کنند، بسیاری از اروپائیان و آمریکایی‌ها (اروپایی تبار یا آفریقایی تبار) نیز به دین اسلام گرویده‌اند.

در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ - ۲۰۰۹، ۲۳۸۷۲ پژوهش در غرب در موضوع اسلام انجام شده است که بیش از نیمی از آن مربوط به ده سال پایانی این دوران است.

خانم شیرین هانتز در مورد گرایش اروپائیان به اسلام گزارشات مفصلی از منابع رسمی و تحقیقات آکادمیکی (دانشگاهی) ارائه کرده است. بر این اساس حدود ۴۰ هزار فرانسوی تبار به اسلام گرویده‌اند (آمار ۱۹۹۶) و تعداد مسلمانان آلمانی تبار قریب به صد هزار نفر است.

اورگن نیلسون گزارشی تطبیقی از گرایش به اسلام در اروپا تهیه کرده است که فرانسوی‌های مسلمان‌شده در رتبه اول قرار دارند «در محدوده ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری». از نظر وی، آلمانی‌هایی که به اسلام گرویدند، در استقرار اسلام در کشورشان نقش مهمی داشتند.

ضمیمه‌های آکادمیکی اسلاموفیلیا نه تنها به نهادینه‌سازی اسلاموفیلیا به عنوان یک منبع کمتر متعصبانه از درک از اسلام کمک کرده است، بلکه مسلمانان را قادر ساخته تا دیدگاه‌های خود را در فضای علمی بیشتر ارائه کنند؛ به همان رسایی و بلندی صدای شرق‌شناسانی که در چندین مرکز و مؤسسه مطالعات خاورمیانه‌ای ارائه می‌شود. البته برخی از متفکرین مانند مَنفُرد گِرسْتِنفیلد (۲۰۰۷) ادعا کرده‌اند که موضع فراگیر حمایت از اسلام در محافل آکادمیکی، به اصطلاح «اسلاموفیلیای آکادمیک» در حال «خیانت کردن به رسالت دانشگاه است»

گروه گفتمانی اسلاموفیلیا، متضمن تلاش در آثار آکادمیک، برای فهم ارزش‌ها و باورهای اسلامی و طرح گفتگو با مسلمانان علی‌رغم نظام‌های ارزشی متنوع‌شان است. طبق این دیدگاه، تلاش‌های آگاهانه‌ای صورت گرفته است تا هر گونه تعصبات تاریخی موجود پیش از تحقیقات علمی در مورد اسلام و مسلمانان را از بین ببرد.

آثاری که در این گروه قرار می‌گیرند به اسلام دید خنثی ندارند، بلکه این آثار نگاه دلسوزانه و در مواردی نگاه همدلانه نسبت به اسلام دارند. آثار اسلاموفیلی تلاش می‌کنند طبیعت و سرشت صلح‌طلبانه اسلام را آشکار سازند تا اسلام را در کنار دیگر ادیان بزرگ قرار دهند و بر اشتراکات آنها تأکید کنند، اسلام‌هراسی را یک نوع نژادپرستی آشکار معرفی کنند، بر تاریخ درخشان اسلام در علوم تجربی و علوم انسانی تأکیدی دوباره داشته باشند و مسلمانان و غیرمسلمانان را به تجدید انگیزه‌هایشان در قبال یکدیگر فراخوانند.

از ۲۳۸۷۲ اثر در پژوهش ما، ۲۰۴۲ (۸/۶٪) اثر از شیوه اصلاحی اسلاموفیلی که در بالا ذکر شد، برخوردار هستند. یک مثال خوب در میان این آثار، مقاله‌ای است که در مجله «امور اقلیت مسلمان» در ۱۹۸۰ به چاپ رسیده است. «تحصیلات مسلمانان اولیه و نقش آن در شمال شرقی آفریقا» نوشته محمد، اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی روشنفکری به تصویر می‌کشد که حضورش در آفریقا در طول تاریخ به آفریقایی‌های شمال شرقی آفریقا سود رسانده است. در نگاه اول، عنوان توصیفی این مقاله نیت و هدف اسلاموفیلی آن را آشکار می‌سازد.

### ۳. اسلام‌رومیا (اسلام رومی‌گرایی)

برخلاف اسلام‌هراسی و اسلاموفیلیا که چندین سال مورد استفاده قرار گرفتند و در نتیجه بخشی از غرابت و نافذیت اولیه‌شان را از دست دادند، اصطلاح «اسلام‌رومیا» واژه نوپدید است. این واژه از دو بخش معنایی جداگانه تحلیل‌پذیر تشکیل شده است: اسلام و رومیا. افزودن رومیا به اسلام به عنوان یک پسوند، دو هدف را دنبال می‌کند:

#### اسلام رومی

برخی از آثار که در حوزه گفتمانی اسلام‌رومیا تولید شده‌اند، اسلام را از طریق مقایسه با قوانین و موقعیت‌های اجتماعی - فرهنگی غرب ارزیابی کنند. این امر با تغییر در روند سنت‌های اسلامی و ایدئولوژی مسلمانان نسبت به سنت‌ها و هنجارهای غرب (به ویژه یونان و روم) ممکن خواهد بود.

این آثار در تلاشند یا اسلام را در لیست و تولیدات مستقیم هرچند متأخر مکاتب و افکار یونانی و رومی قرار دهند یا اینکه نشان دهند که اگر اسلام می‌خواهد در دنیای

تصویر غربی فهم خود از اسلام را مبتنی بر تقسیم جغرافیایی و ایدئولوژیکی بین شرق و غرب قرار داده است.

امروز زنده بماند و پیشرفت کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه به قوانین و دستوراتی که غرب ارائه می‌کند، ملزم شود.

سهم قابل توجهی از ادبیات آکادمیکی غرب

در مورد اسلام در بیش از ۶۰ سال گذشته در بردارنده روش‌هایی از یکپارچه‌سازی اسلام در سنت‌های یونانی - رومی است که حتی پیش از مسیحیت شکل گرفته است.

#### اسلام جنسیتی‌شده

اسلام‌رومیا اسلام را در یک بسته جنسیتی رایج قرار می‌دهد. یک معنای جنسیتی، در بردارنده ویژگی‌های عادی است که زنانگی سنتی بر آن دلالت دارد؛ یعنی تسلیم بودن و زینت داشتن. یک اسلام زنانه (تسلیم و جذاب) که این آثار از آن یاد می‌کنند، همتای غربی مردانه (قاطع و در عین حال منطقی) را به چالش نمی‌کشد.

جدای از این دیدگاه سیاسی، دیدگاه جنسیتی از اسلام، متضمن براهین و استدلال‌های

اجتماعی - فرهنگی مفصل در مورد تمایلات جنسی افراطی است که غرب آن را به مسلمانان نسبت می‌دهد. این رویکرد با تصویری که شرق‌شناسان از حرم، حوریان و حجاب ارائه کرده بودند، مورد تاکید قرار گرفت. پیامد طبیعی این رویکرد مناظرات و بحث‌های داغ در مورد حقوق زن در اسلام است.

در شکل‌گیری دوگانه موازی مردانه (قدرتمند) و زنانه (تسلیم) در مورد دوگانگی تاریخی غرب با اسلام در دوره بعد از جنگ‌های صلیبی، معرفت اسلام‌رومیکی، اسلام را در سلسله مراتب قدرت در موقعیتی پایین (فروتر) قرار می‌دهد. ظاهراً در این ساختار، در یک سطح پایین‌تر از غرب مردانه، به همان نسبت اسلام زنانه ضعیف و نیازمند آزادی‌بخشی و حمایت غرب نشان داده می‌شود. تفاسیر ماکس وبر از اسلام به عنوان یک [دین] بی‌ثبات و غیرعقلانی که در [آثار] تورنر (۱۹۹۸) و هاف و اسکاجتر (۱۹۹۹) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، مثال خوبی برای این بحث است.

اسلام‌رومیا اعم از اینکه هستی‌شناسانه باشد یا قیاسی، در برابر اسلام موضعی جانبدارانه اتخاذ می‌کند. برخلاف اسلام‌هراسی که می‌توان آن را «سیاست فشار» در برابر جاذبه اسلام نامید، اسلام‌رومیا، سیاست رو به جلو و کشتی است. استراتژی کلی غرب، برچسب زدن و مطالعه عقاید اسلامی در برابر افول هنجارها و سنت‌های غربی است. از مجموع ۲۳۸۷۲ اثر، شمار قابل توجهی (۱۱۵۶۳ اثر که ۴۸/۴٪ از مجموع آثار را تشکیل می‌دهند) برچسب اسلام‌رومیایی دارند. آثار اسلام‌رومیکی در کتاب «اسلام و حقوق بشر؛ گسترش گفتگوی آمریکایی - اسلامی» که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، ارائه شده است. نویسندگان کتاب، اس‌اچ‌تی هانتز و مالک، تلاش دارند چارچوبی ارائه کنند که در آن یک غربی می‌تواند اسلام را از طریق مفاهیم مأنوسی همچون حقوق بشر و شرایط آشنا همچون شرایط بعد از یازده سپتامبر، بهتر تصور کند.

#### ۴. اسلام‌وریتا (اسلام عینی)

بی‌طرفی مطلق در علوم اجتماعی و علوم انسانی یک ایده‌آل غیرممکن است. بنابراین بر اساس نقشی که عامل انسانی در تولید علم بازی می‌کند، هر ادعایی مثل بی‌طرفی مطلق، پوچ خواهد بود. دانشی که درباره اسلام تولید می‌شود نیز از همین قبیل است.

۲۵۱۰ اثر در الگوی مورد نظر ما که اسلام‌وریتا نام دارد، ویژگی‌هایی را مطرح می‌کنند که عامل تمایز این آثار از آثار دیگر گروه‌ها می‌باشد. در ابتدا و مهم‌تر از همه، به گفت‌وگوهای اسلام‌هراسی و اسلام‌وفیلیا که بر تحقیقات علمی در مورد اسلام و جوامع مسلمانان در طول ۶۰ سال گذشته سایه افکننده است، حمله می‌کند. این آثار هم در لحن و هم در نوشتار، صرفاً از طریق تعمیم آنچه که قبلاً جنبه منحصر به فرد نسبت به کل تحقیقات داشته است، از کلیشه‌سازی درباره اسلام یا مسلمانان خودداری می‌کنند.

در آثار اسلام‌وریتیک که ۱۰/۵ درصد از کل پژوهش‌ها است، تلاش گسترده صورت گرفته تا ارائه یافته‌ها بیش از حد تحلیلی، قیاسی و یا استقرایی نباشد، خواه در روش‌های تجربی یا غیرتجربی.

آثار اسلام‌ورومیک اسلام را در فضای روم که در غرب سلطه داشت، نشان می‌دهد و به بررسی و مطالعه آن برخلاف پس‌زمینه غربی یا مقایسه آن با سیستم‌های ارزشی غربی می‌پردازد، ولی آثار و تحقیقات اسلام‌وریتیک بیشترین تلاش را به فهم اسلام و مسلمانان به عنوان هویت‌های مستقل و متمایز اختصاص داده و هر کدام از آنها را با توجه به بسترهای متنوع تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود بررسی و مطالعه می‌کند.

در طول ۶۰ سال گذشته، در برخی دهه‌ها، تعداد بسیار اندکی از پژوهش‌ها و مطالعات اسلام‌وریتیک انجام شده است (۲۵ اثر در سال ۱۹۴۹ - ۱۹۵۹). این نکته قابل تأمل است که میزان آثار اسلام‌وریتیک از ۲۵ اثر در دوره بعد از جنگ جهانی دوم به بیش از ۱۲۶۳ اثر در دهه‌های کنونی افزایش یافته است.

این افزایش تعداد آثار را می‌توان در شرایط بعد از حادثه یازده سپتامبر توضیح داد. در این دوره که اسلام به عنوان یک دین خشونت‌طلب و عقب‌مانده و مسلمانان به عنوان تروریست‌های سنگدل متهم می‌شدند، دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان بر آن شدند تا به کاوش در عمق و حقیقت اسلام بپردازند و به تنوع نامحدود بین جوامع مسلمان بیشتر توجه داشته باشند. همچنین در مورد حقایق تاریخی غیرقابل انکار و در عین حال مغفول مانده بیشتر تمرکز داشته باشند و به شیوه‌ای علمی به توهّمات سیاسی عمدتاً هجمه‌های روزنامه‌نگاران پاسخ دهند.

## ۵. بی‌طرفی (اسلام غیرجانبدارانه)

این دسته از پژوهش‌ها، اسلام را از جهت ارتباطاتی که در طول تاریخ با علوم تجربی، پزشکی، فلسفه و علوم محض در نواحی مختلف، در دوره‌های زمانی گوناگون و در تعامل با دیگر تمدن‌ها داشته، مطالعه می‌کند. مجموعه‌های دانش‌نامه‌ای در مورد اسلام، هنرهای اسلامی، حقوق، پیشرفت‌های شهری، اقتصاد، شخصیت‌های پیشرو اسلامی موضوعات این گروه از آثار را تشکیل می‌دهند.

به این دسته از آثار، آثار بی‌طرف (خنتی) گفته می‌شود؛ زیرا در ارائه استدلال‌ها و براهین از قضاوت‌های ارزشی خودداری می‌کنند و از تعصبات سیاسی، تفاسیر تاریخی و ارائه اطلاعات درست و یا نادرست دور هستند.

در آثار بی‌طرف در مورد اسلام و مسلمانان این نکته قابل ذکر است که دقیقاً در همان شرایطی که بی‌طرف تولید شده‌اند، در همان شرایط ارائه نشده‌اند. برخلاف اسلام‌وریتا که بر اسلام و مسلمانان به عنوان عوامل پویای موزه انسانی تمرکز داشت، آثار بی‌طرف از بررسی و مطالعه اسلام و مسلمانان از دیدگاه علوم اجتماعی و علوم انسانی دوری می‌کنند. این آثار اسلام را به مثابه تمدنی بررسی می‌کنند که پس‌زمینه آن در علوم تجربی، مهارت‌ها و پیشرفت‌های مادی به قرن‌ها قبل بازمی‌گردد. این گروه از آثار، ۱۹٫۱ درصد از کل آثار را شامل می‌شود. (۴۵۶۶ اثر از مجموع ۲۳۸۷۲ اثر)

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ - ۲۰۰۹، ۲۳۸۷۲ پژوهش در غرب در موضوع اسلام انجام شده است که بیش از نیمی از آن مربوط به ده سال پایانی این دوران است. جهت فهم بهتر چگونگی نگرش غربیان به اسلام، این آثار در ۵ گروه مفهومی متفاوت قابل طبقه‌بندی است: اسلام‌هراسی، اسلام‌ورومیا، اسلاموفیلیا، اسلام‌وریتا و رویکرد بی‌طرف.

آثار طبقه اسلام‌ورومیک به طور چشمگیری بیش از چهار گروه دیگر هستند. ۱۱۵۶۳ اثر ذیل گفتمان اسلام‌ورومیک قرار گرفته‌اند. (۴/۴۸٪) جایگاه دوم به گفتمان بی‌طرفی تعلق دارد (۴۵۶۶ اثر یا ۱۹٪) و اسلام‌هراسی در رتبه سوم قرار می‌گیرد. (۳۱۹۱ اثر یا ۸/۶٪)

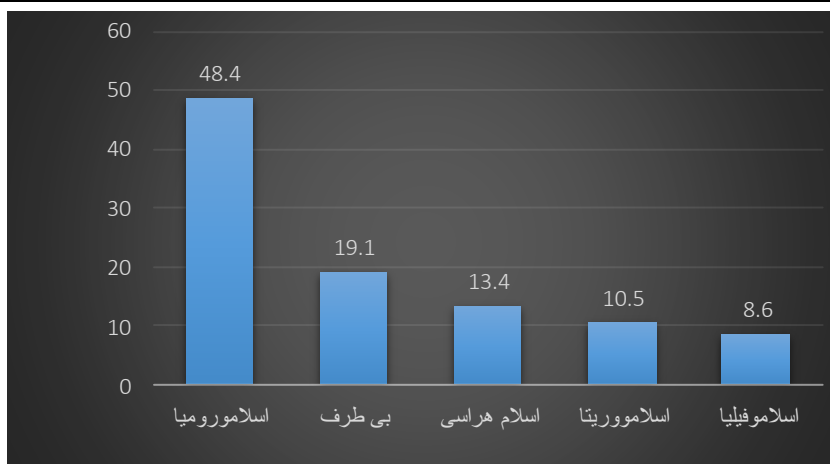
شمار نسبتاً زیاد آثار در گفتمان بی‌طرفی نتیجه تمرکز دانشگاه‌های غرب بر علوم

بررسی وضعیت اسلام و مسلمانان در پژوهش‌های غربی

تجربی و پزشکی در جوامع و کشورهای خاص است. بسیاری از آثار در این طبقه نیز آمار، ارقام و اطلاعات خام را ارائه کرده و هیچ تحلیل و تفسیری ارائه نکرده‌اند.

کل	قالب اثر					
	پایان نامه	کتاب	مقاله			
۲۷۹	۱۹	۱۰۷	۱۵۳	تعداد	۱۹۴۹ -	دهه انتشار
۱,۱	۰,۱	۰,۴	۰,۶	درصد	۱۹۵۹	
۴۸۶	۲۶	۱۳۹	۳۲۱	تعداد	۱۹۶۰ -	
۲	۰,۱	۰,۶	۱,۳	درصد	۱۹۶۹	
۱۲۴۲	۸۲	۲۶۸	۸۹۲	تعداد	۱۹۷۰ -	
۵,۱	۰,۳	۱,۱	۳,۷	درصد	۱۹۷۹	
۳۰۳۶	۴۵۷	۶۲۹	۱۹۵۰	تعداد	۱۹۸۰ -	
۱۲,۷	۱,۹	۲,۶	۸,۲	درصد	۱۹۸۹	
۵۱۵۴	۸۰۶	۷۰۱	۳۶۴۷	تعداد	۱۹۹۰ -	
۲۱,۶	۳,۴	۲,۹	۱۵,۳	درصد	۱۹۹۹	
۱۳۶۷۵	۱۰۸۷	۱۳۲۶	۱۱۲۶۲	تعداد	۲۰۰۰ -	
۵۷,۵	۴,۶	۵,۷	۴۷,۲	درصد	۲۰۰۹	
۲۳۸۷۲	۲۴۷۷	۳۱۷۰	۱۸۲۲۵	تعداد	کل	
۱۰۰	۱۰,۴	۱۳,۳	۷۶,۳	درصد		

جدول شماره ۱: نرخ انتشار آثار و قالب آثار









تحليل و بررسی





## مروری بر دیدگاه مقام معظم رهبری

در مورد سند ۲۰۳۰

حسین ایزدی<sup>۱</sup>

### اشاره

اهداف توسعه پایا، با عنوان رسمی «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایا»، مجموعه‌ای از اهداف هستند که رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تصویب کردند.

این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایا برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند. این اهداف در مورد امور حقوق بشری (مانند: مبارزه با فقر، گرسنگی، نابرابری جنسیتی، بهداشت، آموزش) و محیط زیستی (مانند: آب، انرژی، شهرنشینی، اقیانوس‌ها و بیابان‌زدایی) است.

این سند در ایران با عنوان سند ۲۰۳۰ شناخته می‌شود و مدافعان و مخالفان زیادی در مورد آن موضع‌گیری کردند. هرچند دولت تدبیر و امید معتقد است پیوستن به این سند را به اطلاع قوای سه‌گانه و دفتر مقام معظم رهبری رسانده است، ولی در همه این موارد به تصمیم دولت اعتراض شد. در نهایت شورای عالی انقلاب فرهنگی هرگونه سند مغایر با سند تحول آموزش و پرورش را ملغی اعلام کرد. در این بین برخی هشدار دادند که سند ۲۰۳۰ به صورت خاموش در حال اجراست، ولی وزیر آموزش و پرورش به صراحت آن را رد کرد.

۱. طلبه درس خارج فقه و اصول.

در این نوشتار با رویکرد تحلیلی، ابعادی از سند ۲۰۳۰ در تغایر با گفتمان انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. با توجه به موضع‌گیری و مخالفت صریح و چندین‌باره مقام معظم رهبری با این سند، مطالب با تمرکز بر دیدگاه ایشان ارائه می‌شود.

### حوزه علمیه و سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ ابعاد و هویت علمی و فرهنگی دارد. از این جهت در حیطه کارکردی و هویتی حوزه علمیه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر حوزه علمیه نهادی علمی است که عرصه عملکرد آن فرهنگ جامعه است. کارکرد تبلیغی حوزه در راستای اعتلای فرهنگی جامعه در مسیر معارف دینی است. هر نهاد یا سیستمی که در این فرایند و سیستم قرار بگیرد، رقیب حوزه است که ممکن است موقعیتی همگرا یا واگرا با حوزه داشته باشد.

حوزه علمیه برای موفقیت در تحقق اهدافش باید به رقبای خود توجه کند تا از ظرفیت‌ها استفاده کند و تهدیدها و موانع را برطرف نماید. در غیر این صورت ممکن است رقبا عرصه را از حوزه برابند. مفاد و جهت‌دهی سند ۲۰۳۰ در تقابل با حوزه علمیه است و حوزه باید به بستر فعالیت و رقبایش توجه ویژه داشته باشد.

از این جهت سند ۲۰۳۰ را می‌توان نوعی رقیب کارکردی و هویتی حوزه علمیه دانست. سند ۲۰۳۰ ناظر به سبک زندگی و مبنای توسعه بر اساس مبانی سکولار و غرب‌گرایی است. بر این اساس هم مبنا و هم بنای نظام دینی را هدف قرار داده است و به صورت غیرمستقیم و مستقیم اهداف و برنامه‌های نظام دینی را که حوزه علمیه در صدد تحقق آن است، نشانه رفته است. موضع‌گیری و پیگیری جدی مقام معظم رهبری از این جهت نیز قابل تحلیل است.

از طرف دیگر مقام معظم رهبری در رد و انتقاد سند ۲۰۳۰ از تقی‌زاده‌ها یاد کردند که نمادی از روحانیت روشنفکر و لیبرال است. به عبارت دیگر برخی از گرایش‌ها و افراد که در ظاهر در پایگاه دینی و حوزوی نیز تعریف می‌شوند، ممکن است از این سند دفاع می‌کنند. این مسئله هشدار است بر ابعاد پنهان و اثرگذاری غیرمستقیم سند ۲۰۳۰ که

اعلام خطری جدی در مورد پروژه نفوذ است. از این جهت حوزه علمیه نیز باید مراقب نفوذی‌ها و همچنین جریان روشنفکرانمای دینی نیز در این مسیر باشد. بنابراین سند ۲۰۳۰ از جهات مختلف به حوزه علمیه مرتبط است و حوزه نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد.

### مروری بر محتوای سند ۲۰۳۰

برخی افراد با مطالعه سند اعلام می‌کنند در سند ۲۰۳۰ نکته خلاف ارزش‌های اسلامی نوشته نشده است. به نظر آنها این سند بیشتر ناظر به مسائلی در جهت توسعه فرهنگی و آموزشی است، اما لازم است و رای این الفاظ کلی به این نکته مهم توجه کرد که این سند با نگاه سکولار و لیبرال به حقوق کودک، آموزش و پرورش، زن و خانواده پرداخته است. این عبارات اغلب به صورت «کلی»، با الفاظ «مثبت و انسانی» و لکن با توجه به تعریف مدنظر این سازمان‌ها و نه تعریف مدنظر ما بیان شده‌اند و همین موضوع، باعث شده است مدافعان سند، به انکار تعارض مفاد آن با اصول اسلامی و هویتی ما بپردازند.<sup>۱</sup>

سند ۲۰۳۰ را می‌توان نوعی رقیب کارکردی و هویتی حوزه علمیه دانست که ناظر به سبک زندگی و مبنای توسعه بر اساس مبنای سکولار و غرب‌گرایی است.

برای نمونه چند مورد را بررسی می‌کنیم: در پاراگراف ۵ متن سند، «اصل منع تبعیض» در مورد «افراد دارای سایر عقاید» و یا «افراد آسیب‌پذیر» آمده که طبق تفسیر نهادهای

حقوق بشری سکولار، شامل گروه‌های همجنس‌باز می‌شود.

در پاراگراف ۱۰، موضوع «برابری جنسیتی با حق آموزش برای همه» مطرح شده که علی‌الظاهر به معنای حق آموزش برابر دختران و پسران است، اما در واقع، معنای آن، آموزش دختران و پسران بدون توجه به تفاوت ویژگی‌های طبیعی آنها و نقش‌های متفاوت آنها در آینده در خانواده (پدر - مادر) و اختلاط در مراکز آموزشی است.

آموزش بر مبنای تناسب نیازها و نقش‌های پسران و دختران، طبق پاراگراف ۲۰،

«کلیشه‌های جنسیتی» خوانده می‌شود که باید حذف شود.

۱. ر.ک: توسعه پای داز: نقد و بررسی سند ۲۰۳۰، حسین رضانی، کانون اندیشه، ۱۳۹۸.

طبق پاراگراف ۵۷ سند، دولت‌ها باید تضمین دهند که به بازبینی کتاب‌های درسی، بودجه و سیاست‌گذاری‌های آموزشی و همچنین آموزش معلمان طبق سند پردازند. طبق پاراگراف ۹۷-۱۰۳ کشورها باید در قبال اجرای سند، پاسخگو باشند.

### سند ۲۰۳۰، ابزار نظام سلطه

غرب می‌خواهد دنیا را زیر سیطره خود قرار دهد و به اصطلاح سیاست جهانی‌سازی فرهنگ و اقتصاد را در دستور کار دارد. تاریخ معاصر جهان و خونریزی‌ها و کشورگشایی‌های غرب حاکی از یک روح نفسانیت‌مدار افسارگسیخته است که برای قدرت و ثروت از کشتن و خونریزی و غارت هیچ‌ای ندارد. ماهیت و واقعیت تمدن غرب که آمریکا سردمدار، نماینده و نماد اصلی آن است چیزی جز تجلی نفس‌آماره عنان از کف داده نیست. جریان جهانی قدرت و ثروت امروز تصمیم گرفته است همه دنیا را فتح کند و بشریت را برده و بنده خود کند و به خیال خام خود بر دنیا خدایی و حکمفرمایی مطلق داشته باشد. این دستور کار قطعی شبکه ثروت و قدرت جهانی است.

برای فهم مبانی معرفت‌شناختی استعمار در فرهنگ غرب توجه به این نکته مفید است که مدرنیته در غرب بعد از آن روی داد که انسان غربی دین را از عرصه سیاست و اجتماع کنار گذاشت و به حیطة فردی محدود کرد. به این ترتیب علم، قدرت و تکنولوژی در غرب در بستری کاملاً سکولار شکل گرفت. نتیجه قدرت بدون تقوی، طغیان است. (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَٰغِيٍّ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَىٰ)<sup>۱</sup>

تاریخ استعمار فراز و فرود زیادی داشته و مراحل و شکل‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. به طور کلی استعمار از روش‌های نظامی، مستقیم، سخت و خشن به روش‌های غیرمستقیم و نرم تغییر ماهیت و روش داده است.

در این راستا سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی متعددی تشکیل شده است تا سیاست‌های

۱. سوره علق، آیه ۶ و ۷.

ضدانسانی در قالب دلسوزی‌ها و دستورالعمل‌هایی متمدنانه به دنیا القا شود. ظاهر این اسناد بالادستی، کمک به دیگر کشورها برای قرار گرفتن در مسیر توسعه است ولی باطن آنها حرکت در مسیر انحلال قدرت‌های منطقه‌ای در قدرت واحد جهانی غربی-آمریکایی است. بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای پیروز در این جنگ به دنبال تعریف استعماری جدید برای تسلط بر جهان بودند که بتوانند به راحتی مردم سرتاسر دنیا با افکار، مذاهب و تمدن‌های مختلف را بدون جنگ و خون‌ریزی و به صورت داوطلبانه توسط خود دولت‌ها و با هزینه کمتر کنترل کنند. این کشورها در نهایت متوجه شدند با تصویب قانون مد نظر خود در سازمان‌های بین‌المللی که تحت نفوذ خود هستند و ملزم کردن سایر کشورها به اجرای این قوانین می‌توانند بر آنها مسلط شوند.

یکی از این قوانین که هدف آن کنترل نسل‌های آینده کشورها بر اساس ایدئولوژی و نگاه مد نظر آنها می‌باشد سند ۲۰۳۰ است. این مجموعه اسناد به دنبال سوق دادن جهان به سمت استانداردهای غربی هستند تا همه کشورها بر اساس تعریفی که غرب از انسان و جهان دارد، سامان یافته و اداره شود.

به نظر جریان غرب‌گرا که غرب را قله کمال می‌داند، مسیر پیشرفت ایران پذیرش استانداردهای غربی است؛ هم در حوزه اقتصاد و هم در حوزه تربیت و آموزش و پرورش.

با پذیرش سند، ایران ملزم می‌شود تغییرات مدنظر یونسکو را در نظام آموزشی و فرهنگی کشور اعمال کند که پایه تعارضات فرهنگی و هویتی را در نسل‌های آینده موجب می‌شود تا

آنها با هویت ملی و مذهبی خود بیگانه شوند. تغییر سبک زندگی، تغییرات همه‌جانبه در تفکر عقیدتی، سیاسی، اخلاقی و حتی قوانین مدنی، تبعات دیگر این دومینوی خطرناک است.

سند ۲۰۳۰ مدخل ورودی سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی برای سلطه فرهنگی بر کشورهاست که با تغییر نظام آموزشی آنها صورت می‌پذیرد. اغلب نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بازوهای اجرایی و اطلاعاتی آمریکا و کشورهای غربی هستند. با پذیرش سند، ایران ملزم می‌شود آمارها و اطلاعات مربوط به کودکان، نوجوانان و جوانان خود را به صورت گزارش‌های مداوم به نهادهای بیگانه اعلام کند.

## موضع جریان روشنفکری در مورد سند ۲۰۳۰

روحیه استکباری و استعماری نظام سلطه در قالب بیانیه‌ها و قواعد بین‌المللی در راستای تسلط بر کشورهای دیگر به‌ویژه اسلامی و انقلابی جای تعجب ندارد ولی در این میان آنچه موجب حیرت و اعجاب می‌شود، همراهی برخی روشنفکر مآبان، غرب‌زده‌ها و دولتمردان با این سیاست استعماری است.

جریان غرب‌گرا و غرب‌زده بر این پندار خام است که قله کمال، غرب و تمدن غربی است. اگر ایران نیز بخواهد در مسیر توسعه و پیشرفت مدرن قرار گیرد باید استانداردهای غربی را بپذیرد. این استانداردها تنها در حوزه اقتصاد نیست بلکه شامل عرصه تربیت و آموزش و پرورش هم می‌شود؛ زیرا ما باید «انسان تراز جامعه جهانی» تربیت کنیم تا بتواند استانداردها و دستورالعمل‌های این جهان مدرن را رعایت کند. همین رویکرد سبب شد در دولت‌های مختلف از جمله دولت یازدهم جریانی در پی غرب‌زدگی سیستماتیک کشور باشند و سیاست‌های کلان را ذیل سیاست‌های جهانی تعریف نمایند.

یکی از این تئوریسین‌ها، دکتر محمود سریع‌القلم (مشاور رئیس‌جمهور دولت تدبیر و امید) است. به نظر ایشان نسل آینده ایران باید تغییر کند؛ زیرا نسل فعلی نمی‌تواند دستورکارهای جهانی را اجرا کند. یکی از ویژگی‌های نسل جدید غیرایدئولوژیک بودن است که خروجی آن شهروند غربی منفعت‌گرای دنیاپرست است و با هیچ امری غیر از منفعت شخصی خود کار ندارد؛ همان شهروند غربی‌ای که با پول مالیات او در یمن، غزه و سوریه انسان می‌کشند و از او هیچ صدایی در دفاع از بشریت در نمی‌آید.

از دیدگاه سریع‌القلم «عامل تعیین‌کننده، جایگزینی یک نسل جدید به جای نسل فعلی مدیریت در ایران خواهد بود. دستور کار نسل جدید ایران، یعنی ۲۵ ساله‌های فعلی کاملاً با دستور کار آن افراد فرق می‌کند. اینها نسل غیرفلسفی و غیرایدئولوژیک هستند که به شدت از زندگی لذت می‌برند. اگر همین افراد وارد سیاست شوند، به دنبال حل و فصل مسائل جاری خواهند بود. دنبال عدالت در سطح جهان نیستند. استراتژی این نسل حل و فصل مسائل آمریکای لاتین و مسائل شبه‌قاره و خاورمیانه نیست. این نسل دستور کار



کاملاً متفاوتی دارد. اینها نسلی هستند که مسائل ایران را به شدت عوض خواهند کرد و اولین نسل کارآمد و واقعی سیاسی ایران خواهند بود.<sup>۱</sup>

وی در کتاب «عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران» می‌نویسد: «یکی از دلایلی که نه تنها ایران بلکه کل منطقه خاورمیانه مشکل توسعه یافتگی دارد، این است که در این منطقه، هویت فرهنگی قوی وجود دارد که آمادگی ادغام با فرهنگ جهانی را ندارد. ... اگر یک فرهنگ بلندمدت و باثبات بوده و با فرهنگ جهانی سنخیت نداشته باشد و از سویی با هارمونی اجتماعی‌اش هماهنگ نباشد، مانع توسعه می‌شود.»<sup>۲</sup>

اما از منظر این جریان چگونه باید با فرهنگ جهانی همراه شد؟ پاسخ ایشان پیوستن به فرهنگ جهانی و پذیرش فرآیند جهانی شدن است. اما این جهان به معنای همه

سند ۲۰۳۰ مدخل ورودی سازمان‌های به اصطلاح بین‌المللی برای سلطه فرهنگی بر کشورهاست که با تغییر نظام آموزشی آنها صورت می‌پذیرد.

ملت‌های جهان نیست، بلکه در ادبیات این جریان، جهان مساوی است با آمریکا و چند کشور خاص اروپایی؛ یعنی بنیان‌گذاران استعمار مدرن و استحاله فرهنگ‌های بومی سایر

کشورهای جهان در راستای توسعه قدرت و ثروت غرب و به استثمار کشیدن همه ملت‌های مستقل و با پیشینه فرهنگی و تمدنی. سریع القلم در این باره می‌نویسد:

«جهانی شدن یک جریان و فرآیند نیست. منطق کانونی آن یعنی نوسازی مبتنی بر علم و صنعت و نوآوری. از قرن هفدهم شروع شده است ... غرب جغرافیای اصلی این جریان خطی چندقرن بوده که به تدریج از قرن نوزدهم و به طور گسترده‌ای از نیمه دوم قرن بیستم، کل جهان را دربر گرفته است. .... فلسفه حاکم بر این منطق کانونی، روش افزایش سرمایه و ثروت است که صرفاً در چند قرن اخیر رشد کرده و بر مبانی نظام سرمایه‌داری شکل گرفته است.»<sup>۳</sup>

۱. از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا: تاملی بر مبانی و مولفه‌های شبه‌گفتمان اعتدال، محمدجواد اخوان، ص ۱۵۴.

۲. عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، همان، ص ۲۸۸.

۳. «پیش‌شرط‌های توسعه»، همان، روزنامه دنیای اقتصاد، ۳ اسفند ۱۳۹۲.

اما بخش مهم سخن سریع‌القلم تصریح وی به نفوذ جهانی شدن از اقتصاد به فرهنگ است. اساسا رشد اقتصادی بر اساس مدل غربی بدون هضم شدن در فرهنگ غربی ممکن نیست. وی در این زمینه با صراحت می‌نویسد: «... نکته دوم در فرآیند رشد و تکامل جهانی شدن، مجموعه‌ای بودن ارکان آن و مرتبط شدن تدریجی آن به نظام سیاسی و فرهنگ عمومی است. در واقع جهانی شدن هر چند از یک منظر اقتصادی آغاز شد ولی با گذشت زمان به یک نظام اجتماعی تبدیل گردید. از این منظر جهانی شدن یک سیستم است.»<sup>۱</sup> وی تصریح می‌کند: «فرآیندهای جهانی شدن با ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز در تناقض است.»<sup>۲</sup>

آنچه گذشت نشان می‌دهد که رویکردهای لیبرالیستی جریان روشنفکری در ایران، تنها در عرصه اقتصادی خطرناک نیست بلکه در عرصه فرهنگی آفت‌های بسیار زیادی دارد که به محورگفتمان انقلاب و غربی شدن جامعه ایران منجر می‌شود. از این جهت یکی از رسالت‌های مهم حوزه انقلابی، روشنگری در مقابل جریان‌های معاندگفتمان انقلاب اسلامی مانند جریان لیبرالیستی است؛ چنانکه مقام معظم رهبری در مورد سند ۲۰۳۰ بارها روشنگری کردند.

## سند ۲۰۳۰ در دیدگاه مقام معظم رهبری

### ۱. هشدار نسبت به تصویب محرمانه سند ۲۰۳۰

مقام معظم رهبری ابتدای سال ۱۳۹۶ در دیدار با فرهنگیان و معلمان پرده از تصویب و اجرای محرمانه سندی در حوزه آموزش برداشتند؛ سند موسوم به ۲۰۳۰ که بنا بود به عنوان سندی بالادستی، سمت و سوی آموزش کشور را تغییر دهد. ایشان در این بیانات مهم فرمودند:

این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری

۱. ایران و جهانی‌شدن؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها، همان، ص ۲۱.

۲. همان.

## مروری بر دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد سند ۲۰۳۰

اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه به اصطلاح بین‌المللی ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است.

اگر چنانچه با اصل کار شما نمی‌توانید مخالفت بکنید، حداقلش این است که بایستید بگویید جمهوری اسلامی خودش ممشی دارد، خط‌و‌ربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما می‌دانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد. اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم بی‌سروصدا اجرایی کردن، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول.

**سند ۲۰۳۰ با نگاه سکولار و لیبرال و تعریف مدنظر سازمان‌های غربی و نه تعریف مدنظر ما به حقوق کودک، آموزش و پرورش، زن و خانواده پرداخته است.**

بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ آنها باید مراقبت می‌کردند، نباید اجازه می‌دادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی

آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم. اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مبنا اسلام است، مبنا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که سبک زندگی معیوب ویرانگر فاسد غربی بتواند در اینجا این جور اعمال نفوذ کند. البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند می‌کنند و از طرق مختلف وارد می‌شوند اما [اینکه] این جور به‌طور رسمی سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این‌جوری بکنید، این‌جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله، معنی ندارد این کار.<sup>۱</sup>

## ۲. الزام‌آور بودن سند ۲۰۳۰

برخی در دفاع از سند ۲۰۳۰ آن را سندی غیرالزام‌آور دانسته و مدعی شدند ما با حق تحفظ آن را پذیرفته‌ایم. این ادعا هیچ مناسبتی با متن و محتوای سند نداشت و مورد اعتراض رهبر معظم انقلاب قرار گرفت. ایشان در این باره فرمودند:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷.

چه کسانی هستند اینهایی که دارند سند توسعه پایدار را فراهم می‌کنند؟ چه حقی دارند که درباره کشورها، درباره ملت‌ها، درباره سنت‌هایشان، درباره عقایدشان، اظهار نظر کنند که باید این‌جوری کنید، باید آن‌جوری کنید؛ همه اینها هم «باید» است.

اینکه می‌گویند الزام نیست، این سطحی‌نگری است؛ نخیر، در واقع، همه اینها الزام است و هر کدام از اینها که تحقق پیدا نکند، بعد به‌عنوان یک نقطه منفی به حساب خواهد آمد که «در فلان جدول، ته جدول قرار می‌گیرید؛ فلان امتیاز از شما سلب می‌شود!» همه اینها این‌جوری است؛ در واقع همه اینها «باید» است، ولو در ظاهرش «باید» نباشد.<sup>۱</sup>

## ۲. سند ۲۰۳۰، نفی استقلال کشور

«نفی استقلال ملی» و «آسیب به بنیان‌های فکری و فرهنگی کشور» مهم‌ترین سرفصل‌هایی بودند که دلسوزان ایران و انقلاب را به مقابله با این سند انحرافی وا می‌داشت. مقام معظم رهبری این سند را از همین زاویه نیز نقد کردند و فرمودند:

مسئله «استقلال» هم که من گفتم، خیلی مهم است. حالا همین مسئله ۲۰۳۰ ... از همین قبیل است؛ این مسئله استقلال است. حالا بعضی‌ها می‌آیند می‌گویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده‌ایم یا گفته‌ایم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند، هیچ چیز واضح یقینی هم که مخالف با اسلام باشد وجود نداشته باشد - که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال می‌کنند ما گزارش درست نگرفته‌ایم؛ نه، گزارش‌های ما گزارش‌های درستی است - حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود؛ حرف من این است. شما می‌گویید این مثلاً فرض کنید خلاف اسلام ندارد؛ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، اینجا یک ملت بزرگند. نظام آموزشی ما را چهار نفر در یونسکو یا سازمان ملل یا فلان‌جا بنشینند بنویسند؟ چرا؟ این همان مسئله استقلال است. استقلال ابعادش تا اینجاها است.<sup>۲</sup>

## ۳. دست‌های پشت پرده برای مدیریت جهان

یکی دیگر از عوامل انتقاد از اجرای سند ۲۰۳۰، وجود دست‌های پشت پرده در تنظیم این قبیل اسناد است. کانون‌های قدرت و ثروت در دنیا با پوشش سازمان‌های بین‌المللی و

۱. بیانات در دیدار با اساتید دانشگاه، ۱۳۹۶/۰۳/۳۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷.

در قالب دستورالعمل‌هایی با هدف پیشرفت و توسعه دیگر کشورها، به دنبال تأمین اهداف استعماری خود هستند. این نکته مورد اشاره مقام معظم رهبری قرار می‌گیرد:

این جزئی از یک سند بالادستی سازمان ملل - سند توسعه پایدار- است که یک بخش آن همین سند ۲۰۳۰ مربوط به آموزش و پرورش است. در واقع آنچه اینها در این سند توسعه پایدار - که از جمله این سند ۲۰۳۰ [در آن] هست - طراحی دارند می‌کنند و دست‌اندرکار هستند، این است که یک منظومه فکری و فرهنگی و عملی برای همه دنیا دارند جعل می‌کنند. این را چه کسی می‌کند؟

دست‌هایی پشت سازمان ملل وجود دارد؛ یونسکو اینجا یک وسیله است، یک ویتترین

برای فهم مبانی معرفت‌شناختی استعمار در فرهنگ غرب توجه به این نکته مفید است که مدرنیته در غرب بعد از آن روی داد که انسان غربی دین را از عرصه سیاست و اجتماع کنار گذاشت.

است؛ دست‌هایی نشسته‌اند، دارند برای همه چیز کشورهای دنیا و همه ملت‌ها یک منظومه تولید می‌کنند؛ منظومه‌ای که شامل فکر است، شامل فرهنگ است، شامل عمل است و

این را دارند ارائه می‌دهند و ملت‌ها باید همه بر طبق این، عمل کنند. یک بخش آن هم بخش آموزش و پرورش است که همین سند ۲۰۳۰ است. خب این غلط است.<sup>۱</sup>

#### ۴. انتقاد از اجرای خاموش سند، علی‌رغم هشدارها

مسئله زمانی حساسیت‌آفرین‌تر شد که پس از چندین نوبت سخنرانی و تذکر عمومی مقام معظم رهبری نسبت به اجرای محرمانه این سند و مقاومت‌هایی که برای از دستور کار خارج شدن آن رخ داده بود، خبرهایی از گوشه و کنار می‌رسید که حاکی از اجرای نرم و خاموش سند در کشور داشت. اجرای بی‌سر و صدای سند این بار انتقاد مجدد رهبر معظم انقلاب را در پی داشت. مقام معظم رهبری یک سال پس از تذکر نسبت به تصویب و اجرای محرمانه سند ۲۰۳۰، مجدداً در دیدار با معلمان و فرهنگیان با یادآوری سخنان و هشدارهای سال گذشته خود، فرمودند:

سال گذشته بنده رسماً علناً قاطعاً منع کردم از اینکه این کار انجام بگیرد؛ مسئولین آموزش و

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۶/۰۳/۳۱.

پرورش استقبال کردند، دنبال کردند؛ متها بنده شنیده‌ام در بخش‌های مختلفی، اجزای سند ۲۰۳۰ دارد تحقق پیدا می‌کند؛ این معنایش این است که اختیار مهم‌ترین مسئله کشور در دست دیگران باشد. غیر از این محتوای ۲۰۳۰ - که در آن البته مسائل انحرافی وجود دارد که تردیدی در آن نیست - که اگر همه آن هم درست بود، معنا نداشت که یک کشوری مثل ایران، با این فرهنگ، با این سابقه، با این نظام مقتدر و عزیز اسلامی، برنامه‌های آموزش و پرورش خود را و سند آموزش خود و پرورش خود را از دیگرانی که نشسته‌اند و با اغراض گوناگون - حالا یا اغراض سیاسی یا اغراض گوناگون فاسد دیگر - یک چیزی تهیه کردند، از آنها بگیرد؛ چنین چیزی معنی ندارد.<sup>۱</sup>

#### ۵. تقی‌زاده‌های زمان، مروجین سند ۲۰۳۰

چه کسانی مروج این سند بوده و هستند؟ مگر ممکن است کسی به استقلال یک ملت و عظمت آن معتقد باشد ولی نسخه اداره زیربنایی‌ترین امر در کشورش را از بیگانه تمنا کند؟ سوگمندان باید گفت عده‌ای که دل در گرو غرب دارند و تمدن مدرن را آرمان‌شهر خود قلمداد می‌کنند، راه پیشرفت و سعادت را در پرستش همه‌جانبه غرب و تسلیم تمام‌قد در برابر آن می‌دانند. مقام معظم رهبری از این طیف با عنوان «تقی‌زاده‌ها» یاد می‌کند. ایشان در توصیف این جماعت می‌فرمایند:

البته در داخل متأسفانه بعضی‌ها غرب را بزرگ می‌کنند، بدی‌های غرب را توجیه می‌کنند، رتوش می‌کنند، نمی‌گذارند افکار عمومی متوجه بشود که همین دولت‌های ظاهرالصلاح مثل فرانسه، مثل انگلیس، مثل دیگران در باطنشان چقدر شیطنت و شرارت وجود دارد؛ مطبوعات‌چی‌ها بینشان هست، رسانه‌ای‌ها بینشان هست؛ مثل تقی‌زاده. در دوره طاغوت، آدمی مثل تقی‌زاده، به این مضمون گفت که ایران باید از فرق سر تا ناخن پا غربی بشود؛ یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی‌زاده‌های جدید از این حرف‌ها می‌زنند؛ البته به این صراحت نمی‌گویند اما مضمون حرفشان این است.

آنهایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روش‌های غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزریق می‌کنند، پمپاژ می‌کنند، اینها همین تقی‌زاده‌های جدیدند. آنهایی که پشت سر سند ۲۰۳۰ -

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۷/۲/۱۷.

## مروری بر دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد سند ۲۰۳۰

سند ۲۰۳۰ یعنی برگرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی - می‌ایستند، همان تقی‌زاده‌های امروز هستند؛ البته امروز به توفیق الهی جوان‌های مؤمن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرفشان به کرسی بنشیند.<sup>۱</sup>

### ۶. سند ۲۰۳۰ یعنی تربیت سرباز برای تمدن غرب

مقام معظم رهبری ضمن توصیف راهبردی از جایگاه معلم و عنصر تربیت نسل در آینده یک کشور به نقش بنیادین سند ۲۰۳۰ در تربیت نسلی با معیارهای مدرن و غربی اشاره داشته و فرمودند:

عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصاً مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم می‌شود. لُب کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه حیات را بر اساس مبانی غربی به کودک بیاموزد. این آن لُب کلام در سند ۲۰۳۰ است. یعنی چه؟ یعنی جنابعالی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درستان سرباز برای غرب درست کنید. اینکه روی سند ۲۰۳۰ این قدر اصرار دارند و کار می‌کنند، آشکار و غیرآشکار سعی می‌کنند این را تحکیم کنند بر مناسبات کشورها از جمله کشور ما، این معنایش این است؛ چون دستورات و توصیه‌ها و نکات اصلی موجود در این سند برای آموزش و پرورش این است که آموزش و پرورش باید جوری مناسبات فکری شاگردان را تنظیم کند که فلسفه زندگی‌شان، اساس زندگی‌شان، مفهوم حیات در نظرشان، طبق تفکر غربی باشد.<sup>۲</sup>

### ۷. سند تحول آموزش و پرورش، سند جایگزین

اگر ما به مواردی مانند سند ۲۰۳۰ نه می‌گوییم آیا به غیر از موضع انفعال و نفی در مورد اینجانب هم سخنی داریم؟ مقام معظم رهبری در پاسخ به چنین ابهام و پرسشی سند تحول آموزش و پرورش را مطرح نموده و می‌فرمایند:

در آموزش و پرورش ما همان روزی هم که تازه بود و این‌جور فرسوده و کهنه و زمان‌گذشته و آسیب‌دیده نشده بود، عیوب اساسی‌ای وجود داشت که همان عیوب هم تا

۱. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۸/۰۱/۱.

۲. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱.

امروز باقی مانده. وسیله این تحول، در درجه اول عبارت است از سند تحول. ... آن طور که به من گزارش شده است، تاکنون کمتر از ده درصد از امکان تحقق این سند و از محتوای این سند، تحقق پیدا کرده؛ درحالی که چند سالی می‌گذرد از تصویب این سند. خیلی کم کار شده در این زمینه؛ باید کار بشود. ... آنچه من مطالبه می‌کنم و توقع دارم از دستگاه آموزش و پرورش، این است که زمان‌بندی کنید؛ یک زمانی را مشخص کنید و بگویید تا چه مدتی این سند، تحقق کامل پیدا خواهد کرد. ... یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، [این است که] بدنه آموزش و پرورش با این سند تحول آشنا بشوند.<sup>۱</sup>

### منابع

۱. از مکتب نیوران تا کابینه توسعه‌گرا: تاملی بر مبانی و مولفه‌های شبه‌گفتمان اعتدال، محمدجواد اخوان، تهران، دیدمان، ۱۳۹۵.
۲. عقلا نیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، محمود سریع‌القلم، تهران، فروزان‌فر، ۱۳۹۵.
۳. «پیش شرط‌های توسعه»، محمود سریع‌القلم، روزنامه دنیای اقتصاد، ۳ اسفند ۱۳۹۲.
۴. ایران و جهانی‌شدن؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها، محمود سریع‌القلم، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۲.





## چرا #اعدام\_نکنید!؟

بررسی مبانی مشروعیت مجازات اعدام از منظر حقوق اسلامی

محسن هنرجو<sup>۱</sup>

### مقدمه

در سال‌های اخیر، با اجرای مجازات اعدام (چه افراد مشهور و چه غیرمشهور) کمپینی علیه آن در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، با عنوان «#اعدام\_نکنید» به شکل گسترده و برنامه‌ریزی شده فعال می‌شود. ضدانقلاب خارجی و جریانات معاند داخلی پس از کسب موفقیت در ترند شدن هشتگ «اعدام نکنید» و در نتیجه اعمال فشار بر دستگاه قضایی کشور، در حال تبدیل کردن این روش به رویه همیشگی هستند.

در شهریور ۱۳۹۹، برخی افراد در جریان حوادث آبان ۱۳۹۸ به اعدام متهم شدند، ولی فشار رسانه‌ای و تبلیغاتی رسانه‌های غربی و همراهی برخی عوامل نفوذی داخلی (سلبریتی‌های نفوذی غرب‌گرا) جو اجتماعی را علیه این اقدام شکل داد و در نتیجه حکم اعدام متوقف شد.

رسانه‌های خارج از کشور نیز این جریان را پوشش خبری می‌دهند تا فرد محکوم را مظلوم جلوه دهند (عوض شدن جای جلاد و شهید) و با ایجاد تقابل بین قوه قضائیه و افکار عمومی جامعه، قوه قضائیه را منفعل کنند و اقدامات آن را غیرعادلانه و نامشروع جلوه دهند. افزون بر این با ایجاد فشار تبلیغاتی و انحراف اذهان عمومی جلوی اجرای

---

۱. دانش‌آموخته حوزه، عضو لجنه حقوق مرکز بسیج اساتید و نخبگان حوزه علمیه قم.

حکم را بگیرند یا در صورت شکست (مانند اعدام نوید افکاری)، قضات پرونده، زندان و سایر مسئولین و نهادها را تحریم کنند!

این جریان طیف گسترده‌ای از مخالفین نظام را دربر دارد، به عنوان مثال در موارد متعدد، رئیس جمهور آمریکا با اجرای اعدام در ایران مخالفت کرده است؛ در حالی که در داخل کشورش به کشتن مظنونین توسط پلیس بدون محاکمه قضایی دستور می‌دهد. جالب‌تر اینکه همزمان با ادعای محکوم کردن اعدام، در کشورش حکم اعدام در حال انجام است! یا در طرف دیگر مریم رجوی مخالف اعدام است و به تصویر یک اعدامی ادای احترام می‌کند؛ در حالی که سالیان زیادی است دست سازمان منافقین به خون مردان و زنان کشورمان آلوده است.

هرچند هدف مستقیم این جریان به چالش کشیدن نظام حقوقی اسلام و ایران و لغو مجازات سالب حیات است اما با بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های آن مشخص است هدفی عمیق‌تر بلکه عمدتاً سیاسی را پیگیری می‌کند. در یک نگاه کلی، این جریان با «مشروعیت زدایی» از دستگاه قضایی به دنبال مشروعیت‌زدایی از کل نظام جمهوری اسلامی ایران است. این اعتراضات بیشتر سیاسی است تا حقوقی و شیوه استدلالی آن نیز رسانه‌ای است، نه علمی و حقوقی.

از این رو، این چالش دارای ماهیتی دوگانه و در حقیقت در دو سطح مطرح شده است:

۱. حقوقی و سیاست کیفری: در این سطح بحث در مورد مشروعیت و ضرورت مجازات سالب حیات در نظام حقوقی اسلام و ایران است. این بخش بر عهده فقها و حقوق‌دانان و در حیطه آکادمیک و علمی قابل طرح، بررسی و تاثیرگذاری است.

۲. رسانه‌ای: رسانه‌ای کردن چالش اعدام و کشاندن مباحث عمیق و مبنایی به سطح عموم جامعه، سبب شده است مردم درباره مشروعیت و جایگاه اعدام در نظام کیفری کنجکاو شوند و به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی در این باره باشند.

پس مطلوب است در این سطح نیز با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی مفاهیم و پیام‌های سطح اول، به جامعه شبکه‌ای منتقل شده و در برابر هجمه‌های رسانه‌ای آنها، در پویش بزرگتری با سپر استدلال مقابله به مثل شود.

نوشته حاضر عهده‌دار انجام رسالت در سطح اول و تبیین جایگاه مجازات سالب حیات و پاسخگویی به چالش‌های آن است.

با پیدایش مکاتب مختلف جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی در سده‌های اخیر، در اصل مجازات، اهداف و مبانی آن، رویکردهای مختلف و کاملاً متفاوتی نسبت به قبل اتخاذ شد حتی نسبت به ماهیت مجرمین و برخورد با آنان و لزوم توجه به اصلاح و تربیت آنان تحول چشمگیری روی داد. یکی از مهم‌ترین این تحولات، تغییر نگرش‌ها درباره مجازات سالب حیات یا به اصطلاح مجازات مرگ بود که امروزه نیز مورد انتقاد است و لغو چنین مجازاتی از قوانین کیفری کشورها طرفداران زیادی دارد.

نظام حقوقی اسلام از موافقان حکم اعدام است، اما موافقت با چنین مجازاتی به این معنا نیست که اسلام برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیست.

با شروع این تحولات جدید در رابطه با جرم، مجرم و مجازات، قوانین کیفری اسلام نیز از این تغییرها در امان نماند و با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شد. در این نوشته، چالش‌های

عمومی مجازات سالب حیات، ابتدا از نگاه درون‌دینی تحلیل و در ادامه با تحلیل جرم‌شناسانه، دیدگاه‌های موافق و مخالف بررسی خواهد شد.

### حق حیات و جهان‌بینی اسلام

در حقوق کیفری اسلام، مجازات سالب حیات به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. اعدام قصاصی: در قبال قتل عمد اجرا می‌شود و در فقه برای آن شرایط خاصی مشخص شده است.
۲. اعدام حدی: در مورد حدودی است که مجازات تعیین شده آنها، مرگ است؛ اعدام‌های حدی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:
  - الف. جرائم جنسی؛ شامل زنا (زنای محصنه یا با محارم یا به عنف و یا غیرمسلمان با زن مسلمان) و لواط؛
  - ب. جرائم علیه دین و امنیت اجتماعی؛ شامل محاربه و ارتداد؛
  - ج. تکرار جرم حدی؛ برای نمونه: در صورت تکرار سه بار زنا، برای دفعه چهارم، حد اعدام جاری می‌شود.

۳. اعدام تعزیری: مجازات سالب حیاتی است که از سوی حاکم معین می‌شود و ممکن است علل مختلفی داشته باشد؛ مانند: مصلحت فرد و جامعه و افساد فی الارض. رویکرد حق حیات در اسلام با حقوق سکولار از حیث مبنا متفاوت است. حقوق سکولار به دلیل نوع نگاهی که به انسان و هستی دارد و هدف از حقوق را تنها تامین سعادت در همین جهان می‌داند، چنین نتیجه می‌گیرد که هیچ قانونی نمی‌تواند انسانی را به مرگ و نیستی محکوم کند حتی اگر آن انسان مرتکب قتل و جنایت شده باشد. در نگرش حقوق الهی و خدامحور، حق حیات یعنی اینکه هر انسانی حق دارد که زنده باشد و دیگران مکلف‌اند که زندگی او را محترم بشمارند و آن را به مخاطره نیندازند. اساساً انسان از آنجا که در حیطه مالکیت خدا قرار دارد و از خود هیچ گونه استقلال وجودی ندارد، هیچ‌گونه حق مستقلی برای حیات ندارد و حق حیات آدمی در طول حقی است که خداوند برای انسان در نظر گرفته است. در این صورت، انسان نمی‌تواند صیانت از این حق را در برابر خداوند نیز برای خود قائل باشد. در مورد تقابل این حق در بین انسان‌ها، قبح و حرمت قتل نفس محترمه که گناهی را مرتکب نشده باشد در ارتباط انسان‌ها با یکدیگر قابل قبول است، نه در ارتباط بین خداوند با انسان‌ها. چنین نگرشی در حقوق در صورتی پدیدار می‌شود که نقش خالقیت و مالکیت خداوند در عالم هستی لحاظ شود و گرنه حق حیات همان‌گونه که در اعلامیه حقوق بشر غربی آمده است، حقی ذاتی است که به هیچ عنوان از جانب انسان‌ها قابل سلب نیست. کسی حق قانونگذاری در مورد حق حیات و تعیین موارد اعطای این حق و گرفتن آن را دارد که حقیقتاً قیمومیتی در مورد انسان‌ها داشته باشد. این قیمومیت در حقوق اسلامی به ویژه در حقوق کیفری مشاهده می‌شود. بنابراین سلب حیات از طرف مالک و صاحب اختیار انسان‌ها، کاملاً مشروع و مجاز است.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: نظریه حقوقی اسلام، مصباح بزدی، ج ۱ ص ۱۱۰.

در مکتب حقوقی اسلام ارزش انسان بسیار در خور توجه است تا جایی که حرمت مومن از کعبه بالاتر دانسته شده است.<sup>۱</sup> این حرمت و کرامت تا زمانی است که فرد از حریم خود تجاوز نکند و حقوق افراد و جامعه را نقض ننماید. خداوند که خالق هستی است حفظ حرمت و شأن همه بندگان را مد نظر دارد. اگر شخصی با این خواسته خداوند مخالفت و به جان، مال و ناموس دیگر بندگان خدا تعدی کند، از جانب خداوند حرمت، شأن و کرامتی ندارد. از این رو خداوند می فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»<sup>۲</sup>

این آیه شریفه افزون بر اینکه عمق حرمت حیات حتی یک انسان را در نزد خداوند

قصاص و اعدام با شرایط و خصوصاتی  
مانند امکان گذشت، توبه و عفو  
پیش‌بینی شده است و هیچ تعارضی با  
احترام و ارزش حیات انسانی ندارد.

روشن می کند به این نکته اشاره دارد انسانی دارای حرمت و شأن است که به حیات دیگران تجاوز نکند و موجب فساد در زمین نشود. در غیر این صورت گرفتار غضب و لعنت خداوند

می شود و هیچ حرمت و شأنی نخواهد داشت: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَتَعْمَدًا فَجَزَاءُ هُ جَهَنَّمَ خَلدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعْنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»<sup>۳</sup>

در آیه دیگری ضمن تأکید بر اینکه خداوند برای حیات انسان حرمت و شأن قائل شده و تجاوز به حیات هیچ انسانی روا نیست می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ الْآبَالِحِقِّ وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»<sup>۴</sup> هیچ کس نمی تواند نسبت به ارزش و حرمت حیات بشریت از خداوند دلسوزتر نیست. خداوندی که کشته شدن یک انسان نزد او برابر با کشته شدن تمام انسانهاست و حتی نسبت به حیات یک جانی و قاتل نیز توصیه می کند، حکم اعدام و قصاص او نیز در راستای رعایت حرمت حیات انسانی است.

۱. المؤمن اعظم حرمة من الكعبة. (خصال، شیخ صدوق، ترجمه مدرس گیلانی، ص ۲۱، ح ۹۰)

۲. سوره مائده، آیه ۳۲.

۳. سوره نساء، آیه ۹۳.

۴. سوره ابراء، آیه ۳۳.

قصاص و اعدام با شرایط و خصوصیاتى مانند امکان گذشت، توبه و عفو پیش‌بینی شده است و هیچ تعارضی با احترام و ارزش حیات انسانی ندارد بلکه دقیقاً در راستای احیای این حیثیت و ارزش است. حرمت و کرامت بشری هدیه ای الهی است که پیش از هر کس، خود انسان باید آن را پاس بدارد. چنین نیست که انسان هرگونه رفتار کند باز در حریم کرامت انسانی باقی بماند بلکه این کرامت تابع حدودی است که خالق آن یعنی خداوند مشخص کرده است.

بنابراین در نظام حقوقی اسلام، حق حیات انسان‌ها، ذاتی نیست بلکه از طرف خداوند است که بنابر اراده تشریحی خود، می‌تواند با وضع مقرراتی آن را پس بگیرد. این ایراد که جامعه و دولت چه حقی دارد که حیات انسانی را بگیرد، وارد نیست، چه اینکه در حقیقت حکم خداوند است که در جامعه اجرا می‌شود.

## تحلیل جامعه‌شناسانه مجازات سالب حیات

### الف) مبانی مشروعیت مجازات اعدام

مخالفان مجازات مرگ و مدعیان نوع‌دوستی انسان‌ها در دفاع از حق حیات انسان‌ها چنین استدلال می‌کنند که «حیات، هدیه خداوند به انسان‌هاست و هیچ‌کس، حتی دولت‌ها حق محروم کردن انسان‌ها را از این موهبت الهی ندارند»<sup>۱</sup> بر اساس مواد ۳ و ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، مجازات اعدام تجاوز به حقوق بنیادی انسان است: «هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است»<sup>۲</sup>.

سزار بکاریا در فصل شانزدهم کتاب خود، می‌نویسد: «این حقی که افراد آن سر هم‌نوع خود را می‌برند از کجا بر می‌خیزد؟ مسلماً این حق مبنای حاکمیت و قوانین نیست. قوانین همان مجموعه اجزای آزادی، یعنی کوچک‌ترین جزء آزادی است که هر کس توانسته است به جامعه واگذارد. قانون نماینده اراده عامه است که آن خود نیز از

۱. اسلام و دفاع اجتماعی، سید محمدعلی ابهری، ص ۳۱۵.

۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳.

مجموع اراده‌های افراد پدید آمده. از این رو، باید پرسید: چه کسی به افراد دیگر حق داده است که حیات او را از وی باز گیرند؟ چگونه کوچک‌ترین جزء آزادی هر کس می‌تواند شامل حق حیات - یعنی بزرگ‌ترین مواهب - شود و اگر این راست باشد چگونه می‌توان آن را با اصلی دیگر هماهنگ کرد که می‌گوید: بشر حق خودکشی ندارد و حال آنکه اگر بتواند معطی این حق به جامعه باشد باید خود فاقد آن نباشد. از این رو، هیچ حقی مجازات مرگ را تجویز نمی‌کند.<sup>۱</sup>

پاسخ به این سؤال، با توجه به مباحثی که در بخش قبل بیان شد مشخص می‌شود. بر این اساس در نظام کیفری اسلام، دولت و جامعه حیات انسانی را سلب نمی‌کند، بلکه خداوند که آفریننده و صاحب‌اختیار انسان‌هاست، این قوانین را وضع کرده و این جز تصرف در ملک خود نیست.

با پیدایش مکاتب مختلف جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی در سده‌های اخیر، در اصل مجازات، اهداف و مبانی آن، رویکردهای مختلف و کاملاً متفاوتی نسبت به قبل اتخاذ شد حتی نسبت به ماهیت مجرمین و برخورد با آنان.

همچنین بر اساس جرم‌شناسی مدرن،

حقوقدانان حبس بلندمدت یا حبس ابد را به جای اعدام پیشنهاد می‌دهند، لکن آزادی نیز هدیه خداوند به بشر است، ولی بر مبنای ذاتی بودن و غیرقابل سلب بودن حقوق بنیادین، نباید مجرم را تبعید یا زندانی کرد.<sup>۲</sup> افزون بر این اگر هدف از گرفتن حیات از یک نفر، دادن حیات به چندین نفر باشد، این سلب کردن حیات هیچ معنی ندارد و افراد یا دولت‌ها این حق را خواهند داشت تا مجرم را اعدام کنند.

مخالفان مجازات‌های سالب حیات می‌گویند مجازات اعدام کشتن انسان‌هاست و کشتن بد است و هیچ کس حق ندارد حق حیات دیگری را از او سلب کند. این استدلال صحیح نیست؛ زیرا موارد نقض دارد؛ مانند کشتن متجاوز در فرض دفاع مشروع یا در جنگ. پس نمی‌توان به طور مطلق به بدی کشتن حکم کرد، بلکه برخی از انواع کشتن مجاز و حتی موافق عدالت است. به همین دلیل، در قوانین اغلب کشورها، قتل به دلیل

۱. رساله جرایم و مجازات‌ها، سزار بکاریا، ترجمه محمدعلی اردبیلی، فصل شانزدهم.

۲. حقوق بین‌الملل کیفری، محمدعلی اردبیلی، ص ۳۷۲-۳۷۳.

دفاع مشروع مجاز شمرده شده است. در جنگ ها نیز هیچ کشوری در مقام دفاع از خود در کشتن نیروهای کشور متجاوز، تردید نمی کند. از این رو با رد کبرای استدلال مخالفان، نتیجه ای به دست نمی آید.

مشروعیت سلب حیات مهاجم از آنجا ناشی می شود که عقل و اخلاق، دفاع از خود را جایز می شمارند و حفظ حیات را واجب می دانند. شرف و مقام انسانی هر فرد وقتی محترم است که از جایگاه انسانی خود تنزل نکند.

سن توماس معتقد است: «اگر جامعه برای زندگی نوع بشر ضرورت باشد باید از تمام حقوق لازم برای حفظ و صیانت آن از گزند اشخاص برخوردار باشد. استدلال مخالفان مجازات اعدام صحیح به نظر نمی آید و نتیجه آن لغو تمام مجازات های سالب آزادی است؛ زیرا جامعه به انسان آزادی عطا نکرده، بلکه انسان ذاتا و فطرتا آزاد خلق شده است. البته برای انسان، حق حیات و بهره مندی از آزادی یک نعمت خدادادی است، ولی این دو حق محدودند به حق حیات سایرین و رعایت آزادی آنان و چنانچه از حد تجاوز نمایند از وی سلب می شوند و متجاوز باید به کیفر خود برسد.»<sup>۱</sup>

مجازات اعدام در موارد خاص به منظور دفاع از حیات طیبه الهی است که ارزشی به مراتب برتر از حیات مادی دارد و در نهایت، به منظور دفاع از حقوق بنیادین بشر است. شخصی که جرمه یا زندانی و یا اعدام می شود، به مال، آزادی یا جان او به مثابه یک ارزش انسانی تعرض می شود، اما مجازات ها، که تعرض به ارزش های انسانی افراد هستند، در صورتی عقلایی اند که در دفاع از ارزشی برتر، یا دست کم متناسب و برابر اجرا شوند. اعدام و مجازات یک یک جنایتکار حتی از نظر غرب سکولار نیز به منظور دفاع از ارزش های مهم تر، امری پذیرفتنی، عقلایی و ضروری قلمداد می شود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که رتبه بندی ارزش ها در هر نظام متفاوت است. برخی نظام ها مثل کمونیسم که برای اقتصاد و نظام حاکم بر اموال، ارزش بسیاری قایل اند، چه بسا برای کسانی که در شرایط خاص منحل امنیت اقتصادی هستند، مجازات اعدام

۱. «مجازات اعدام بر اساس کنفرانس بین المللی سیراکیز ایتالیا»، منوچهر خزائی: [www.hoghooghdanan.com](http://www.hoghooghdanan.com)



پیش‌بینی کنند. تقریباً همه کشورهای اروپایی، جزو پیمان ناتو هستند که به آنها اجازه می‌دهد به بهانه مبارزه با شخص یا کشوری که دشمن تشخیص داده‌اند، به یک کشور حمله کنند. بنابراین، حتی از نظر حقوق بشر غربی نیز حیات آدمی ارزش بلامنازع نیست، بلکه برخی جرایم وجود دارد که ارزش جان بشر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> هر جامعه‌ای با توجه به ارزش‌های خود، قانون وضع می‌کند و مجازات تعیین می‌کند و این قوانین در مواردی که از اهمیت بالاتری برخوردار باشد، شدیدتر می‌شود.

### ب) اعدام و اصلاح مجرم

یکی از اهداف مجازات، اصلاح، تربیت و بازگشت او به جامعه است، درحالی‌که با

در نظام کیفری اسلام، دولت و جامعه حیات انسانی را سلب نمی‌کند، بلکه خداوند که آفریننده و صاحب اختیار انسان‌هاست، این قوانین را وضع کرده و این جز تصرف در ملک خود نیست.

مجازات مرگ، کسی را که می‌توانستیم اصلاح کنیم [بزهکار] از بین برده‌ایم.<sup>۲</sup>

مارک آنسل نیز یکی از علل الغاء مجازات اعدام را به همین شکل بیان می‌کند: «در بعضی

از کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ مجرمی، حتی مرتکب جنایات مهم را نیز نمی‌توان غیرقابل اصلاح دانست.»<sup>۳</sup>

روش‌های اصلاح و درمان بزهکار، امروزه بیشتر به افسانه می‌ماند و نتایج قابل قبولی ارائه نکرده است.<sup>۴</sup> علاوه بر این زنده نگه داشتن مجرمان و بزهکاران حرفه‌ای، خطرات و هزینه‌های هنگفتی برای جامعه به همراه دارد که با امید اندک اصلاح آنان جبران نمی‌شود. همچنین لغو اعدام جنایتکاران موجب از بین رفتن احساس عدالت در جامعه و بروز بحران انتقام خصوصی خواهد شد.

با این وجود در نظام حقوقی اسلام به قابلیت اصلاح بزهکار توجه ویژه شده و «توبه»

۱. «بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر»، محمدرضا باقرزاده، محمدرضا کدخدایی، ص ۳۹-۶۷.

۲. مجازات اعدام، امیر اعلانی، ص ۱۳۲.

۳. مجازات اعدام، مارک آنسل، ص ۷۱.

۴. اسلام و دفاع اجتماعی، سیدمحمدعلی احمدی ابهری، ص ۳۲۴.

از عوامل سقوط مجازات به ویژه مجازات حدی است. در موردی که جرم شخصی با اقرار ثابت شده باشد، حاکم اسلامی حق عفو دارد. امام هادی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

وَأَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي اعْتَرَفَ بِاللُّوْطِ فَإِنَّهُ لَمْ يَقُمْ عَلَيْهِ الْبَيِّنَةُ وَإِنَّمَا تَطَوَّعَ بِالْإِقْرَارِ مِنْ نَفْسِهِ وَإِذَا كَانَ لِلْإِمَامِ الَّذِي مِنْ اللَّهِ أَنْ يَعْقِبَ عَنِ اللَّهِ كَانَ لَهُ أَنْ يَمُنَّ عَنِ اللَّهِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ<sup>۱</sup> و اما مردی که خود بدون آنکه بینهای علیه او اقامه گردد بر عمل لواط اقرار کند، امامی که از سوی خدا تعیین شده وقتی می‌تواند از جانب خداوند به مجازات این مرد اقدام کند به همان نسبت می‌تواند از طرف خداوند او را ببخشد. آیا سخن خداوند (سوره ص، آیه ۳۹) را نشنیده‌ای که این بخشش و تحفه ماست، پس ببخشا یا امساک کن بدون حساب.

همچنین اگر بزهکار قبل از دستگیر شدن توبه کند، حد از او ساقط می‌شود. این مسئله در احادیث و روایات متعددی بیان شده است؛ مانند: «عن جمیل بن دراج عن رجل عن احدثهما علیهما السلام فی رجل سرق او شرب الخمر او زنی فلم يعلم ذلك منه و لم يؤخذ حتى تاب و صلح فقال: اذا صلح و عرف منه امر جمیل، لم یقم علیه الحد...»<sup>۲</sup> جمیل بن دراج از امام باقر یا صادق علیهما السلام درباره مردی که دزدی کرده یا شراب نوشیده و یا زنا کرده ولی کسی از آن آگاه نگردید و دستگیر هم نشد تا اینکه توبه کرده و صالح شده نقل کرده است که اگر صالح شده و رفتار شایسته از او دیده شود، حد بر او جاری نمی‌گردد.

## دلایل موافقین اعدام

### نقش بازدارندگی

جامعه با اعمال تنبیهاتی که شدیدتر از مزایای یک جرم است می‌تواند جلوی وقوع آن جرم را بگیرد که معمولاً در دو سطح اجتماعی و فردی اثرگذار است. در سطح فردی مجازات بازدارنده بوده و باعث می‌شود مجرم در آینده دوباره مرتکب جرم نشود. (البته

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۸، ص ۴۲.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۳۲۸.

این موضوع در اعدام به دلیل کشته شدن مجرم منتفی است) در سطح اجتماعی مجازات پیشگیرانه است و باعث می‌شود که سایرین درس گرفته و دست به انجام آن جرم نزنند. موافقین اعدام در آمریکا در این زمینه به گزارش‌هایی اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد برخی مجرمین برای انجام جرم ایالاتی را انتخاب می‌کنند که اعدام در آنها ممنوع شده است. همچنین آنها به تحقیقاتی استناد می‌کنند که کاهش تعداد قتل را در ایالاتی که اعدام در آنها انجام می‌شود نسبت به سایر ایالات نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> همچنین برخی معتقدند که وجود مجازات سخت در قوانین، اگر اجرای آن حتمی باشد، بازدارندگی پیشگیرانه دارد و لزوماً به اجرای مجازات منتهی نخواهد شد.

### نقش تلافی‌جویانه

نقش تلافی‌جویانه اعدام (قصاص) بیان‌گر این موضوع است که برای افراد مجرم باید مجازاتی متناسب با تبعاتی که جرم آنها به وجود آورده اجرا شود. اجرای مجازات اعدام تسلی‌بخش بازماندگان قربانیان است.<sup>۲</sup>

### نقش امنیتی و اجرای عدالت

نقش امنیتی اعدام که ناشی از اثر بازدارنده آن است به این نکته اشاره دارد که با اعدام قاتلین افراد بسیاری از به قتل رسیدن توسط آنها در امان خواهند ماند. تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از قاتلینی که بخشیده شده‌اند دوباره مرتکب قتل شده‌اند.<sup>۳</sup> مجازات اعدام تضمین‌کننده عدالت نسبی بشری است. برای مجرمی که با سنگدلی و قساوت جان فرد دیگری را گرفته، اعدام تنها مجازاتی است که می‌توان امیدوار بود به وسیله آن عدالت اجرا شده است؛ زیرا در این صورت مجرم به عنوان کفاره گناه خود

1. Is Capital Punishment Justified?, Eric Sissom, 2007.

2. Reasons for Supporting and Opposing Capital Punishment in the USA: A Preliminary Study, Eric G. Lambert, Alan Clarke & Janet Lambert, Internet Journal of Criminology (IJC), 2004.

3. Is Capital Punishment Justified? Eric Sissom, 2007.

همان چیزی را از دست می‌دهد که از دیگری سلب کرده است. افزون بر این از انتقام‌جویی و دادگستری خصوصی نیز پیشگیری شده است.

### جمع‌بندی

نظام حقوقی اسلام از موافقان حکم اعدام است، اما موافقت با چنین مجازاتی به این معنا نیست که اسلام برای جان انسان‌ها ارزشی قائل نیست، زیرا اسلام در این جهت، از میان مکاتب دیگر شاخص است تا آنجا که کشتن یک انسان بی‌گناه را گناهی عظیم و با کشتن همه انسان‌ها برابر می‌داند.<sup>۱</sup>

هدف و فلسفه اعدام مجرمان از دیدگاه اسلام رفع فساد و پاک شدن جامعه از آلودگی‌هایی است که حیات و زندگی اجتماعی را تهدید می‌کند همچنین حفظ حریم‌ها و ارزش‌های جامعه. اسلام به جهت اهمیت جان انسان‌ها، در مورد مجازات سالب حیات از جهت ادله اثبات، راه کارهای خاصی اتخاذ کرده است و همچنین قواعد ویژه‌ای را در سیاست جنایی خود اندیشیده است تا کمترین تضییع حقی نسبت به متهمان صورت گیرد. فلسفه دیگر اعدام در اسلام این است که چنین مجازاتی، به خاطر داشتن جنبه‌ی بازدارندگی آن موجب حیات انسان‌هاست؛<sup>۲</sup> زیرا مجرمان از ترس مجازات مرگ و قصاص، به خود اجازه نمی‌دهند، جرائمی را مرتکب شوند که خط قرمز جامعه دینی اسلامی است و امنیت اخلاقی و عمومی جامعه را به هم می‌زند. افزون بر این اجرای مجازات اعدام جنبه عبرت‌آموزی و پیشگیرانه خواهد داشت.

با توجه به اینکه مجازات سالب حیات (اعدام) غیرقابل بازگشت و جبران‌ناپذیر است، باید این مجازات در حد ضرورت و با اعمال دقت فراوان اجرا شود تا از بروز هرگونه اشتباه و تبعیضی جلوگیری شود. البته حکومت نیز نباید با تکیه بر جنبه پیشگیرانه مجازات شدید، وظیفه خود را در شناسایی و از بین بردن عوامل جرم‌زا و تلاش در جهت اصلاح مجرمان و بازگرداندن آنها به دامن اجتماع به فراموشی بسپارد.

۱. سوره مائده، آیه ۳۲.

۲. وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (سوره بقره، آیه ۱۷۹)

## منابع

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸.
۲. اسلام و دفاع اجتماعی، سیدمحمدعلی ابهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۳. «بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر»، محمدرضا باقرزاده، محمدرضا کدخدایی، معرفت حقوقی، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰.
۴. حقوق بین‌الملل کیفری: گزیده مقالات ۱، محمدعلی اردبیلی، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۵. خصال صدوق، محمد بن علی بابویه شیخ صدوق، تهران، انتشارات جاویدان، بدون تاریخ.
۶. رساله جرائم و مجازات‌ها، سزار بکاریا، مترجم محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.
۷. مجازات اعدام، امیر علائی، شمس‌الدین؛ چاپ اول. تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۷.
۸. نظریه حقوقی اسلام، محمدتقی مصباح یزدی، جلد اول، چاپ ششم ۱۳۹۶.
۹. وسایل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹.
10. Is Capital Punishment Justified? Eric Sissom, 2007.
11. Reasons for Supporting and Opposing Capital Punishment in the USA: A Preliminary Study, Eric G. Lambert, Alan Clarke & Janet Lambert, Internet Journal of Criminology (IJC), 2004.





گزارش علمی







## بررسی آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران<sup>۱</sup>

محسن مدنی نژاد<sup>۲</sup>

### مقدمه

در مورد آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای حل آن در جامعه اسلامی ایران حرکات شعارگون زیاد ولی عمل مفید کم بوده است. برخی آسیب‌ها در حیطه‌های مختلف فردی و اجتماعی در جامعه وجود دارد که درصدد ریشه‌یابی و سپس حل آنها به ترتیب اولویت و میزان اهمیت و سطح ضرر زدن آنها به جامعه در حوزه‌هایی چون اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، مفاسد اخلاقی هستیم.

در این راه با دو سطح از تعامل مواجهه هستیم: سطح نظری (مواجهه تئوریکال) و سطح عملی (مواجهه پراکتیکال). اگرچه از لحاظ نظری در این موضوع غنای نسبی‌ای حاصل شده است، اما از لحاظ عملی با تعارضاتی مواجه هستیم. همین عدم هماهنگی بین رفتارهای افراد جامعه در بخش تئوری با عملی یکی از آسیب‌هاست.

سهم حوزه از ورود در این حیطه‌های بسیار مهم، بعد از انقلاب اسلامی آن گونه که باید باشد، نیست. حوزه انقلابی باید در مسائل اجتماعی ورود کند و حتی متولی و قیّم

---

۱. این نوشتار گزارشی علمی از مجموعه نشست‌های لجنه علوم اجتماعی مرکز بسیج اساتید و نخبگان حوزه علمیه قم است که در مرداد ۱۳۹۹ برگزار شده است.

۲. سطح چهار رشته مطالعات اسلامی، دانشجوی دکتری رشته اندیشه معاصر مسلمین مرکز آموزش عالی زبان و فرهنگ‌شناسی.

حل آن شود. به نظر امام خمینی<sup>ع</sup> صرف رأی به جمهوری اسلامی، عمل به اسلام محقق نمی‌شود بلکه این پوسته است و اسلام واقعی باید به درون جامعه وارد شود.<sup>۱</sup>

متأسفانه برخی در حوزه دچار سوءفهم شده‌اند که فقط باید امور حوزوی خود را انجام دهند ولی در قرآن کریم شئون دیگری مثل اصلاح مسائل مردم و انحرافات جامعه در ذیل وظایف و کارنامه انبیا ذکر شده است.<sup>۲</sup> وجود چنین دیدگاه‌هایی نشان می‌دهد به لحاظ شناختی و نظری هم باید نسبت به امور و انحرافات جامعه احساس وظیفه کنیم. بسیاری از تئوری‌های ما برگرفته از تئوری‌های مطرح در مکاتب غربی است.<sup>۳</sup> حوزه انقلابی باید در این عرصه ورود و به اصلاح رویکردها کمک کند.

حتی با وجود حکومت دینی و ولی فقیه، باید به عنوان یک وظیفه ذاتی برای اصلاح شئون افراد جامعه اقدام کنیم.<sup>۴</sup> البته باید اعتراف کرد با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، هنوز مدل و الگوهای بومی متناسب با شرایط اجتماعی کشور اسلامی ایران تولید نکرده‌ایم.

### مرور برخی آسیب‌های اجتماعی

در مقابل هنجار، ناهنجاری قرار دارد که ادامه آن به آسیب و سپس ادامه آن به مسئله و بحران اجتماعی منجر می‌شود.<sup>۵</sup>

یکی از آسیب‌های اجتماعی پاسخ کاذب به نیازهای معنوی افراد جامعه با معنویت بدون دین و خدا مانند مدیتیشن و یوگا است. امروزه در غرب با معنویت و هوش معنوی به درمان و سلامت جسمی نیز ورود کرده‌اند و حتی سرطان‌ها را با معنویت درمان کرده‌اند. در اپیدمی بیماری کرونا هم باید از این تکنیک‌ها با معنویت حقیقی اسلام و بر

۱. ر.ک: مکتب و مرام امام خمینی<sup>ع</sup>: بنیادگرایی اسلامی یا رادیکالیسم اسلامی، کدامیک؟، سیداحمد موثقی.

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. چرایی و چگونگی تحول در علوم انسانی با نگاهی به مولفه‌ها و آسیب‌های مطرح در آن، محسن فرمبانی فراهانی و دیگران، ص ۵۰۲.

۴. انسان و مسئولیت‌پذیری، زینب جعفری، ص ۱۰۶.

۵. ر.ک: بحران هویت و انحرافات اجتماعی، حسن حاج‌حسینی.

#### بررسی آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران

اساس مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بهره ببریم. آسیب‌های اجتماعی جامعه ما نیز با هوش معنوی قابل حل و درمان است.

یکی از آسیب‌ها و کم‌کاری‌های نیروهای مذهبی و انقلابی خالی کردن برخی از فضاهای جامعه و یا حتی مشاغل در جامعه است. به صورت طبیعی اگر ما عرصه را برای دیگران خالی کردیم معضلات خاص خودشان را به همراه می‌آورند، مانند مسئله خالی کردن فضاهای تفریحی و پارک‌ها از سوی خانواده‌های مذهبی و در نتیجه باز شدن عرصه برای افراد غیرملتزم.

#### اعتیاد

اعتیاد از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ از حالت استعمال سنتی به سمت استعمال مواد مخدر صنعتی رفته و سن اعتیاد نیز کاهش یافته است. از دیگر سو پدیده زنان معتاد نیز افزایش یافته است. این نکته نیز بسیار حائز اهمیت است که بسیاری از مفاسد از اعتیاد ناشی می‌شوند. به صورت بسیار محدود گزارشاتی در زمینه سرایت این معضل به خانواده برخی طلاب هم شنیده شده است که وجود حتی موارد اندک ممکن است به وجهه طلاب در سطح جامعه آسیب بزند.

#### خانواده (ازدواج و طلاق)

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر شدن افراد است؛ زیرا بیشتر عمر هر فردی در خانواده می‌گذرد. در دو دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ آمار ازدواج کاهش یافته است. سن ازدواج خیلی بالا رفته و متأسفانه مجرد در کلان‌شهرها به صورت مجرد قطعی بروز پیدا کرده است. در نخبگان و محصلان دانشگاهی نیز آمار ازدواج کاهش و طلاق رشد داشته به طوری که میزان طلاق ۲۵ درصد افزایش یافته است. تقریباً از هر صد ازدواج، ۳۵ طلاق ثبت شده است.

در حوزه خانواده آسیب‌های دیگری هم وجود دارد؛ مانند: ستیزها و درگیری‌های خانوادگی، تحکم و زورگویی مرد و یا زن در خانواده، شکاف نسلی و مشکل تربیت فرزند.

### حاشیه‌نشینی

حاشیه‌نشینی بستر جرم‌های مختلفی است.<sup>۱</sup> در حاشیه شهرها خانم‌ها و بچه‌ها احساس ناامنی می‌کنند.<sup>۲</sup> جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی تابع دو متغیر زمان و مکان است.<sup>۳</sup> سن مجرمین در این مناطق برای بزهکاری و ارتکاب جرم از سن دانشگاهی به سن دبیرستانی رسیده است. در حاشیه شهرها مفاصل اخلاقی هم رشد داشته است.

### آسیب‌ها در عرصه‌های فرهنگی

در فضای فرهنگی بحث ایده‌آل دانستن فرهنگ غرب یکی از مهم‌ترین معضلات است. حتی برخی مسئولین فرهنگ غرب و سبک زندگی آنها را برتر می‌دانند. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگی، آسیب‌های حوزه عفاف و حجاب است.

### قانون‌گریزی

قانون‌گریزی و عدم تقید به قانون یکی از معضلات جامعه کنونی ماست. گاهی این قانون‌گریزی از سوی مسئولین رده‌بالاست که قبح مسئله را دوچندان می‌کند.

### فقدان الگوی اخلاق اجتماعی

معضل نبود الگوی اخلاق اجتماعی در عرصه‌های فردی خوب تبیین شده است ولی در عرصه‌های اجتماعی متأسفانه تبیین مناسبی صورت نگرفته است.

### عدم ارائه الگوهای مناسب در مسائل مبتلابه جامعه

عدم ارائه الگوی سالم در شادی و یا اعتراضات صنفی و یا مدنی به عنوان یکی از معضلات و آسیب‌های مطرح است.

۱. شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، الهام عباسی ورکی، ص ۱.

۲. ر.ک: تاثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرم و ناامنی، محسن کاملی، مهدی فلاح و مهدی تاجیک.

۳. مبانی جرم‌شناسی، مهدی کی‌نیا، ص ۶۹.

### آسیب‌های سیاسی

از جمله آسیب‌های سیاسی غرب‌زدگی و دلدادگی به غرب است. اختلافات حزبی و عدم پایداری به خطوط قرمز باعث ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه می‌شود. معضل عدم پایداری و پذیرش ولایت فقیه در همین ردیف است.

### آسیب‌های اقتصادی

در زمینه معضلات و آسیب‌ها با منشأ اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فقر، فاصله طبقاتی، گرانی افسارگسیخته، مونتاژگرایی و عدم تولید واقعی، قاچاق و واردات بی‌رویه، عدم استفاده از تولید داخلی.

### آسیب‌های آموزشی و علمی

مهم‌ترین آسیب‌های آموزشی و علمی عبارتند از: مدرک‌گرایی، عدم تولید علم و اکتفا کردن به جمع‌آوری (پدیده شوم کپی پیست)، عدم تحول در علوم انسانی (علوم انسانی موجود در دانشگاه‌ها سکولار است)، کم‌عمق بودن سطح سواد (افراد علیرغم داشتن مدرک، کارایی لازم را ندارند)، عدم وجود رشته‌های مورد نیاز جامعه مانند رشته‌های بین‌رشته‌ای.

### آسیب‌های حوزه بهداشت و سلامت

مهم‌ترین آسیب‌های حوزه بهداشت و سلامت عبارتند از: فقدان الگوی صحیح و معتبر، گرانی خدمات پزشکی به‌ویژه دندان‌پزشکی، چالش طب سنتی و اسلامی با طب جدید.

### علل آسیب‌های اجتماعی

درباره علل نابهنجاری‌ها علل مختلفی بیان شده است؛ مانند: وراثت، روان‌پریشی، زمینه‌های اجتماعی، پیوندهای افتراقی و هم‌نشینی‌ها، انحرافات نخبگان، فتنه‌های فرهنگی و تضاد ارزش‌ها، مشکلات فضای مجازی (اعم از مسائل جنسی، اخلاقی و اعتقادی)،

گسترش روحیه سرمایه‌داری و اشرافی‌گری و قوانین بد و غیرقابل اجرا که باعث قانون‌گریزی و تخلف می‌شوند.

## چاره‌جویی برای آسیب‌های اجتماعی

### لزوم نگاه ساختاری و سیستماتیک

در مورد آسیب‌های اجتماعی دو مشکل داریم: نگاه ساختاری به آسیب‌ها و معضلات، نگاه سیستماتیک و نظام‌مند به مسائل.

با مسائل ساختاری زیادی مواجه هستیم؛ مانند: نظم، دوام و ثبات. در برخی موارد ساختار، الگوها و مدل‌های مشخصی دارد مثل خانواده در اسلام ولی این کمبود ساختاری در عرصه‌های دیگری در جامعه وجود دارد که خود منشأ آسیب است. برای نمونه کمبود دیدگاه‌های ساختاری در عرصه اقتصاد سبب اختلاس، کلاهبرداری و پول‌شویی و یا درگیر کردن مردم با وام‌های درازمدت و با درصد سودهای بسیار زیاد شده است. ساختار در مقابل عوامل اجتماعی و انسانی است. این ساختارها باید در مقام عمل کارآمد، صحیح و بنیادین ایجاد شده باشند.

نابسامانی در ساختارهای اجتماعی منجر به آسیب‌هایی مانند اختلاس و پول‌شویی شده است. رسانه‌ها نیز در این مورد عمداً یا سهواً زشتی برخی از مفاهیم را خشتی کرده‌اند مثلاً دزدی از بانک را به پول‌شویی و یا نپرداختن مالیات را که نوعی دزدی است به فرار مالیاتی تعبیر می‌کنند. با عوض کردن این کلمات و تعابیر، افراد یاد می‌گیرند چطور قانون را دور بزنند.

مراد از توجه سیستمی و نظام‌مند به آسیب‌های اجتماعی این است که در بررسی آسیب‌ها، باید مسائل اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ... را با هم ببینیم. مثلاً در حیطه وزارت بهداشت، نظام سلامت به کوچک‌ترین بهانه به سقط کردن نوزادان دستور می‌دهد در حالی که رشد جمعیت کشور به سمت منفی شدن می‌رود. کاهش جمعیت، بحران‌های دیگری در عرصه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند. نیروی انتظامی برای

#### بررسی آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران

جلوگیری از اعتیاد کاری می‌کند که مواد مخدر گران شود، ولی این کار آمار دزدی را زیاد می‌کند؛ زیرا معتادها به سمت دزدی می‌روند.

البته باید علاوه بر اشکالات ساختاری و سیستمی عامل‌ها را نیز مد نظر قرار دهیم؛ مثلاً در مسائل اقتصادی، سودجویی‌های افراد هم باید دیده شود. بسیاری از مشکلات اقتصادی به خاطر افراد ذی‌نفوذ و آقازاده‌هاست. منافع شخصی و سود افراد خیلی از مشکلات را در جامعه ایجاد کرده که غیر از بحث ساختارهاست. پس باید نقش و اندازه ساختار و عاملیت در کجروی را نیز در نظر گرفت.

#### لزوم کاستن از ایجاد فرصت برای ارتکاب بزه و جرم

فکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزه‌کار و بزه‌دیده، جرم واقع نمی‌شود بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم باشد.<sup>۱</sup> رهیافت فرصت در جرم‌شناسی به قلمرو و مکان وقوع جرم توجه می‌کند و بر این اساس استوار است که برخی از موقعیت‌ها برای جرم مساعدتر از سایر موقعیت‌ها است. نظریه فرصت از نقش مثبت شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم و نقش منفی عوامل مانع جرم، صحبت می‌کند و مدعی است افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرم را افزایش داده و بر عکس کاهش فرصت‌های ارتکاب، احتمال وقوع جرم را تقلیل می‌دهد.<sup>۲</sup>

#### لزوم توجه به تفاوت دیدگاه الهی و دیدگاه سکولار

لازم است در آسیب‌های اجتماعی تفاوت‌های نگاه سکولار و دیدگاه الهی را لحاظ کرد. در تعریف آسیب و نیز بازشناسی مصادیق کجروی و آسیب و تبیین فردی و اجتماعی، باید به تفاوت میان این دو جهان‌بینی در جامعه اسلامی واقف بود؛ مانند حلال و حرام و یا اغواگری شیطان.

1. Opportunity makes the thief: Pratical Theory for crime prevention (Police Research Paper, 98), Felson, M., & Clarke, R. V, 94.

۲. جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه، محمدرضا رضوانی و همکاران، ص ۴۵.

## لزوم فرهنگ‌سازی درباره هنجارها

در این بخش توجه به موارد زیر مفید است:

- آموزش هنجارها و آگاهی‌بخشی از معانی ناهنجارها؛
- فرهنگ‌سازی با مدل‌سازی کردن و ارائه الگوهای هنجارمند مثل زندگی ائمه علیهم‌السلام، علما، شهدا؛
- تقویت باورهای جامعه و انداز؛
- حاکمیت دادن قانون و تلاش بر اصلاح قانون؛
- حاکمیت دادن اخلاق و کنترل فیزیکی هنجارشکنان و برخورد قانونی با دانه‌درشت‌ها؛
- نصیحت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر؛
- اصلاح و بازپروری مجرمان؛
- استفاده از مدل الگوی اخلاق حرفه‌ای که در غرب هم با این الگو در بسیاری از موارد به افراد خودکنترلی می‌دهند.

### نتیجه

با توجه به نکات مطرح در مورد آسیب‌های اجتماعی باید به مشکلات و موانع رفع آسیب‌ها نیز توجه کرد؛ مانند: ضعف ساختاری، ناهماهنگی و تعارض ساختاری که گاهی درون‌ساختاری است که نظارت نیست و یا برون‌ساختاری است که یک ساختار با ساختار دیگر ناهماهنگ است. افزون بر این لازم است در رفع این آسیب‌ها، برای کاستن از مواردی که زمینه بزهکاری را فراهم می‌آورند، اقدام نمود.

حوزه انقلابی نیز باید به این آسیب‌ها به عنوان یک وظیفه و ضرورت ورود کند. با توجه به تاکید مقام معظم رهبری نسبت به شهر مقدس قم و نیز تمرکز دشمن برای تخریب بنیادهای دینی و اجتماعی آن، حوزه علمیه قم برای رفع آسیب‌های اجتماعی از این شهر وظیفه سنگینی دارد.



## منابع

۱. «بحران هویت و انحرافات اجتماعی»، حسن حاج‌حسینی، مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۷، ۱۳۸۱.
  ۲. «انسان و مسئولیت‌پذیری»، زینب جعفری، مجله طوبی، شماره ۴.
  ۳. جغرافیای جرم در نواحی روستایی با تأکید بر سرقت دام در بخش چهاردولی شهرستان قروه، محمدرضا رضوانی، زهرا زارع، صامت فرهادی، مسعود نیک‌سیرت، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ۱۳۸۹.
  ۴. شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، الهام عباسی ورکی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۸۷.
  ۵. «چرایی و چگونگی تحول در علوم انسانی با نگاهی به مولفه‌ها و آسیب‌های مطرح در آن»، محسن فرمهنی فراهانی و دیگران، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۱۸، ش ۴، زمستان ۱۳۹۳.
  ۶. «تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرم و ناامنی»، محسن کاملی، مهدی فلاح و مهدی تاجیک، دومین همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری، ارومیه، کانون سراسری انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران، ۱۳۹۴.
  ۷. مبانی جرم‌شناسی، مهدی کی‌نیا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
  ۸. «مکتب و مرام امام خمینی: بنیادگرایی اسلامی یا رادیکالیسم اسلامی، کدامیک؟»، سید احمد موثقی، پرتال امام خمینی، ۱۳۹۷.
9. Opportunity makes the thief: Pratical Theory for crime prevention (Police Research Paper, 98), Felson, M., & Clarke, R. V, London: Home Office, Policing and Reducing Crime Unit, Research, Development and Statistics Directorate, 1998.





گفتوگو





## پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های

### حوزه انقلابی در گذر زمان

گفت‌وگو با آیت‌الله محمود رجیبی<sup>۱</sup>

در مورد حوزه انقلابی تعریف‌های متفاوتی وجود دارد. بر اساس هر یک از این تعریف‌ها موضوع‌گیری‌های انقلابی تغییر می‌کند. لطفاً در پرسش اول تعریف خود را از انقلابی‌گری حوزه بیان بفرمایید.

انقلابی‌گری حوزه به این معناست که ارکان حوزه اعم از طلاب، مدرسان و محققان، مسئولان و مدیران و سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران از عمق جان به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب باور داشته و در تقویت و دفاع از آنها در برابر مخاطرات و توطئه‌های دشمنان، تلاش حکیمانه و انقلابی داشته باشند.

انقلابی‌گری دارای چهار مولفه است:

#### ۱. شناخت درست ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب

کسی که می‌خواهد از انقلاب دفاع کند، باید آرمان‌های انقلاب را بشناسد. اگر این آرمان‌ها را به درستی نشناسد طبعاً نمی‌تواند آگاهانه در مسیر آن آرمان‌ها گام بردارد و چه بسا اقدامات او ناآگاهانه در جهت تضعیف انقلاب باشد؛ زیرا ممکن است به اشتباه اموری را از ارزش‌های انقلابی بداند و در راه آن تلاش کند که نسبتی با ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب ندارد یا برعکس اموری را که از ارزش‌های انقلابی است، به توهم

---

۱. عضو شورای عالی حوزه و قائم‌مقام موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

اینکه از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب نیست رها کند؛ در نتیجه انقلاب را تضعیف کند. بنابراین حوزه انقلابی باید ارزش‌های انقلابی را بشناسد. مقام معظم رهبری از رابطه دوسویه عقلانیت و انقلابی‌گری سخن می‌گویند؛<sup>۱</sup> یعنی انقلابی‌گری با شناخت در ارتباط است.

## ۲. اعتقاد به ارزش‌ها از عمق جان

اگر کسی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب را بشناسد ولی به آنها اعتقاد نداشته باشد، انقلابی‌گری محقق نمی‌شود. صرف شناخت کافی نیست. انقلابی‌گری چیزی فراتر از شناخت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب را می‌طلبد.

## ۳. حساس بودن نسبت به آسیب‌ها، مخاطرات و آرمان‌های انقلاب

حوزه و طلبه انقلابی باید از انقلاب در مقابل خطرهای دفاع و به دشمنان هجمه کند. باید از قبل آسیب‌ها را بشناسد و تهدیدها را به فرصت تبدیل کند.

## ۴. اهتمام و تلاش مجدانه، کارشناسانه همراه با عقلانیت برای صیانت، تقویت و توسعه ارزش‌ها

طبعاً انقلابی‌گری یک امر صفر و صدی نیست، بلکه به هر میزان، در هر یک از این مولفه‌ها ضعف و نقص وجود داشته باشد، به همان میزان حوزه دچار نقص و ضعف شده است؛ هم در ابعاد و هم در شدت و ضعف و هم توسعه و ضیق. نکته مهم این است که حوزه یعنی چی؟ باید مولفه‌های حوزه را نیز در نظر بگیریم تا این ۴ مولفه در همه موارد وجود داشته باشد.

یک از ارکان حوزه مراجع است. همه مراجع عظام ما مدافع نظام، انقلاب و ولایت فقیه هستند. بخش دیگر اساتید حوزه هستند. اگر اساتید این مولفه‌ها را نداشته باشند، نسلی که زیر نظر آنها تربیت می‌شوند، انقلابی نخواهند بود و انقلابی‌گری از حوزه رخت برخواهد بست. مدیران اجرایی ما نیز باید انقلابی باشند تا زمینه انقلابی‌گری و

۱. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. (۱۳۹۶/۰۳/۱۴)

#### پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

تربیت نسل انقلابی را در حوزه فراهم کنند. فضلا و طلاب حوزه نیز باید از این مولفه بهره‌مند باشند.

سیاست‌گذاران حوزه مانند شورای عالی و مدیر و برنامه‌ریزان مرکز مدیریت هم باید انقلابی باشند تا سیاست‌ها و برنامه‌ها انقلابی باشند. حوزه فقط افراد نیست. سیاست‌ها بر افراد و رفتارها حاکم می‌شود.

به هر میزان که ارکان حوزه از این مولفه‌ها برخوردار باشد، حوزه انقلابی خواهد بود.

#### اساسا انقلابی‌گری برای حوزه چه ضرورتی دارد؟ برخی تحلیل‌ها انقلابی‌گری را ویژگی مطلوب برای نظام اسلامی می‌دانند، نه حوزه. انقلابی‌گری حوزه برای خود حوزه چه دستاوردی دارد؟

رابطه انقلاب اسلامی و انقلابی بودن حوزه دو سویه است؛ یعنی به هر میزانی که نظام

برای انقلابی بودن به حوزه وابسته است، حوزه

هم برای تحقق کامل اهداف و برنامه‌های خود به انقلاب و نظام اسلامی نیاز دارد.

انقلاب برخاسته از حوزه است البته حوزه

انقلابی نه حوزه سکولار. در تداوم انقلاب هم

**مصادیق و عرصه‌های انقلابی‌گری تغییر می‌کند و افراد برای اینکه انقلابی بمانند باید مطابق شرایط جدید عمل کنند.**

حوزه بر انقلابی بودن نظام موثر است. حوزه غیرانقلابی که نسبت به نظام بی‌تفاوت است، به لحاظ فکری، فرهنگی و اجتماعی از نظام حمایت نخواهد کرد.

از طرف دیگر حوزه نیز از برکات انقلاب بسیار بهره برده است. باید حوزه بعد از

انقلاب را با قبل از انقلاب مقایسه کرد تا روشن شود حوزه در دوران فعلی از جهت عملکرد و قلمرو فعالیت و تحقق آرمان‌های حوزه چقدر رشد و تعالی یافته است.

در مقایسه با قبل انقلاب در حوزه تحول عظیمی رخ داده است. نیمی یا دوسوم از

ارزش‌هایی که حوزه رسالتش تحقق بخشیدن به آن است، تعطیل بود. به برکت انقلاب

زمینه برای تحقق آن اهداف و ارزش‌های حوزه ایجاد شد. احکام اجتماعی اسلام تعطیل

بود؛ آن هم در یک عرصه و گستره وسیع. قبل از انقلاب ارتباط حوزه با نسل جوان

تحصیل‌کرده بسیار کم بود. بعد از انقلاب جوانان ما در سطح وسیع به حوزه متمایل

هستند و مشتاق شنیدن معارف از فضایی روزآمد حوزه هستند. اینها اهداف و رسالت حوزه بود که قبل از انقلاب زمینه آن وجود نداشت.

حوزه باید پا به پای تحولات حرکت کند تا بتواند در عرصه جهانی سخن خود را مطرح کند. نظام اسلامی، زمینه و پشتوانه حوزه است تا بتواند در عرصه جهانی کار کند و ارزش‌هایش را عملی کند.

حوزه سکولار که با انقلاب و نظام ارتباطی ندارد خودش باید به تنهایی کار کند. حوزه در چنین شرایطی چقدر می‌تواند ارزش‌هایش را عملی کند، بین‌المللی کند و در برابر تهاجم‌های بین‌المللی از آن دفاع کند؟

انقلابی‌گری برای حوزه حتی در استخراج و تدوین و عرضه روزآمد و کارآمد تعالیم دینی نقش‌آفرین است. در سایه پیوند حوزه با نظام انقلابی، عرصه و امکانات زیادی برای حوزه در دفاع از دین در برابر تهاجماتی که به دین می‌شود، حاصل می‌شود. در یک جمله اگر حوزه انقلابی باشد از به حاشیه رانده شدن آن جلوگیری می‌شود، ولی اگر انقلابی نباشد، در جامعه منزوی می‌شود مثل مسحیت کنونی که در جامعه نقش و اثرگذاری ندارد.

مقایسه رشد و فعالیت و عرصه‌های حضور حوزه بعد از انقلاب با حوزه قبل از انقلاب شاهد خوبی برای این مدعا است.

برخی در مخالفت با انقلابی بودن حوزه، آن را نشانه حکومتی شدن حوزه می‌دانند. آنها با تاکید بر استقلال حوزه معتقدند، حوزه در زمان قبل از انقلاب نیز فعال بوده است هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌الملل. حتی برخی چنین مطرح می‌کنند که انقلاب اسلامی و گره خوردن حوزه به مسائل حاکمیتی، سبب شده است دیانت مردم تحت تاثیر مسائل سیاسی قرار گیرد. در نتیجه با ضعف کارکرد و کارآمدی نظام سیاسی، دیانت مردم نیز افت می‌کند و جایگاه اجتماعی حوزه کاهش می‌یابد. نظر شما در این مورد چیست؟

کارهای مثبتی که در قبل از انقلاب صورت می‌گرفت هم حاصل روحیه انقلابی بخشی از حوزه بود که اکثراً مدافعان حضرت امام علیه السلام و نهضت امام بودند.

انقلابی‌گری به معنای جنگ و دعوا نیست. انقلابی‌گری می‌گوید اسلام برای اداره



### پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

جامعه برنامه دارد. علما نیز بر همین اساس به این عرصه ورود کردند<sup>۱</sup> حتی آیت‌الله العظمی خوبی<sup>۲</sup> و آیت‌الله العظمی بروجردی<sup>۳</sup> به مقداری که توان داشتند و زمینه بود، در این راستا اقدام کردند. تصور آنها این بود که بیش از این مقدار نمی‌شود کار کرد لذا در حد خودشان کار کردند.

امام خمینی نظرشان این بود که بیش از این می‌شود کار کرد و لذا برای تشکیل حکومت اسلامی اقدام کرد. برخی دیگر از علما از این کار مأیوس بودند و امید نداشتند. نظر آنها این نبود که اسلام از سیاست جداست. هیچ یک از آنها انقلاب را تخطئه نکردند. نظام سیاسی صدام چه برخوردی با آقای خویی داشت؟ زیرا ایشان را پشتیبان انتفاضه مردم عراق می‌دانست.<sup>۲</sup>

گفته می‌شود اگر حوزه در انقلاب و نظام ورود کند، مردم همه چیز را پای اسلام

ممکن است برخی از افراد انقلابی باشند، ولی در گذر زمان و در مسیر انقلاب، دچار لغزش و انحراف شوند و انقلابی باقی نمانند.

می‌گذارند. در جواب باید بگوییم اگر بر اساس مبانی دینی باید در سیاست وارد شویم، ورود در سیاست و انقلابی‌گری وظیفه واجب حوزه می‌شود و البته باید تأمل کنیم که عوارض آن را

کم کنیم. باید این واجب اجتماعی را انجام دهیم ولی باید برنامه‌ریزی کنیم که عوارض آن کم شود. در حکومت امام علی<sup>۴</sup> نیز مسائل مختلف وجود داشت ولی حضرت ورود کرد و حکومت را بر عهده گرفت.

گذشته از این، آیا این عوارض به دلیل ورود حوزه در سیاست است؟ اینکه برخی مسئولین خلاف اسلام و سخن رهبری رفتار می‌کنند به حوزه و اسلام ربطی ندارد. رفتار بد مسئولان به انقلاب و حوزه ربطی ندارد.

بین آثار ورود حوزه در سیاست و آثار عملکرد بد مسئولین نباید خلط شود.

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد به شماره ۱۲ و ۱۳ ماهنامه حوزه انقلابی مراجعه کنید.

۲. برای مطالعه بیشتر در این مورد به شماره ۹ ماهنامه حوزه انقلابی مراجعه کنید: «نقش مراجع تقلید و علما در انقلاب اسلامی»، مهدی ابوطالبی، ص ۹-۲۰.

وظیفه حوزه است که این مقایسه را تبیین کند که این موارد به پای اسلام و انقلاب نوشته نشود.

بحث استقلال حوزه اشتباه فهمیده شده است. حوزه در سیاست گذاری و تصمیم گیری باید مستقل باشد. حوزه نباید در حدی وابسته بشود که نتواند روی پای خود بایستد. ورود حوزه در سیاست برای این است که حوزه در نظام اسلامی نقش آفرینی کند، نه اینکه حوزه اثر بپذیرد. انقلابی بودن حوزه با استقلال منافات ندارد بلکه نقش آفرینی حوزه را بیشتر می کند.

### **انقلابی ماندن با انقلابی بودن چه ارتباطی دارد؟ آیا گذر زمان، ویژگی و شاخصه انقلابی گری را تغییر می دهد؟ ممکن است انقلابی ها، انقلابی باقی نمانند؟**

گاهی در حرکات اجتماعی، برخی افراد به لحاظ فکری دچار استحاله می شوند، هدف را گم می کنند و به مرور زمان هدفشان ۱۸۰ درجه تغییر می کند؛ برای نمونه در انقلاب ما کسانی که داعیه ضدیت با امپریالیسم داشتند، طرف آمریکا رفتند و در مقابل نظامی که با آمریکا مقابله می کرد، ایستادند. این اختصاص به جامعه ما هم ندارد. در طول تاریخ برخی افراد که با انقلاب و رهبران دینی بودند، در مقابل انقلاب های دینی قرار گرفتند و انقلابی نماندند.

مصادیق و عرصه های انقلابی گری تغییر می کند و افراد برای اینکه انقلابی بمانند باید مطابق شرایط جدید عمل کنند. اینجاست که بصیرت به عنوان یک مولفه مهم در انقلابی گری به چشم می آید.

قبل از انقلاب شاخصه و مصداق انقلابی گری مبارزه با نظام استبدادی بود، اما بعد از انقلاب دفاع مقدس پیش آمد. گفتیم دفاع از نظام و کشور اسلامی یکی از مولفه های انقلابی گری است. اگر کسی همان روحیه انقلابی قبل از انقلاب همراه با بصیرت را داشته باشد، حالا که جنگ پیش آمده است، می رود در جبهه دفاع مقدس فعال می شود. همان نیروهایی که قبل انقلاب بودند و انقلاب را همراهی کردند، پس از انقلاب در سنگر دفاع مقدس حاضر شدند.

#### بویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

بعد از این مقطع، تهاجم فرهنگی پیش آمد. حالا میدان عوض شده و از جنگ نظامی به فرهنگی رسیده است. ارزش‌های انقلاب الان در عرصه دیگری مشکل پیدا کرده است. باید در همان عرصه‌ای که ارزش‌های انقلاب در معرض خطر است و دشمن به هویت انقلاب حمله کرده است، فعال باشیم و از ارزش‌ها و هویت انقلاب دفاع کنیم. **رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ**<sup>۱</sup>.

کسی که می‌خواهد از انقلاب دفاع کند، باید آرمان‌های انقلاب را بشناسد ولی صرف شناخت کافی نیست. انقلابی‌گری چیزی فراتر از شناخت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب را می‌طلبد.

مسائل و روش‌های دفاع از ارزش‌ها در طول تاریخ تغییر می‌کند. انقلابی کسی است که عرصه‌های انقلاب را به خوبی بفهمد و در آن عرصه از ارزش‌ها انقلاب دفاع کند. انقلابی باید تشخیص بدهد که الان مسئله انقلاب

چیست و عرصه کجاست. بر این اساس ممکن است فردی تا یک مقطع از انقلاب دفاع کند و از یک مقطعی در مسیر انقلاب نباشد. این ریزش‌ها در طول تاریخ اسلام بوده است. زبیر با همه سوابقی که در مسیر اسلام داشت ولی دچار انحراف شد. امام علی علیه السلام در مورد زبیر می‌فرماید زبیر با ما بود تا زمانی که پسرش او را دچار انحراف کرد.<sup>۲</sup> انقلابی بودن به معنای انقلابی ماندن نیست. ممکن است برخی از افراد انقلابی باشند، ولی در گذر زمان و در مسیر انقلاب، دچار لغزش و انحراف شوند و انقلابی باقی نمانند. افراد به دلایل مختلف ممکن است از انقلاب فاصله بگیرند و انقلابی نمانند؛ یا به دلیل عدم فهم شرایط سیاسی و اجتماعی (بی‌بصیرتی) یا به دلیل هوای نفس؛ یعنی شرایط و ارزش‌های انقلابی و اسلامی را می‌شناسد، ولی به آنها عمل نمی‌کند.

۱. قال علی علیه السلام: رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ؛ سنگ را از همانجا که آمده بازگردانید، چراکه شر و بدی را

جز با (همان) شر و بدی نمی‌توان دفع کرد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۶)

۲. ما زال الزبیر رجلاً من أهل البيت حتى نشأ ابنه المشؤم عبدالله؛ زبیر همیشه از ما اهل بیت بود تا زمانی که فرزند نا مبارکش، عبدالله بزرگ شد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳؛ العقد الفريد، ج ۳، ص ۳۱۴؛ أسدالغابه، ج ۳، ص ۲۴۴، شماره ۲۹۴۷؛ شرح نهج

البلاغه ابن ابی الحديد، ج ۲، ص ۱۶۷)

علامه طباطبایی<sup>۱</sup> در میزان در ذیل آیه آخر سوره فتح<sup>۱</sup> که مشخصات امت و جامعه اسلامی را بیان می‌کند، می‌فرماید خداوند در این آیه ویژگی‌ها را بیان می‌کند؛ سپس در آخر می‌گوید به برخی از این امت اجر عظیمی می‌دهیم نه همه. علامه در تعلیل این مورد، ضرورت دوام ایمان و عمل را بیان می‌کند.<sup>۲</sup> یک عده از کسانی که جزء امت اسلامی با آن ویژگی‌های متعالی و انقلابی بودند در ادامه از مسیر ایمان واقعی و انقلابی جدا می‌شوند و این وعده مغفرت و اجر عظیم ویژه کسانی است که در ادامه از مسیر اسلام و نهضت پیامبر<sup>ص</sup> جدا نمی‌شوند.

امام خمینی<sup>ص</sup> نیز فرمود میزان وضع فعلی افراد است.<sup>۳</sup> بنابراین بین انقلابی بودن و انقلابی ماندن تلازمی نیست؛ زیرا در گذر زمان شاخص‌ها و مصادیق انقلابی‌گری تغییر می‌کند و وضعیت برخی افراد در این شرایط متغیر دگرگون می‌شود.

**بحث در این است که انقلابی بودن در هر دوره‌ای متناسب با شرایط همان دوره باید باشد. به نظر شما انقلابی‌گری حوزه در دوران تأسیس انقلاب با دوران گذار و دوران تثبیت چه تفاوت‌هایی دارد؟**

در دوران تأسیس انقلاب، امام خمینی<sup>ص</sup> پرچم انقلابی‌گری را برافراشته بود و همه کسانی که می‌خواستند انقلابی باشند باید با محوریت امام و با شاخص تبعیت، تبلیغ و

۱. مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَأَوْهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ محمد<sup>ص</sup> فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی‌دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند، آنان را در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را می‌طلبند، بر رخسارشان از اثر سجده نشانه‌های نورانیت پدیدار است. این وصف حال آنها در کتاب تورات و انجیل مکتوب است که (مثل حال آن رسول) به دانه‌ای ماند که چون نخست سر از خاک برآورد جوانه و شاخه‌ای نازک و ضعیف باشد بعد از آن قوت یابد تا آنکه ستر و قوی گردد و بر ساق خود راست و محکم بایستد که دهقانان را (در تماشای خود) حیران کند (همچنین محمد (ص) و اصحابش از ضعف به قوت رسیدند) تا کافران عالم را (از قدرت و قوت خود) به خشم آرند. خدا وعده فرموده که هر کس از آنها ثابت ایمان و نیکوکار شود گناهانش ببخشد و اجر عظیم عطا کند.

۲. تفسیر میزان، ج ۱۸، ص ۴۴۸.

۳. میزان در هر کس حال فعلی او است. (۱۳۶۱/۰۹/۲۴)، فرمان هشت ماده‌ای به قوه قضاییه

#### پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

دفاع از امام شناخته می‌شدند حتی مطرح کردن نام امام نوعی انقلابی‌گری بود. شهید سعیدی در مورد امام یک جمله ماندگار دارد: «به خدا قسم اگر مرا بکشید و خونم را بر زمین بریزید، در هر قطره خون من نام مقدس امام خمینی علیه السلام را خواهید دید.» به هر بهانه‌ای ای می‌خواستند یاد امام زنده بماند و پیام امام را به مردم برسانند چه صوتی و چه مکتوب. پشت سر امام بودند و گوش به فرمان امام حتی در وقتی که ارتباط با امام بسیار محدود و سخت بود.

به هر میزانی که نظام برای انقلابی بودن به حوزه وابسته است، حوزه هم برای تحقق کامل اهداف و برنامه‌های خود به انقلاب و نظام اسلامی نیاز دارد.

بر این اساس در دوران تأسیس انقلاب، تبعیت از امام خمینی ترویج رهنمودهای امام و زنده نگهداشتن نام امام انقلابی‌گری بود؛ مثلاً در یک دوره‌ای امام گفتند ما امسال عید نداریم. این پیام به همه مردم رسید و انقلابیون بر

اساس نظر امام عمل کردند.<sup>۱</sup> در این دوره موضع نسبت به امام، شاخص انقلابی‌گری بود. بعد از انقلاب تلاش برای نهادسازی و برنامه‌ریزی برای حفظ نظام و انقلاب شاخص انقلابی‌گری است. مراقب باشیم که انقلاب و خط مستقیم انقلاب که امام ترسیم کرده بود منحرف نشود. تندروی و تحجر مخاطراتی بود که امام مراقب بود رخ ندهد و دشمنان برای سوء استفاده از آن شرایط حساس تلاش می‌کردند. این مخاطرات در مرحله گذار بود که تلاش می‌شد تا انقلاب تثبیت شود.

در دوران تثبیت انقلاب باید برای پیشبرد انقلاب نهادسازی کنیم؛ مانند سپاه پاسداران. باید برای انقلاب نیروسازی کنیم. خیلی از نیروهای انقلابی هم امید نداشتند انقلاب به

۱. حضرت امام در ۲۳ اسفند ۱۳۴۱ برای بیشتر علما و روحانیان سراسر کشور به صورت انفرادی و گاهی عمومی نامه‌ای ارسال نمودند. امام در این نامه‌ها ضمن اشاره به اهداف رژیم در محو احکام اسلام، نوروز سال ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند و از آنان خواستند همین رویه را اتخاذ نمایند: «... این جانب عید نوروز را به عنوان عزا و تسلیت به امام عصر علیه السلام جلوس می‌کنم و به مردم اعلام خطر می‌نمایم، مقتضی است حضرات آقایان نیز همین رویه را اتخاذ فرمایند تا ملت مسلمان از مصیبت‌های وارده به اسلام و مسلمین اطلاع حاصل نمایند.» (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده امام خمینی، شماره بازیابی ۷۸۹، ص ۶۰. همچنین رک: صحیفه امام خمینی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۱۵۸)

این سرعت به پیروزی برسد. این انقلاب کادر و نیروی لازم را نداشت. در ابتدا بسیاری از نیروها آموزش دیده و پاسخگوی نیاز نظام نبودند. تربیت نیرو در اداره جامعه حرف اول را می‌زند. نیروی معتقد انقلابی متخصص لازم داریم. هر جا مشکلی داشتیم همین نیروی‌های انقلابی مشکل را حل کردند. همه پیشرفت‌های نظام در عرصه‌های مختلف نظامی و علمی به دست همین نیروهای انقلابی بود.

مبانی تئوریک نظام باید تبیین شود. نظریه ولایت فقیه مبنای نظری این نظام است و باید به خوبی تبیین شود. در اوایل انقلاب که نیروهای چپی در عرصه‌های جامعه فعال بودند، در رد ولایت فقیه کتاب می‌نوشتند. از اول انقلاب هجمه زیادی در مورد ولایت فقیه بوده است.

به طور کلی باید پایه‌ها و استوانه‌های انقلاب تبیین شود. آموزه‌های دینی و اسلامی مبنای این نظام است. بنیان فکری‌ای که نظام ما مبتنی بر آن است در سال‌های اخیر مورد هجمه زیادی قرار گرفته است. اینها باید تبیین شود.

انقلابی‌گری به این است که با هر چیزی که تثبیت نظام را خدشه‌دار می‌کند مقابله شود. باید نسل جدید را با این مبانی آشنا کرد تا آنها انقلابی بمانند.

آنها کارآمدی نظام را خدشه‌دار می‌کنند و ما باید به آنها توجه جدی کنیم و به سوالات و شبهات پاسخ دهیم. در بیانیه گام دوم نکات مهمی را در مورد تثبیت انقلاب فرمودند که باید جدی گرفته شود. سخنان رهبری باید جدی گرفته شود. ایشان خیره خبیر هستند. باید هر کس به نوبه خود برای تحقق آنها تلاش کند.

در مرحله تثبیت باید هر سخن رهبری را به دقت گوش دهیم و برای تحقق آن تلاش کنیم. باید بدانیم ایشان خطرات را می‌شناسند و هر نکته‌ای که تذکر می‌دهند بر اساس آسیب‌شناسی دقیق است که انقلاب را تهدید می‌کند؛ مانند سند ۲۰۳۰ که ایشان قاطعانه فرمودند نباید اجرا شود.

**اساتید یکی از مهم‌ترین ارکان حوزه هستند. به نظر شما اساتید حوزه انقلابی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟**

نقش استاد از جهت تربیتی مهم است. استاد فقط جنبه تعلیم و علم ندارد. در فرهنگ

#### پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

دینی و انقلابی استاد باید به جنبه تربیتی نیز توجه کند و جنبه بصیرتی را مورد توجه قرار دهد. معلمی‌اش باید از سنخ معلمی پیامبر و انبیاء باشد. دغدغه انبیاء و اولیای الهی این بود که مردم دین را اجرا کنند و پایبند باشد و فقط به صرف انتقال معلومات نیست. نقش اساسی استاد این است که این نسل را انقلابی تربیت کند و منش انقلابی در او ایجاد کند. ما نمی‌خواهیم فقط عالم تربیت کنیم بلکه می‌خواهیم عالمی تربیت کنیم که از جان دل دنباله‌رو ارزش‌ها باشد. پیامبر از آغاز تا پایان دعوت تلاش در راستای تثبیت ولایت امیر المومنین علیه السلام داشتند. استاد باید هم نگران تهذیب شاگردانش باشد و هم عواملی که مانع از احساس مسئولیت نسبت به ارزش‌های انقلاب و اسلام می‌شود. استاد باید بینش صحیح را مد نظر داشته باشد و بصیرت‌بخشی کند.

بین آثار ورود حوزه در سیاست و آثار عملکرد بد مسئولین نباید خلط شود. وظیفه حوزه است که این مقایسه را تبیین کند که این موارد به پای اسلام و انقلاب نوشته نشود.

تعلیم و تزکیه از هم جدا نیست.<sup>۱</sup> پیامبر همه امور اداره مربوط به جامعه را در مسجد انجام می‌داد. استاد مظهر عینیت سیاست و دیانت باشد و به شاگردانش هم این روحیه را منتقل کند.

آیت‌الله موسوی لاری می‌گفت نظام آموزشی عربستان و ایران را مقایسه کردم. متوجه شدم خروجی مدارس آنها همه وهابی هستند ولی در ایران برخی معلمان و نظام آموزشی ما در آن حد خروجی پروپاقرص ندارند. در صدد یافتن راز این مسئله برآمدم. دیدم عربستان نیرویی را جذب نظام آموزشی و پرورش می‌کنند که وهابی دوآتشه است و حتی بدون دستور سازمان انگیزه‌ای از عمق جانشان برای وهابی تربیت کردن دانش‌آموزان دارند ولی در کشور ما چنین دقت و ظرافتی در جذب معلم و دبیر نیست و احیاناً می‌خواهند صرفاً با یک دستور سازمانی اقدام کنند.

۱. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. (سوره جمعه، آیه ۲)؛ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. (سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۴)

اساتید در ابتدای انقلاب در کنار امام در تحقق انقلاب بسیار موثر بودند. استاد نباید شأن خود را در مسائل علمی محدود کند. باید نسبت به انقلاب احساس مسئولیت کند. اگر هدف نظام آموزشی که رکن اصلی آن استاد است فقط انتقال مسائل علمی باشد حتی یک انسان بی‌دین هم می‌تواند این دانش را منتقل کند. استاد انقلابی باید هم در عمل انقلابی باشد و هم به انتقال آن روحیه به شاگردان توجه کند. بنابراین فقط جنبه علمی مهم نیست بلکه باید به جهات تربیتی و انقلابی هم توجه شود. اخلاق و بصیرت هم خیلی مهم است و فقط جنبه علمی مهم نیست.

#### **در حوزه موسسات متعددی در سال‌های اخیر تشکیل شده است. به نظر حضرتعالی موسسه انقلابی چه ویژگی باید داشته باشد؟**

یک بخش همین است که متولیان آن سازمان‌ها و مراکز نیروهای انقلابی باشند. مدیران و سیاست‌گذاران آن انقلابی باشند. مدیر غیرانقلابی طوری عمل می‌کند که سبب بی‌تفاوتی به انقلاب می‌شود.

مدیر و استاد و محقق چنین مراکزی فکر می‌کند وظیفه‌اش فقط کار علمی است. این موسسه غیرانقلابی نیز فقط به مسائل علمی و پژوهشی توجه می‌کند. خروجی آن، چه در باب نیروی انسانی و چه در باب محققان در شاخص انقلابی نخواهد بود.

در فرایند ورود و خروج و در جذب نیروها باید به مولفه‌های انقلابی‌گری توجه شود. باید به نیروهای انقلابی توجه شود. در نتیجه نیروهای خروجی و فارغ‌التحصیلان هم افرادی بی‌تفاوت نسبت به انقلاب نخواهند بود. پس فرایندها هم باید انقلابی باشد.

عوامل اثرگذار در این موسسات مثل ناظران و هدف‌گذاران باید کسانی باشند که به انقلابی‌گری توجه دارند.

باید در ارزشیابی پژوهش، محصولات و نیروها به مولفه‌های انقلابی‌گری توجه شود. اگر مرکز آموزشی است در رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها باید به شاخص انقلاب توجه شود. در این مراکز باید به محتوای انقلابی توجه شود؛ یعنی نیازهای نظام و انقلاب محور کارهایشان باشد چه در جهت تبیین و دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب و چه در جهت



#### پویایی شاخصه‌ها و بایسته‌های حوزه انقلابی در گذر زمان

دفاع از مبانی ارزش‌های اسلام در برابر تهاجم‌ها و چه در زمینه تامین نیازهای فکری فرهنگی موافق نظام و قوای سه‌گانه نظام.

جهت‌دهی انقلابی هم مهم است. بنابراین جهت‌گیری محتوای پژوهشی و محتوا و نظام آموزشی باید انقلابی باشد. ساختمان و مسائل فیزیکی که مهم نیست.

نکته بسیار مهم این است که کارهای انضمامی خیلی مفید نیست. مثلاً یک نظام آموزشی داشته باشیم و یک نظام بصیرتی هم به صورت جداگانه. نظام آموزشی باید

اتحادی باشد نه انضمامی؛ یعنی همان دروس، جهت‌گیری انقلابی داشته باشد.

برای نمونه ویژگی طرح ولایت موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>ع</sup> این است که

اگر اساتید انقلابی نباشند، نسلی که زیر نظر آنها تربیت می‌شوند، انقلابی نخواهند بود و انقلابی‌گری از حوزه رخت بر خواهد بست. استاد نباید شأن خود را در مسائل علمی محدود کند. باید نسبت به انقلاب احساس مسئولیت کند.

مبانی اعتقادی و نظام تفکر دینی متکی به ولایت فقیه و فلسفی اسلامی را بیان می‌کند که در نظام‌های آموزشی دیگر وجود ندارد یعنی جهت‌گیری محتوای آموزشی‌اش این است که به نظام مبتنی بر نظام ولایت فقیه برسد. در نتیجه خروجی این نظام معتقدان به ولایت فقیه و انقلاب است.



## فرم نظرسنجی ماهنامه حوزه انقلابی

### فرهیخته گرامی

- نظر به ضرورت بهره‌مندی از نظرات سازنده شما استاد گرامی برای ارتقای ماهنامه حوزه انقلابی، لطفاً نظرات خود را با تکمیل پرسشنامه، از راه‌های زیر ارسال فرمایید:
۱. اصل فرم را به مرکز بسیج اساتید، نخبگان و مدیران حوزه علمیه قم به نشانی: قم، خیابان شهیدان فاطمی (دورشهر)، کوچه ۴ تحویل دهید.
  ۲. تصویر فرم را از طریق پیام‌رسان‌های ایتا و سروش به شماره (۰۹۱۹۴۵۲۵۳۰۲) ارسال فرمایید.

ردیف	عنوان و موضوعات	عالی	خوب	متوسط	ضعیف
۱	اهمیت، اولویت و میزان اثربخشی مطالب نشریه حوزه انقلابی				
۲	حجم، موجز و رسا بودن مباحث				
۳	قوت و به‌روز بودن مقالات علمی - تخصصی				
۴	قوت و به‌روز بودن تحلیل‌های اجتماعی - سیاسی				
۵	مناسب بودن وضعیت ظاهری (طرح جلد، صفحه‌آرایی و...)				

- یک. چه مباحثی را بیشتر مطالعه می‌کنید؟
- دو. شما دوست دارید، نشریه را به‌صورت مکتوب دریافت و مطالعه کنید یا دیجیتال و در فضای مجازی باشد؟ دریافت مکتوب  دریافت دیجیتال
- سه. اگر نظر توصیفی و تکمیلی برای ارتقای ماهنامه حوزه انقلابی دارید، ارائه فرمایید:
- چهار. در صورت تمایل: (نام و نام خانوادگی، مدارج علمی و شماره تلفن همراه):

معاونت پژوهش

مرکز بسیج اساتید، نخبگان و مدیران حوزه علمیه قم